

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی ۱۷ شهریور رشت

همایش دفترچه



دانشگاه علوم پزشکی گیلان



**The
First**
Interdisciplinary
Student Research
and Technology Conference of
Gilan University of Medical Sciences

Sep 30-Oct 1, 2025



کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گیلان برگزار می کند:

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی ۱۷ شهریور رشت

۹-۸ مهر ماه ۱۴۰۴

The First Interdisciplinary Student Research and Technology
Conference of Guilan University of Medical Sciences
Sep 30-Oct 1, 2025



تاریخ دریافت مقالات از طریق سایت:
۱۵ اردیبهشت تا ۱۰ مرداد ماه

تمدید شد

دیرخانه همایش: خیابان نامجو،
خیابان شهید سیادت، رو به روی
بیمارستان ۱۷ شهریور، معاونت
تحقیقات و فناوری، کمیته تحقیقات
دانشجویی دانشگاه



013-32330939



(0098) (013) - 33336395



<https://srcconf.gums.ac.ir>



Srcconf@gums.ac.ir



محور های همایش:

- تکنولوژی های نوین و هوش مصنوعی در علوم پزشکی ■ نوآوری ها و
- ایده های نوین در علوم پزشکی ■ یافته های نوین در علوم پزشکی
- بحران، ایمنی، تغذیه و سلامت ■ سالمندی و علوم پزشکی ■ جوانی
- جمعیت ■ اخلاق در پژوهش ■ بیماری های نوپدید و بازپدید ■
- همکاری های بین رشته ای در علوم پزشکی

همراه با برگزاری کارگاه ها و
رویداد های فناورانه



ویژه کلیه دانشجویان و مقاطع تحصیلی دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی گیلان



دانشگاه گیلان

مسابقات هنری گیلان نگره

دراولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته ای

داوری آثار توسط شرکت کنندگان حاضر

تاریخ: ۸ و ۹ مهر ۱۴۰۴

اعطای جوایز به منتخبین

حوزه ارسال آثار شامل کلیه رشته های مرتبط با علوم پزشکی

مهلت ارسال تصاویر:
۱ شهریور ۱۴۰۴

نحوه ارسال:

ارسال فایل ثبت نام + تصویر اثر به ایمیل همایش



013-32330939



(0098) (013) - 33336395



<https://srcconf.gums.ac.ir>



Srcconf@gums.ac.ir



شورای سیاستگذاری



دکتر محمدتقی آشوبی
رئیس همایش



دکتر رامیار فرزبان
نائب رئیس همایش



دکتر مریم خوشبخت
دبیر علمی همایش



دلارام فدائی
دبیر اجرایی همایش

پیام رئیس همایش

بسمه تعالی

با افتخار، آغاز اولین همایش بین رشته ای تحقیقات فناوری دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان را که با مشارکت فعال تمامی دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت و شرق گیلان، پیراپزشکی شرق گیلان، بهداشت و پردیس بین الملل انزلی برگزار می‌گردد، گرامی می‌داریم.

این همایش، با محورهایی چون تکنولوژی‌های نوین در علوم پزشکی، هوش مصنوعی، بحران، سلامت، ایمنی و بهداشت، جوانی جمعیت، ایده ها و یافته های نوین در علوم پزشکی، اخلاق در پژوهش، و بیماری‌های نوپدید و بازپدید بستری ارزشمند برای تبادل اندیشه‌ها، هم‌افزایی علمی و شکل‌گیری همکاری‌های بین‌رشته‌ای فراهم آورده است.

در شرایطی که جهان با تحولات سریع فناورانه و چالش‌های نوظهور سلامت مواجه است، نقش دانشجویان به‌عنوان نیروی محرکه پژوهش‌های نوآورانه بیش از پیش برجسته شده است. این همایش فرصتی است تا صدای نسل جوان پژوهشگر شنیده شود؛ نسلی که با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، از جمله هوش مصنوعی، به دنبال پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده سلامت است.

با این حال، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تحقیقات، به‌ویژه هوش مصنوعی، ما را با پرسش‌های اخلاقی مهمی نیز روبه‌رو کرده است: از حفظ حریم خصوصی داده‌ها تا تضمین صحت و بی‌طرفی نتایج. پرداختن به این چالش‌ها، نه‌تنها وظیفه‌ای علمی، بلکه مسئولیتی انسانی است که باید در مسیر توسعه پایدار پژوهش‌های دانشجویی مورد توجه قرار گیرد.

دانشگاه علوم پزشکی گیلان مفتخر است که با تکیه بر ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی خود، میزبان این رویداد علمی ارزشمند است. امید است این همایش، زمینه‌ساز شکوفایی ایده‌های نو، توسعه همکاری‌های علمی و گامی مؤثر در مسیر تعالی آموزش، پژوهش و خدمات سلامت در کشور باشد.

با آرزوی توفیق روزافزون برای تمامی شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این همایش

دکتر محمدتقی آشوبی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان

پیام نائب رئیس همایش

با نام خدا

با سلام واحترام

دانشجویان و پژوهشگران گرامی ،

در مسیر پر افتخار علم و دانش، پژوهش سنگ بنای پیشرفت و نوآوری است. شما، به عنوان نسل آینده ساز حوزه سلامت، نقشی بی بدیل در ارتقاء کیفیت زندگی و توسعه علمی کشور ایفا می کنید. همایش بین رشته ای تحقیقات و فناوری دانشجویی فرصتی ارزشمند برای شکوفایی استعدادها، تبادل اندیشه ها و خلق ایده های نوآورانه است.

از شما انتظار داریم با انگیزه ای مضاعف، در عرصه پژوهش های علمی حضور یابید و با رعایت اصول اخلاق حرفه ای، صداقت علمی، احترام به حقوق بیماران و حفظ کرامت انسانی، الگویی شایسته برای جامعه علمی باشید. اخلاق در پژوهش نه تنها ضامن اعتبار علمی شماست، بلکه پایه گذار اعتماد عمومی به دستاوردهای پزشکی است.

با آرزوی موفقیت و سربلندی برای همه شما دانشجویان و پژوهشگران گرامی

دکتر رامیار فرزاد

نائب رئیس همایش

پیام دبیر علمی همایش

با نام خداوند مهربان

با سلام و احترام

باعث افتخار است که در مقام دبیر علمی نخستین همایش بین‌رشته‌ای تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گیلان، میزبان اندیشه‌های نوآورانه، پژوهش‌های ارزشمند و تعاملات علمی میان دانشجویان و اساتید فرهیخته باشم.

این همایش که با همکاری همه کمیته‌های تحقیقات دانشجویی دانشکده‌های علوم پزشکی گیلان در تاریخ ۸ و ۹ مهرماه برگزار می‌شود، فرصتی بی‌نظیر برای هم‌افزایی علمی، تبادل تجربیات و ارائه دستاوردهای پژوهشی در حوزه‌های مختلف علوم پزشکی و فناوری‌های نوین است. هدف ما ایجاد بستری پویا برای گسترش همکاری‌های بین‌رشته‌ای، تقویت روحیه پژوهشگری و حمایت از ایده‌های خلاقانه دانشجویان است.

امیدوارم این رویداد علمی بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای سطح علمی دانشگاه، توسعه فناوری‌های کاربردی در حوزه سلامت، و ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات علمی میان نسل جوان پژوهشگر باشد.

از تمامی پژوهشگران، دانشجویان و اساتید گرامی تشکر می‌کنم که با حضور فعال خود، بر غنای علمی این همایش افزوده و در مسیر پیشرفت علمی کشور، نقش‌آفرینی می‌نمایند.

با آرزوی موفقیت و سربلندی برای همه شما دانشجویان گرامی و پژوهشگران محترم

دکتر مریم خوشبخت

سرپرست کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشگاه و دبیر علمی همایش

پیام دبیر اجرایی همایش

به نام خداوند جان و خرد

با سلام و احترام

برگزاری این همایش برای من، افتخاری بزرگ و تجربه‌ای ارزشمند بود. این رویداد ثمره ماه‌ها برنامه‌ریزی، همراهی، تلاش بی‌وقفه و باور عمیق به توانایی‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان است که خوشبختانه آنچه در جریان همایش رقم خورد، مهر تاییدی بر این باور بود.

دانشجویان توانستند در بخش‌های علمی، پژوهشی، هنری، اجرایی و حتی برنامه‌ریزی و مدیریت رویداد، توانمندی‌های خود را به بهترین شکل ممکن به نمایش بگذارند. حضور فعال و مسئولانه آنان نشان داد که نسل امروز دانشگاه، نسلی خلاق، توانمند، متعهد و آینده‌ساز است. این موفقیت بدون همراهی اساتید گرامی، حمایت معنوی مسئولین و همکاری صمیمانه تمامی عوامل اجرایی امکان‌پذیر نبود. نقش راهنمایی‌ها، تجربه‌ها و دلگرمی اساتید در کنار انرژی، انگیزه و تلاش دانشجویان، ترکیبی ساخت که نتیجه آن، برگزاری رویدادی پربار، هدفمند و به‌یادماندنی شد.

امید داریم که این همایش نقطه آغازی برای استمرار فعالیت‌های علمی و فرهنگی بیشتر و زمینه‌ساز شکل‌گیری ایده‌ها و همکاری‌های تازه میان دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه باشد. بی‌تردید تجربه‌های به‌دست‌آمده در این مسیر، چراغ راه برنامه‌ریزی رویدادهای آینده و پشتوانه‌ای ارزشمند برای دیگر گروه‌های دانشجویی خواهد بود.

در پایان، صمیمانه از تمامی عزیزانی که در تمامی مراحل آماده‌سازی و اجرا کنار ما بودند، سپاسگزاری می‌کنم. این موفقیت، متعلق به همه کسانی است که با عشق، مسئولیت‌پذیری و تلاش جمعی، تصویر زیبایی از توان و انگیزه دانشگاهیان ترسیم کردند.

با احترام

دلارام فدائی

دبیر کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشگاه و دبیر اجرایی همایش

اعضا کمیته علمی

دکتر محمدتقی آشوبی	دکتر رامیار فرزبان	دکتر سیدعلی علوی
دکتر افشین شفقی	دکتر فردین مهربان	دکتر مصطفی گل شکن
دکتر حسن بهبودی	دکتر شاهرخ یوسف زاده چابک	دکتر فریبرز منصورقنای
دکتر آبتین حیدرزاده	دکتر حسین همتی	دکتر علی حمیدی مدنی
دکتر عاطفه قنبری	دکتر شادمان نعمتی	دکتر سیاوش فلاحتکار
دکتر رسول تبری	دکتر مسعود فقیه اخلاقی	دکتر مریم خوشبخت
دکتر عنایت اله همائی راد	مهندس شادی مؤند رضایی	دکتر علی حزنی
دکتر مرجان مهدوی روشن	دکتر امیررضا هندی	دکتر مریم شکیبا
دکتر سیده نگار خسروی فرد	دکتر اشکان سالاری	دکتر میثم شریف دینی
دکتر معصومه ادیب	دکتر زهرا حصاری	دکتر پرند پورقانع
دکتر محمد دودانگه بالاخانی	دکتر ایرج نیکوکار	عزت پاریاد
دکتر محمد سامی	دکتر کامبیز رهام پور	دکتر جلیل جعفری
دکتر زهرا بستانی	دکتر حشمت اله ابراهیمی	دکتر محمد اسماعیل پور
دکتر حسین صدر	دکتر زهرا رفعت	دکتر شیوا علیزاده
دکتر فواد قاضی زاده	دکتر مهسا کوچکی	دکتر لیلا ملائی پور
دکتر مرضیه جهانی	دکتر شهرام تائب	دکتر نادیا علیپور

اعضا کمیته داوری

اعضا داوری هیات علمی

دکتر سید علی علوی فومنی	دکتر رامیار فرزانه	دکتر محمدتقی آشوبی
دکتر فواد قاضی زاده	دکتر افشین شفقی	دکتر فردین مهربان
دکتر رسول تبری	دکتر زهرا بستانی	دکتر معصومه ادیب
دکتر مهسا کوچکی	دکتر لیلا ملایی پور	دکتر کامبیز روهم پور
دکتر جلیل جعفری	دکتر محمد اسماعیل پور	دکتر پرند پورقانع
دکتر نادیا علیپور	دکتر مرضیه جهانی	دکتر شهرام تائب
دکتر نسترن میرفرهادی	دکتر امیررضا هندی	دکتر شیوا علیزاده
دکتر مرضیه جهانی	دکتر پروانه رضا سلطانی	دکتر مرضیه شایسته فرد
	دکتر مریم خوشبخت	دکتر زهرا رفعت

اعضا داوری دانشجویی

ماهان عباسی	نازیلا ستاری	نگین رنجبر سلیمانی
آیلی علائی	فاطمه شمسی پور	سید محمد میرحسینی
صائمہ هادی زاده	ایلیا صابری	عرفان یوسف زاده
فائزه صبحانی فر	امیرحسین جعفری	علیرضا رغیمی
افسانه آهנסاز	مونا حسین زاده	ثنا مهدیان
زهرا توکل نیا	صبا رضوی	نازنین دانش پور
مجید سماک	محمدامین نصیری	مرضیه احمدی
پارمیدا صارمی شهاب	سبحان آغشته	نگین اشتیری
	دلارام فدائی حیدرآبادی	محمد مستقر

اعضا کمیته اجرایی

دلا رام فدائی حیدرآبادی	دکتر مریم خوشبخت	کاظم همائی
پارمیدا صارمی شهاب	شمیلا قاسمی	زکریا دادوند
محمد عموزاده	سہیلا محمدپور	نگین رنجبر سلیمانی
فاطمہ محسنی	مہدی حسین زاده	تامارا صادقی علیکلایہ
امیر محمد رحیمی	مونا حسین زاده	سحر خوشہ چین
بہارہ خلیلی	فاطمہ خانی	نورا لطفی
بنیامین خانکشی پور	فاطمہ شفیعی	مہلا جعفری
کسری سعیدی	رضا عاشوری	مرضیہ احمدی
علی گنجی	کریم آقاپور	محمد امین پاکدل
فاطمہ شمسی پور	زہرا مرتضی زاده	امیر حسین جعفری
علیرضا رغیمی	مجید سماک	حنانہ شیروانشاہی
محمد حسین طبیبیان	محمد امین نصیری	مہسا رستمی
نرجس آقاجانی	صبا رضوی	

کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان با همکاری مدیریت توسعه فناوری سلامت، مدیریت اطلاع رسانی و منابع علمی و مرکز رشد و فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی گیلان برگزار می‌کند:



کارگاه‌های اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

	<p>روند ثبت اختراع در ایران</p> <p>خانم مرضیه رحمانی</p> <p>کارشناس مدیریت توسعه فناوری سلامت</p>	<p>۹ ساعت</p> <p>۸ مهر ماه</p>
	<p>کاربرد های ابزار هوش مصنوعی در آموزش و پژوهش علوم پزشکی</p> <p>دکتر حسین صدر</p> <p>رئیس مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی گیلان رئیس کمیسیون هوش مصنوعی سازمان نصر گیلان</p>	<p>۱۵:۳۰ ساعت</p> <p>۸ مهر ماه</p>
	<p>مقدمات نحوه نگارش مقالات سیستماتیک ریویو</p> <p>دکتر لیلا ملانی پور</p> <p>دکترای تخصصی اپیدمیولوژی عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت</p>	<p>۱۳ ساعت</p> <p>۸ مهر ماه</p>
	<p>شناسایی مجلات معتبر جهت چاپ مقاله</p> <p>دکتر رقيه قربانی بوساری</p> <p>دکتری علم اطلاعات (گرایش بازیابی اطلاعات)</p>	<p>۱۴ ساعت</p> <p>۸ مهر ماه</p>
	<p>آشنایی با نحوه ثبت طرح های فناورانه</p> <p>خانم فاطمه زائر ثابت</p> <p>کارشناس مدیریت توسعه فناوری سلامت</p>	<p>۸ ساعت</p> <p>۹ مهر ماه</p>
	<p>معرفی فناوری های نوین در علوم پزشکی</p> <p>دکتر حسین صدر</p> <p>رئیس مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی گیلان رئیس کمیسیون هوش مصنوعی سازمان نصر گیلان</p>	<p>۹:۱۵ ساعت</p> <p>۹ مهر ماه</p>

گواهی برای هر کارگاه شرکت شده به صورت جدا صادر خواهد شد.

محل برگزاری کارگاه: فاز ۲ مرکز آموزشی درمانی ۱۷ شهریور طبقه سوم



با تشکر از

- معاونت محترم آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - معاونت محترم فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - معاونت محترم توسعه و مدیریت منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - مدیریت محترم آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - مدیریت محترم روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - مدیریت محترم حراست دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 - ریاست، معاونت آموزشی و تیم مدیریتی محترم مرکز آموزشی درمانی ۱۷ شهریور رشت
- و تشکر ویژه از اساتید پیشکسوت حوزه پژوهش و روسای محترم مراکز تحقیقاتی و کلیه همکاران و دانشجویان گرامی که در برگزاری این همایش به ما کمک کردند.



برنامه اولین همایش کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان



نمایشگاه هنری گیلان نگاره

دراولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

تاریخ: ۸ و ۹ مهر ۱۴۰۴ | داوری آثار توسط شرکت کنندگان حاضر

اعطای جوایز به منتخبین

حوزه ارسال آثار شامل کلیه رشته‌های مرتبط با علوم پزشکی

مهلت ارسال تصاویر:
۱ شهریور ۱۴۰۴

نحوه ارسال:
ارسال فایل ثبت نام + تصویر اثر به ایمیل همایش

013-32330939
(0098)(013)-3336395
<https://srconf.gums.ac.ir>
Srconf@gums.ac.ir



کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گیلان برگزار می‌کند:

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سالن همایش‌های مرکز آموزشی درمانی ۱۷ شهریور رشت

۸-۹ مهر ماه ۱۴۰۴

The First Interdisciplinary Student Research and Technology
Conference of Guilan University of Medical Sciences
Sep 30-Oct 1, 2025

محورهای همایش:

- تکنولوژی‌های نوین و هوش مصنوعی در علوم پزشکی
- لواوری‌ها و ایده‌های نوین در علوم پزشکی
- یافته‌های نوین در علوم پزشکی
- بحران، ایمنی، تغذیه و سلامت
- سالمندی و علوم پزشکی
- جوانی
- جمعیت
- اخلاق در پژوهش
- بیماری‌های نوپدید و بازپدید

همکاری‌های بین رشته‌ای در علوم پزشکی

همراه با برگزاری کارگاه‌ها و رویدادهای فناورانه

013-32330939
(0098)(013)-3336395
<https://srconf.gums.ac.ir>
Srconf@gums.ac.ir





برنامه روز اول همایش : سه شنبه 8 مهر 1404

افتتاحیه همایش		برنامه
تلاوت قران کریم		
سرود ملی		
سخنرانی رئیس همایش : جناب آقای دکتر محمد تقی آشویی		
سخنرانی معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه: جناب آقای دکتر سید علی علوی		
سخنرانی معاونت محترم فرهنگی و دانشجویی: جناب آقای دکتر فردین مهرابیان		
سخنرانی دبیر علمی همایش: سرکار خانم دکتر مریم خوشبخت		
سخنرانی دبیر اجرایی همایش : سرکار خانم دلارام فدایی		
پخش کلیپ اساتید برتر پژوهشی دانشگاه		
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	مکان	
ساعت 8 الی 10	زمان	
پذیرایی و استراحت		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور		مکان
ساعت 10 الی 10:20		زمان
ارائه سخنرانی، پوستر، کارگاه و نمایشگاه گیلان نگاره		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	ارائه سخنرانی	مکان
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	ارائه پوستر	
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	کارگاه	
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	نمایشگاه گیلان نگاره	
ساعت 10:30 الی 12		زمان
نماز و ناهار		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور		مکان
ساعت 12 الی 13		زمان
ارائه سخنرانی، پوستر، کارگاه و نمایشگاه گیلان نگاره		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	ارائه سخنرانی	مکان
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	ارائه پوستر	
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	کارگاه	
ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	نمایشگاه گیلان نگاره	
ساعت 13 الی 14		زمان
پذیرایی و استراحت		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور		مکان
ساعت 14:15 الی 14:45		زمان
کنسرت دانشجویی		برنامه
سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور		مکان
ساعت 15 الی 16		زمان



برنامه سخنرانی و پوستر روز اول همایش

پنل یافته های نوین و همکاری های بین رشته ای در علوم پزشکی			
سخنرانی			
اعضا پنل: دکتر محمدتقی آشوبی، دکتر سید علی علوی، دکتر افشین شفق، دکتر فردین مهربان، دکتر زهرا رفعت، دکتر فواد قاضی زاده، سید محمد میرحسینی			
شماره سخنرانی	ساعت ارائه	ارائه دهنده	عنوان
1	10:30-10:40	زینب محمدی لیمائی	Investigating the lipase enzyme production in Candida species isolated from patients with denture stomatitis referred to dental clinics of Guilan University of medical science compared to healthy people in 2023
2	10:45-10:55	سید محمد میرحسینی	ارزیابی و روان سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه پرخاشگری باس و پری در جمعیت عمومی ایرانی (BPAQ-SF)
3	11:00-11:10	محمد مهدی مرادیان	Investigation the effect of watery extracts of Eryngium caucasicum, Urtica urens, Ziziphus jujube Mill and Descurainia Sophia in inhibiting the growth of common bacterial and fungal agents causing tooth decay, an in vitro study
4	11:15-11:25	ساحل رضائی	The Association Between Incidence of Brachial Plexus Birth Paralysis and Vaginal Delivery Rates: An Eleven-year Analytic Study
5	11:25-11:35	فاطمه شمسی پور	Validation of the Persian version of Smartphone Addiction Scale for Iranian adulthood
6	11:40-11:50	سید محمد میرحسینی	ارزیابی و روان سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه اضطراب حالت و صفت اشیپل برگر در جمعیت عمومی ایرانی
7	11:50-12:00	فائزه سبحانی فر	The incidence of phlebitis and related factors in the patients hospitalized in medical education centers of Guilan University of Medical Sciences
پنل نوآوری و یافته های نوین / جوانی جمعیت / اخلاق در پژوهش / همکاری بین رشته ای			
پوستر (از ساعت 10:30 الی 11:10)			
اعضا پنل: دکتر نادیا علی پور، ماهان عباسی، سبحان آغشته			
شماره پوستر	ارائه دهنده	عنوان	
1	عرفان یوسف زاده	The Effect of Simulation-Based Training on the Performance of Emergency Medical Services: A Narrative Review study	
2	فائزه سبحانی فر	کاربرد مدل A ۵ در مراقبت از بیماری های مزمن: مرور نظام مند	
3	سید امیرعلی قاسمی	چشم اندازهای هوش مصنوعی در تحول نظام آموزشی و ارزشیابی در علوم پزشکی	
4	سمانه مهمان نواز	تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر سلامت باروری و جنسی بر آگاهی و نگرش زوج های شرکت کننده در کلاس های مشاوره پیش از ازدواج	
5	مهدیس پارسا پور	Impact of Anti-Inflammatory Dietary Patterns on Fertility Disorders (PCOS and Endometriosis) and Implications for Youth Population Policies: A Systematic Review	
6	مهلا جعفری	Rewiring Brain Health Through the Gut: An Interdisciplinary Narrative Review on Probiotics in Neurological Disorders	
7	فائزه سبحانی فر	چالش های اخلاقی در پژوهش های کیفی: یک مرور روایتی	



پنل: تکنولوژی های نوین و هوش مصنوعی 1			
پوستر (از ساعت 11:15 الی 12)			
اعضا پنل:			
دکتر شیوا علیزاده، نازیلا ستاری، پارمیدا صارمی شهاب			
شماره پوستر	ارائه دهنده	عنوان	
1	نسیبه اخوان	از نگاه لیزر تا درک عمق آسیب: ارزیابی دقیق سوختگی با تصویربرداری داپلر در برابر روش بالینی	
2	لیلا دهقانکار	Analyzing the Integration of Artificial Intelligence in Elderly Care Applications: A Systematic Review with Quantitative Evaluation	
3	نسیبه اخوان	بررسی دینامیک نمادین و قفل شدگی فاز در سیگنال های ECG بیماران مبتلا به فیبریلاسیون دهلیزی با تحلیل ویژگی های آماری غیرگوسی	
4	نورا لطفی	Machine Learning and Artificial Intelligence Applications for Promoting Breast Feeding Education and Maternal Support: A Review of Recent Studies	
5	نسیبه اخوان	تحلیل ویژگی های بایوسپکتري و بی کوهرنس در سیگنال های ECG جهت شناسایی بیماری های قلبی با استفاده از الگوریتم های یادگیری ماشین	
6	ساناز صفرحمیدی	Modern Technologies from Robotics to Artificial Intelligence in Managing Knee Osteoarthritis in the Elderly	
7	نسیبه اخوان	کاربرد عملی مدل های یادگیری عمیق در تشخیص سرطان ریه: از توسعه تا پیاده سازی در بستر پزشکی از راه دور	
8	علی گنجی	The Role of Artificial Intelligence in Enhancing Clinical Decision Making in Undergraduate Nursing Education	
پنل نوآوری و ایده های نوین / تکنولوژی های نوین و هوش مصنوعی			
سخنرانی			
اعضا پنل:			
دکتر معصومه ادیب ، دکتر زهرا بستانی، دکتر رسول تبری، دکتر کامبیز روهام پور، دکتر لیلا ملایی پور ،دکتر مهسا کوچکی ، مونا شاملی			
شماره سخنرانی	ساعت ارائه	ارائه دهنده	عنوان
1	13:10-13:00	مونا حسین زاده	تدوین برنامه مراقبت پرستاری مبتنی بر تئوری خودمراقبتی اورم در بیمار مبتلا به صرع: یک گزارش موردی
2	13:15-13:25	شقایق قربانی	ارزیابی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر قصد انجام فعالیت بدنی در زنان میانسال
3	13:30-13:40	صادق سلیمی	طراحی، اجرا و ارزشیابی اپلیکیشن تحت وب چندرسانه ای در آموزش بالینی کارورزی اورژانس مسمومیت دانشجویان پرستاری
4	13:45-13:55	معصومه جوان پرست	ارزیابی اثربخشی روش آموزشی "IMAGE" بر مهارت مدیریت راه هوایی دانشجویان کارشناسی ارشد مراقبت ویژه پرستاری در سال 1404
5	14:00-14:10	محمدحسین صبحی	بررسی درک از کارایی ChatGPT و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان



پنل: یافته های نوین در علوم پزشکی

پوستر (از ساعت 13 الی 13:45)

اعضا پنل:

دکتر زهرا رفعت، محمد مستقر، فاطمه شمسی پور

شماره پوستر	ارائه دهنده	عنوان
1	سبحان آغشته	Autogenous Dentin Grafts in Immediate Dental Implant Placement: A Review of Clinical Efficacy and Outcomes
2	ایلیا صابری	Parkinson's Peace Button: Pressing the Vagus Nerve for Relief; An Umbrella Review
3	مریم جعفری	Is Endocan a Reliable Biomarker for NAFLD? A Systematic review and Meta-Analysis Study
4	عرفان یوسف زاده	Navigating Adversity: The Role of Resilience in Nursing Students' Clinical Competence and Academic Success
5	امیرحسین جعفری	Investigation of the proteinase enzyme activity in Candida species isolated from patients with denture stomatitis referred to dental clinics of Guilan University of medical science (2023): A case-control study
6	سید الهام نورالهی	Molecular Biomarkers in Glioblastoma: The Emerging Roles of mRNA and Long Non-Coding RNAs in Diagnosis and Precision Medicine
7	مریم جعفری	The global prevalence of depression and anxiety among fibromyalgia patients: A systematic review and meta-analysis



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

برنامه روز دوم همایش : چهارشنبه 9 مهر 1404		
برنامه	ارائه سخنرانی، پوستر، کارگاه و نمایشگاه گیلان نگاره	
مکان	سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	ارائه سخنرانی
	ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	ارائه پوستر
	ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	کارگاه
	ساختمان فاز 2 مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور(طبقه سوم)	نمایشگاه گیلان نگاره
زمان	ساعت 8 الی 10	
برنامه	پذیرایی و استراحت	
مکان	سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	
زمان	ساعت 10 الی 10:30	
برنامه	اختتامیه	
	سخنرانی دبیر علمی همایش	
	سخنرانی دبیر اجرایی همایش	
	تقدیر و تشکر و اهدای جوایز با حضور ریاست و مسئولین محترم دانشگاه	
مکان	سالن همایش های مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور	
زمان	ساعت 10:30 الی 12	



برنامه سخنرانی و پوستر روز دوم همایش

پنل بحران، ایمنی، سلامت و تغذیه / جوانی جمعیت			
سخنرانی			
اعضا پنل:			
دکتر پرند پورقانع، دکتر محمد اسماعیل پور، دکتر جلیل جعفری، دکتر شهرام تائب، دکتر مرضیه جهانی، دکتر نادیا علیپور، دکتر شیوا علیزاده، آیلی علائی			
شماره سخنرانی	ساعت ارائه	ارائه دهنده	عنوان
1	8:10-8:00	محمد قاسمیان	ارزیابی جامع خطرات ایمنی و بهداشت در سیستم مدیریت HSE بخش اورژانس بیمارستان سلمان فارسی بوشهر با استفاده از روش‌های FMEA، HAZOP و تحلیل شاخص‌های حوادث
2	8:25-8:15	سیده راحله موسوی	The prevalence and clinical therapy of vulvovaginal candidiasis in Iranian women
3	8:40-8:30	مونا حسین زاده	نقش مولفه‌های پنهان در چرخه خواب و استراحت کودکان
4	8:55-8:45	مریم افزا	بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته بر سواد تغذیه‌ای و رفتار غذایی نوجوانان
5	9:10-9:00	تارا علیزاده	The quality of emergency services from the perspective of patients: A cross-sectional study
6	9:25-9:15	روشنک آل اسماعیل	تاثیرات آموزش مدیریت مقابله با حوادث پرتویی به دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی
7	9:40-9:30	مهسا پوراصغر	بررسی شیوع کرونوفوبیا در دانشجویان پرستاری رشت سال 1404
8	9:55 – 9:45	نوشین روحانی	نگرش به سوی فرزندآوری در زنان متأهل 18-54 ساله استان گیلان
پنل: تکنولوژی‌های نوین و هوش مصنوعی 2			
پوستر (از ساعت 8 الی 9)			
اعضا پنل:			
دکتر مهسا کوچکی، عرفان یوسف زاده، ایلینا صابری			
شماره پوستر	ارائه دهنده	عنوان	
1	ارغوان مقربی	Modern and Technology-Assisted Physiotherapy Techniques in Stroke Rehabilitation: "A Narrative Review"	
2	زهره رضائی	کاربرد هوش مصنوعی در روانپرستاری: چالش‌ها و آینده‌ی روانپرستاری	
3	زهره قاسمی	Efficiency and Effectiveness of Artificial Intelligence Compared to Traditional Drug Management Methods in Elderly Patients: A Scoping Review	
4	زهره قاسمی	The Role and Application of Artificial Intelligence in Pediatric Pain Management: A Review article	
5	مجید سماک	The Role of Artificial Intelligence in Detecting Cognitive Impairment in the Elderly Population: A Narrative Review	
6	مهدیس پارساپور	Predicting Type 2 Diabetes Using Machine Learning Models Based on Dietary Regimens and Continuous Glycemic Data: A Systematic Review	
7	محمد مستقر	Artificial Intelligence Use in the Management of Vascular Surgery: A Scoping Review of Clinical Studies	
8	مجید سماک	The Effects of Telemedicine Interventions on Caregivers of Dementia Patients: A Narrative Review	
9	علیرضا رغیمی	The Impact of Mobile Applications on Self-Care in Patients with Diabetes: A Narrative Review	



پنل: بحران، ایمنی، سلامت و تغذیه / بیماری های نوپدید و بازپدید/ سالمندی

پوستر (از ساعت 9 الی 10)

اعضا پنل:

دکتر فواد قاضی زاده، صائمه هادی زاده، علیرضا رغیمی

شماره پوستر	ارائه دهنده	عنوان
1	نورا لطفی	Awareness and Knowledge as Determinants of Quality of Life in Menopausal Women: Insights from a Literature Review
2	رضوانه جوادنژاد	تأثیر مداخله آموزشی بر سبک زندگی سالمندان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر قم
3	مونا حسین زاده	مداخلات برای ارتقای سلامت روان والدین کودکان مبتلا به سرطان: یک مرور روایتی
4	روشنک آل اسماعیل	نگاهی به تلاش های جهانی در جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی در پیشگیری و مقابله با حوادث پرتویی
5	محمد مستقر	Caregiver Burden in Patients with Alzheimer's Disease: A Scoping Review of Clinical Studies
6	فاطمه حسن پور	بررسی شیوع نوموفوبیا در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پرستاری رشت سال 1404
7	سپیده غائبی	بررسی پیامدهای روانی و اجتماعی بیماری نوپدید کووید-۱۹ بر کادر درمان
8	مرضیه احمدی	رویکردهای غیردارویی برای اختلالات خواب در سالمندان: یک مرور روایتی
9	زهرا همتی	Population aging and health challenges: A systematic review



سخنرانی



Investigating the lipase enzyme production in *Candida* species isolated from patients with denture stomatitis referred to dental clinics of Guilan University of medical science compared to healthy people in 2023

Zeinab Mohammadi Limaee¹

ارائه دهنده:

Monireh Aghajany Nasab², Zahra Rafat³

سایر نویسندگان:

¹ Cellular & Molecular Research Center, Department of Biochemistry, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

² Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Abstract:

Background and Aim: Denture stomatitis is a common disorder in denture users, which is characterized by inflammation and erythema of the mucosal surfaces of the mouth covered by the prosthesis. Considering the important role of lipase enzymes in the pathogenesis of denture stomatitis, in this study, we measured the activity of lipase enzyme in *Candida* species isolated from patients with denture stomatitis.

Methods: The present case-control study was conducted on 40 *Candida* species isolated from the oral swab samples of patients with denture stomatitis and 40 *Candida* species isolated from the oral swab samples of healthy individuals. The participants were matched based on age and gender. The index of lipase enzyme activity was measured using relevant protocols. P-value <0.05 with a confidence interval of 95% was considered statistically significant.

Results: The results of the present study showed that among 80 *Candida* isolates included in this study, *Candida albicans* was the most isolated species (n=60, 75%) followed by *Candida glabrata*, and *Candida krusei* (each n=10, 12.5%). Among the 60 *Candida albicans* species isolated from the case and control groups, 37 isolates (61.66%) were positive for lipase enzyme activity, and of these 37 isolates, 28 isolates (75.67%) belonged to the case group and 9 isolates (24.33%) belonged to the control group. Also, the average activity of lipase enzyme in *Candida* species isolated from oral swabs of people with denture stomatitis and healthy people was 0.33 and 0.82, respectively, which shows a statistically significant difference in terms of the esterase activity level between these two groups (p-value<0.0001).

Conclusion: The present study showed that the *Candida* species isolated from patients with denture stomatitis and healthy individuals have the potential to produce enzymes involved in pathogenesis, but the activity and pathogenicity of these enzymes in the species isolated from patients is much higher than that of healthy individuals. Therefore, it can be concluded that commensal strains are opportunistic and are able to cause disease in favorable conditions such as wearing dentures.

Keywords: Denture stomatitis, *Candida* species, lipase enzyme activity



ارزیابی و روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (BPAQ-SF) در جمعیت عمومی ایرانی

ارائه دهنده: سید محمد میرحسینی^{۱،۲}

سایر نویسندگان: حمید شریف نیا^{۳،۴}، فائزه سبحانی فر^۵، حامد خسروی^۶، مهدی رضایی^۶، علی عباسی^{۷*}

^۱ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

^۳ مرکز تحقیقات روان‌تنی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۴ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی آمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

^۵ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

^۶ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۷ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

چکیده

مقدمه: پرخاشگری یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی سلامت روان است و سنجش دقیق آن برای پژوهش‌های روان‌شناختی و مداخلات درمانی اهمیت دارد. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (BPAQ) یکی از ابزارهای معتبر در این زمینه است، اما نسخه اصلی آن به دلیل طولانی بودن، برای استفاده در مطالعات بزرگ مقیاس محدودیت‌هایی دارد. نسخه کوتاه‌شده این پرسشنامه (BPAQ-SF) با هدف افزایش کارایی طراحی شده، اما اعتبار آن در زمینه‌های فرهنگی مختلف باید بررسی شود. این مطالعه با هدف ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی BPAQ-SF در جمعیت عمومی ایران انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه مقطعی و روش‌شناختی در سال ۲۰۲۴ بر روی ۴۰۷ بزرگسال ساکن در جامعه ایرانی انجام شد. پرسشنامه-BPAQ-SF با استفاده از روش ترجمه مستقیم-معکوس به زبان فارسی برگردانده شد. اعتبار صوری و محتوایی به‌صورت کیفی و کمی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای بررسی روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. روایی همگرا و واگرا با استفاده از معیار فورنل-لارکر (Fornell-Larcker) و نسبت HTMT ارزیابی گردید. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب امگا مک‌دونالد بررسی شد.

یافته‌ها: پس از تأیید اعتبار صوری، آیتم شماره ۱۰ در مرحله بررسی اعتبار محتوایی و آیتم شماره ۵ در تحلیل عاملی اکتشافی حذف شدند. نسخه نهایی شامل ۱۰ گویه بود که بر روی دو عامل «تکانشگری» و «خصومت» بارگذاری شدند و در مجموع ۳۱.۲٪ از واریانس کل پرخاشگری را تبیین کردند. تحلیل عاملی تأییدی، برازش مدل را تأیید نمود. عامل «تکانشگری» دارای روایی همگرای مناسب بود و هر دو عامل نیز از روایی واگرای قابل قبول برخوردار بودند. مقادیر پایایی درونی برای هر دو عامل رضایت‌بخش بود.

نتیجه‌گیری: نسخه فارسی پرسشنامه BPAQ-SF از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند برای سنجش پرخاشگری در جمعیت عمومی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، پرسشنامه، روایی، پایایی، روان‌سنجی



Investigation the effect of watery extracts of *Eryngium caucasicum*, *Urtica urens*, *Ziziphus jujube* Mill and *Descurainia Sophia* in inhibiting the growth of common bacterial and fungal agents causing tooth decay, an in vitro study

ارائه دهنده: Mohammad Mahdi Moradiyan¹

سایر نویسندگان: Raheleh Sheikhi², Zahra Rafat^{3*}, Tooraj Mahmoudi⁴

- 1- Student research committee, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
- 2- Department of Microbiology, Virology and Microbial Toxins, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
- 3- Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
- 4- Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

Abstract:

Background and Aim: Prevention of dental caries with the use of medicinal plants is of great interest due to fewer side effects, the variety of effective compounds in plants, and lower economic costs. Therefore, in this research, the antifungal/antibacterial effects of watery extracts of *Eryngium caucasicum*, *Urtica urens*, *Ziziphus jujube* Mill and *Descurainia Sophia* on 2 standard bacterial strains and 3 standard fungal strains causing tooth decay have been investigated.

Methods: In this experimental study, watery extracts of *Eryngium caucasicum*, *Urtica urens*, *Ziziphus jujube* Mill and *Descurainia Sophia* were prepared by maceration method. The antifungal/ antibacterial activity of the extract was evaluated using the well diffusion method for 3 types of fungi (*Candida albicans*, *Candida tropicalis*, and *Candida krusei*) and 2 bacteria (*Streptococcus sanguinis* and *Streptococcus mutans*) with 3 repetitions. The minimum inhibitory concentration (MIC) and the minimum fungicidal/bactericidal concentration (MFC/MBC) were also determined by microdilution method.

Results: The MIC and MFC of the aqueous extract of jujube and jujube for the standard *Candida albicans* strain was 512 µg/ml. Also, the MIC and MFC of aqueous extracts of nettle and licorice for the standard *Candida albicans* strain were 256 and 4096 µg/ml, respectively. The MIC and MFC of aqueous extracts of licorice and jujube for the standard *Candida*



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

tropicalis strain was 4096 $\mu\text{g/ml}$. Also, the MIC and MFC of nettle and chochag aqueous extracts for the standard *Candida tropicalis* strain were 256 and 32 $\mu\text{g/ml}$, respectively. The MIC and MFC of nettle and jujube water extracts for the standard strain of *Candida krusei* were 16 and 4096 $\mu\text{g/ml}$, respectively. The MIC of nettle, jujube, and licorice extracts for standard strains of *Streptococcus mutans* and *Streptococcus sanguineus* was 4096 $\mu\text{g/ml}$. Also, the MBC of aqueous extracts of nettle, jujube, and licorice for the standard strains of *Streptococcus mutans* and *Streptococcus sanguineus* was more than 4096 $\mu\text{g/ml}$. The standard strain of *Candida cruzi* showed resistance to the aqueous extracts of khakshir and chochag, and the standard strains of *Streptococcus mutans* and *Streptococcus sanguineus* showed resistance to the aqueous extract of chochag.

Conclusion: Among all the aqueous extracts examined, the isolates of *Candida albicans*, *Candida tropicalis*, *Streptococcus mutans* and *Streptococcus sanguinis* showed sensitivity to aqueous extracts of sorrel, nettle and jujube, so the results of this study allow the use of aqueous extracts of sorrel, nettle and jujube. It was shown as a mouthwash in the prevention of dental caries.

Keywords: *Urtica urens*, *Ziziphus jujube* Mill, antifungal activity, watery extract, antibacterial activity, tooth decay



The Association Between Incidence of Brachial Plexus Birth Paralysis and Vaginal Delivery Rates: An Eleven-year Analytic Study

ارائه دهنده: Sahel Rezaee¹

سایر نویسندگان:

Fatemeh Hosseinzadeh², Maryam Ghalandari³, Roya faraji Darkhane², Mohammadreza Emamhadi⁴, Shahrokh Yousefzadeh Chabok⁵

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Reproductive Health Research Center, Department of Obstetrics and Gynecology, School of Medicine, Al-Zahra Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

3. Phd Student at Department of Epidemiology and Biostatistics, Vice-Chancellorship of Research and Technology, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

4. Department of Neurosurgery, School of Medicine, Poursina Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

5. Road Trauma Research Center, Trauma Institute, School of Medicine, Poursina Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

Abstract:

Background and Aim: Several studies have been conducted on the incidence of Brachial Plexus Birth Paralysis (BPBP) in Iran. However, they weren't focused on the relationship between health-policy aiming at increasing rates of Vaginal Delivery (VD) and the trend of BPBP incidence. Considering the fact that VD is directly or indirectly associated with BPBP, this eleven-year study was aimed to assess changes in this neurological injury's trend and then, evaluate its correlation with above-mentioned policy. Moreover, we illuminated a number of predictive risk factors of BPBP for a better understanding of the causes of changes in its trend during the period of study.

Methods and Materials: This cross-sectional analytic study was carried out in Al-Zahra Hospital, the main center of obstetrics in Rasht, Iran. It was conducted on BPBP patients from 2013 to 2023, who were diagnosed by an obstetrician after birth. Then, each one was confirmed by a neurosurgeon from Poursina Hospital, the referral center of neurosurgery in Rasht. Descriptive statistics were used to examine the patients' demographic and clinical characteristics, such as age, gender, type of delivery, side of effect, clavicle fracture and shoulder dystocia. Joinpoint regression analysis was conducted to examine the direction of BPBP incidence. The results were analyzed using SPSS software, Version 26. The Average Annual Percent Changes (AAPCs), along with their 95% confidence intervals (95% CI) and P-value < 0.05 were computed.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

Results: Over eleven years, 41,617 live births occurred in Al-Zahra Hospital. Our study revealed that the incidence of BPBP was 1.54 cases per 1000 live births during this period of time. Of these, 33(51.6%) were male and 31(48.4%) were female. The Mean \pm SD of gestational age was 38.84 \pm 1.21 weeks. The Mean \pm SD of the maternal age was 32.08 \pm 5.69 years. In our study, the join-point regression analysis illustrated that the incidence of BPBP increased during the entire time of study (p-value< 0.05). In addition, there wasn't a significant change in this rising trend at the time of establishing the policy aimed at increasing rate of VD (2018). Secondly, despite that policy, the rate of VD decreased and cesarean section rate raised during the period of study (P-value<0.05). In fact, the policy had no impact on the trend of BPBP. Moreover, there weren't any instrumental deliveries among the patients, despite the increasing trend of this injury. only 10.9% of the patients with BPBP were diagnosed with clavicle fracture after birth. There wasn't a humerus fracture among all of the patients. Also, only 11.5% of the cases had shoulder dystocia in our study.

Conclusion: According to the obtained findings, we revealed that incidence of BPBP increased during eleven-year period, while rate of VD decreased and also, major risk factors of this injury weren't significant, too. Therefore, more focus on younger obstetricians and preventive strategies to decrease this neurological injury should be considered.

Key Words: Neurological injury, Neonates, Brachial plexus, delivery



Validation of the Persian version of Smartphone Addiction Scale for Iranian adulthood

ارائه دهنده: ¹Fatemeh Shamsipour

سایر نویسندگان:

Mahta Nematpour¹, Maryam Afza¹, Shaghayegh Ghorbani¹, Asal Ebadi², Leila Molaeipour³

¹ Student Research Committee, School of Health, Guilan University of Medical Sciences, Iran.

² Student Research Committee, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Iran.

³ Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Smartphone addiction has become a growing concern following the increasing popularity of smartphones. The Smartphone Addiction Scale is a commonly used assessment tool for identifying smartphone addiction. This study investigated the validity and reliability of the Persian version of the Smartphone Addiction Scale among medical sciences students in Iran.

Methods: A total of 456 students (218 men, 238 women) from Iran University of Medical Sciences participated between February and March 2021. To translate the English version of the SAS into Persian, the standard "forward-backward" procedure was applied. Content validity was evaluated by 10 experts in the field of psychiatry and epidemiology by generating a Content Validity Index (I-CVI) per items and average (I-CVI-Ave). Construct validity was established by Exploratory Factor Analysis (EFA). The internal consistency was determined by Cronbach's alpha coefficient.

Results: Of al, 218 men and 238 women responded to the SAS questionnaire. With a total score ranging from 33 to 198, the participants' mean SAS score was 71.1 (SD=27.0). The questions showed more than CVI of 0.70 and the mean I-CVI-Ave was 0.92. The principal component analysis with varimax rotation showed that the SAS was a measure of smartphone addiction with five-factor structure that jointly accounted for 55% of the variance. Results indicated high internal consistency of the SAS (Cronbach's alpha = 0.961).

Discussion: The Persian version of the SAS is a reliable and valid instrument for measuring smartphone addiction. This tool can be effectively used to assess smartphone addiction in Iranian adult society and research fields.

Keywords: Smartphone Addiction Scale, Smartphone addiction, Addiction, Validity, Reliability, Medical Student



ارزیابی و روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه اضطراب حالت و صفت اشپیل برگر در جمعیت عمومی ایرانی

ارائه دهنده: سید محمد میرحسینی^{۱،۲}

سایر نویسندگان: علی عباسی^۳، حمید شریف نیا^{۴،۵}، محبوبه خواجه^۶، مهدی رضایی^۷، حسین ابراهیمی^۸، فائزه سبحانی^۹

^۱ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

^۳ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۴ مرکز تحقیقات روان‌تنی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۵ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی آمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۶ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۷ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۸ مرکز تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری مرتبط با سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

^۹ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه: ارزیابی دقیق اضطراب در جمعیت عمومی برای شناسایی افراد در معرض خطر و اطلاع‌رسانی به سیاست‌های بهداشت عمومی ضروری است. پرسشنامه اضطراب حالت و صفت اشپیل برگر (STAI) ابزار رایجی برای سنجش اضطراب موقتی (حالتی) و پایدار (صفتی) است. با این حال، نسخه اصلی این پرسشنامه نسبتاً طولانی است و این امر ممکن است کاربرد آن را در مطالعات وسیع یا شرایطی با محدودیت زمانی محدود سازد. برای رفع این محدودیت، نسخه کوتاهی از STAI طراحی شده است، اما ویژگی‌های روان‌سنجی آن نیازمند اعتبارسنجی در بسترهای فرهنگی متنوع است. هدف از این مطالعه، بررسی پایایی و روایی نسخه کوتاه STAI در جمعیت عمومی ایران بود.

روش‌ها: این مطالعه روش‌شناختی در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵ بر روی ۴۰۷ بزرگسال از جمعیت عمومی شهر شاهرود، ایران، انجام شد. پس از اخذ مجوز ترجمه از پروفیسور زسیدو (Zsido)، فرایند اعتبارسنجی نسخه کوتاه STAI مطابق با دستورالعمل‌های سازمان جهانی بهداشت (WHO) صورت گرفت. پرسشنامه STAI با روش ترجمه مستقیم-معکوس به زبان فارسی برگردانده شد و اعتبار صوری و محتوایی آن به صورت کیفی و کمی ارزیابی شد. سپس، برای بررسی روایی ساختاری، تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) بر روی زیرنمونه‌ای از ۲۰۰ نفر انجام شد و پس از آن تحلیل عاملی تأییدی (CFA) بر روی گروهی مستقل شامل ۲۰۷ نفر صورت گرفت. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب امگا مک‌دونالد برای بررسی هماهنگی درونی و ضریب همبستگی درون طبقه‌ای (ICC) برای ثبات آزمون-بازآزمون سنجیده شد.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

یافته‌ها: از میان ۴۰۷ شرکت‌کننده، ۵۲.۳٪ زن، ۵۲.۶٪ مجرد، و ۴۰٪ دارای مدرک کارشناسی بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۲.۷۴ سال با انحراف معیار ۱۱.۳۹ بود. شایع‌ترین وضعیت‌های شغلی شامل دانشجو (۲۹.۲٪) و شاغل (۲۸٪) بودند. در ارزیابی اعتبار صوری و محتوایی، هیچ‌یک از آیت‌های زیرمقیاس‌های اضطراب حالتی یا صفتی حذف نشدند. در تحلیل عاملی اکتشافی، تمام آیت‌های مقیاس‌های اضطراب صفتی (STAI-T) و اضطراب حالتی (STAI-S) بر روی یک عامل بارگذاری شدند که به ترتیب ۵۷.۶۲۳٪ و ۴۸.۴۹۶٪ از واریانس کل را تبیین کردند. تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مطلوب مدل را برای هر دو مقیاس نشان داد. ضرایب آلفای کرونباخ، امگا مک‌دونالد و ICC نیز پایایی قابل قبول نسخه فارسی-STAI-T و STAI-S را از نظر هماهنگی درونی و ثبات زمانی تأیید کردند.

نتیجه‌گیری: نسخه فارسی کوتاه پرسشنامه STAI از روایی و پایایی بالایی برای سنجش اضطراب حالتی و صفتی در جمعیت عمومی ایران برخوردار است. اختصار این ابزار در کنار ویژگی‌های روان‌سنجی قوی، آن را برای کاربرد در محیط‌های بالینی و پژوهشی مناسب می‌سازد.

واژگان کلیدی: اضطراب، روایی، پایایی، روان‌سنجی.



The incidence of phlebitis and related factors in the patients hospitalized in medical education centers of Guilan University of Medical Sciences

ارائه دهنده: Faezeh Sobhanifar

سایر نویسندگان:

Ladan Taghizadeh¹, Rasoul Tabari-Khomeiran², Maryam Khosbakht-Pishkhani², Zahra Atrkar Roushan³

1 Student research committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

2 Social Determinants of Health Research Center, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

3 Department of Community Medicine, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Abstract:

Background and Aim: Phlebitis or inflammation of the vein is a common problem associated with the use of peripheral venous catheters, which leads to increased patient costs, wasted nurses' time, increased infection, removal of the catheter and its reinsertion in a new location, and the need for medical care of the phlebitis area. This study aimed to determine the incidence of phlebitis and related factors in patients hospitalized in the hospitals of the Guilan University of Medical Sciences in Rasht.

Methods: This cross-sectional-analytical study was conducted in 2019-2020 on patients hospitalized in the hospitals of Rasht- Guilan. Sampling was performed using simple random stratification method and 333 samples were selected. The tools used in the study included a checklist for recording the variables of interest in the study and a scale for determining the degree of infusion phlebitis (VIP) , which was developed by Jackson based on the Maddox Scale (2006). This scale was adapted and validated for psychometric criteria by Schultz and Gallant . The data analyzed by descriptive statistics (range of change indices, mean and standard deviation) and inferential statistics (chi-square test, independent t-test). The Shapiro-Wilk test was used to examine normality and the Levene test was used to examine the stability of variance. To examine the relationship between variables and the incidence of phlebitis, which is a binary variable, logistic regression was used. The data were analyzed using SPSS software version 16, and a significance level was set at 0.05.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

Results: In this study, 202 participants (60.66%) were male and 131 participants (39.34%) were female. The average age of the study participants was 52 years. The overall incidence of phlebitis in this study was 20.72%. None of the individual factors such as age, gender, having a chronic disease, and smoking had a significant relationship with the occurrence of phlebitis ($P\text{-value} < 0.05$). Intravenous catheter number 20 had a significant relationship with the occurrence of phlebitis ($P\text{-value} < 0.05$). The duration of installation of the catheter was different between the two groups with phlebitis and those without phlebitis ($P\text{-value} < 0.05$). None of the system variables, the duration of catheter installation, the type of drug, the location of catheter installation, the type of venous fluid and the number of times Drug injection had no significant relationship with the incidence of phlebitis ($P\text{-value} > 0.05$).

Conclusion: The incidence of phlebitis in this research environment is higher compared to other studies, so it is necessary to pay attention, especially to patients who are hospitalized for a long time or patients who have underlying diseases. Further studies in this area seem necessary.

Keywords: Phlebitis, peripheral vascular catheter, incidence rate



تدوین برنامه مراقبت پرستاری مبتنی بر تئوری خودمراقبتی اورم در بیمار مبتلا به صرع: یک گزارش موردی

ارائه دهنده: مونا حسین‌زاده صیقلانی²

سایر نویسندگان: یاسمن یعقوبی¹، زهرا توکل‌نیا³

¹دانشیار گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
²کارشناسی‌ارشد پرستاری کودکان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
³کارشناسی‌ارشد پرستاری کودکان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

مقدمه: صرع دوران کودکی یک بیماری مزمن با ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی است. با توجه به تاثیر صرع بر کیفیت زندگی بیماران، مراقبت‌های پرستاری جامع و متناسب با نیازهای فرد با تاکید بر توانمندسازی و خودکارآمدی، براساس تئوری پرستاری اورم شامل آموزش، حمایت، پیشگیری از عوارض و ارتقای رفاه بیماران، اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین این مطالعه با هدف استفاده از تئوری خودمراقبتی اورم در تدوین برنامه مراقبت پرستاری برای بیمار مبتلا به صرع انجام شده است.

گزارش بیمار: بیمار، دختر 10 ساله مورد شناخته‌شده صرع از 4 سالگی، تحت درمان دارویی با لوبل و بدون سابقه تشنج طی یکسال اخیر، به دنبال بروز 2 نوبت تشنج ناگهانی با فاصله 10 ساعت؛ با علائم کاهش سطح هوشیاری، قفل شدن فک و سیانوز به مدت 10 دقیقه در نوبت اول، و برگشت چشم‌ها به بالا، سیانوز، خروج کف از دهان، قفل شدن فک، سفتی دست چپ و خرخر هنگام بیداری به مدت 6 دقیقه در نوبت دوم، با علائم بی‌حالی، سرگیجه و درد قفسه‌سینه به بیمارستان مراجعه کرد.

نتیجه‌گیری: بررسی و گردآوری داده‌ها از طریق فرم بررسی و شناخت الگوی پنداشتی اورم و با روش‌های معاینه، مصاحبه و مشاهده انجام شد. معاینه فیزیکی و بررسی وضعیت سلامت در سیستم‌های مختلف از جمله نورولوژیک، اسکلتی-عضلانی، پوست، ایمنی، چشم‌ها، دهان و گلو، سیستم گوارش، کلیوی، تنفسی، قلبی-عروقی و فعالیت؛ و ارزیابی الگوهای معمول روزانه درخصوص مایعات مصرفی، عادات غذایی، مراقبت از دهان و دندان، وضعیت پوست، مو و ناخن، الگوهای بهداشتی و فعالیتی روزمره و خصوصیات شخصی انجام شد. جهت ارائه برنامه مراقبت پرستاری، وضعیت درک خانواده از بیماری، تطابق با وضعیت فعلی و احساسات، ارتباطات و وابستگی‌ها، درک از خود و تصویر ذهنی، امکانات در دسترس قبل و پس از بستری، ارزش‌ها، انتظارات درخصوص بیماری، انحراف از شرایط معمول رشد و نیازهای آموزشی کودک و خانواده بررسی و ارزیابی شد. مطابق با تئوری پرستاری اورم نیازهای کودک و خانواده در سه بعد خودمراقبتی کلی، تکاملی و انحراف از سلامت مشخص و مطابق با آن‌ها 7 تشخیص پرستاری تعیین و سپس برنامه‌ریزی و تعیین اهداف انجام گردید. براساس شناخت نیازهای خودمراقبتی بیمار، اقدامات پرستاری با تمرکز بر بهبود و ارتقا خودمراقبتی و رفع نیازهای خودمراقبتی اجرا شد و پیشرفت مراقبت و اهداف مطالعه مجدداً تحت ارزشیابی قرار گرفت. درنهایت تدوین و اجرای برنامه مراقبت پرستاری براساس تئوری پرستاری اورم منجر به افزایش کیفیت خدمات پرستاری و افزایش عملکرد خودمراقبتی بیمار و خانواده در ارتباط با مشکلات ناشی از بیماری شد؛ بطوریکه بهبود توان خودمراقبتی در رابطه با نیازهای خودمراقبتی کلی (فعالیت و استراحت، رژیم غذایی، بهبود روابط خانوادگی، پیشگیری از خطرات فیزیکی، اجتماعی و روانی)، نیازهای خود مراقبتی تکاملی (بهبود روابط اجتماعی) و نیازهای خودمراقبتی انحراف از سلامتی (افزایش آگاهی و کاهش اضطراب) در بیمار مشاهده شد. براساس نتایج، تئوری خودمراقبتی اورم به عنوان دستورالعملی برای ارائه خدمات جامع به بیماران، شناسایی و درک همه جانبه نیازهای بیمار را بهبود بخشید و با مشارکت دادن بیمار در امر مراقبت از خود، دستیابی به اهداف مراقبتی را تسهیل نمود.

کلمات کلیدی: تئوری‌های پرستاری، پرستاری کودکان، صرع



ارزیابی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر قصد انجام فعالیت بدنی در زنان میانسال

شقایق قربانی

ارائه دهنده:

فاطمه شمسی پور، مهتا نعمت پور، مریم افزا، الناز اشرفی

سایر نویسندگان:

چکیده

مقدمه: فعالیت بدنی اهمیت زیادی در بهبود سلامت افراد دارد و نقش کلیدی در پیشگیری از بیماری های غیرواگیر و کاهش نرخ مرگ و میر ایفا می کند. هدف از این مطالعه ارزیابی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر قصد انجام فعالیت بدنی در زنان میانسال می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش نیمه تجربی، نمونه‌گیری خوشه‌ای از مراکز جامع خدمات سلامت شهر قم انجام گرفت. چهار مرکز به طور تصادفی انتخاب شدند که دو مرکز به عنوان گروه مداخله و دو مرکز دیگر به عنوان گروه کنترل تعیین شدند. سپس، از بین پرونده‌های سلامت زنان میانسال مراجعه کننده به این مراکز، به صورت تصادفی ۷۰ نفر برای هر گروه انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌ای دو بخش گردآوری شد، بخش نخست شامل داده‌های جمعیت شناختی و بخش دوم شامل سؤالاتی درباره قصد انجام فعالیت بدنی بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بود. این پرسشنامه ها در دو مرحله، قبل از شروع مداخله و دو ماه پس از آن، تکمیل گردیدند. داده ها با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و با به کارگیری روش های آماری شامل آمار توصیفی، آزمون کای دو، آزمون تی مستقل و تی زوجی تحلیل شدند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: گروه های مداخله و کنترل از نظر ویژگی های دموگرافیک مشابه بودند و تفاوت قابل توجهی بین آن ها وجود نداشت. همچنین، قبل از مداخله، میانگین نمرات نگرش، هنجار انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد انجام فعالیت بدنی در دو گروه تفاوت معناداری نداشت. اما پس از اجرای برنامه آموزشی، گروه مداخله در تمامی این متغیرها افزایش قابل توجه و معناداری را نشان داد ($P < 0.0001$).

نتیجه گیری: یافته ها نشان دادند که آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده قادر است به شکل مؤثری قصد زنان میانسال برای انجام فعالیت بدنی را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: فعالیت بدنی، زنان میانسال، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده



طراحی، اجرا و ارزشیابی اپلیکیشن تحت وب چندرسانه‌ای در آموزش بالینی کارورزی اورژانس مسمومیت دانشجویان پرستاری

ارائه دهنده: صادق سلیمی¹

سایر نویسندگان: نسترن میرفرهادی^{2*}، طوبی حسین زاده³

1. دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران
2*. استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران
3. استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: آموزش بالینی در پرستاری، بستری کلیدی برای تبدیل دانش نظری به مهارت عملی است. چالش‌هایی مانند شکاف بین آموزش نظری و بالینی، کمبود فرصت‌های آموزشی در محیط بالین، و نیاز به روش‌های نوین یاددهی، ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه را دوچندان کرده است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین طراحی، اجرا و ارزشیابی یک اپلیکیشن تحت وب چندرسانه‌ای جهت آموزش کارآموزی دانشجویان پرستاری در بخش اورژانس مسمومیت صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مداخله‌ای آموزشی تجربی در طول دوره کارآموزی مسمومیت دانشجویان پرستاری اینترنت‌شپ در دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت، انجام شد. پس از نیازسنجی آموزشی، محتوای علمی بر پایه کوریکولوم درسی بر اساس منابع معتبر درس تهیه و توسط دو عضو هیئت علمی پرستاری و یک متخصص پزشکی قانونی تایید شد. سپس با استفاده از افزونه لرن دس در بستر وردپرس، اپلیکیشن در چهارگام طراحی شد. گام اول: طراحی گرافیکی و تهیه فهرستی از مطالب کیس‌های شایع مسمومیت، گام دوم: مطالب آموزشی در رکوردهای مرتبط قرار داده شد، گام سوم: تهیه فیلم‌های آموزشی در قالب کنفرانس‌های دانشجویی و گام چهارم: تهیه آزمون خودارزیابی برای هر مبحث بود. اپلیکیشن تحت وب شامل: دروس ساختارمند بر اساس کیس‌های شایع، ۳۳ فیلم آموزشی علمی-عملی، آزمون‌های خودارزیابی با طراحی متنوع و قابلیت اجرا بر روی تلفن‌های همراه با سیستم عامل اندروید و iOS بود. ارزشیابی در سه سطح مدل کرک‌پاتریک (مهارت شناختی، مهارت عملکردی و مقیاس رضایت (Stokes, 2001) انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 16 تجزیه و تحلیل شدند و سطح معنی‌داری 0/05 در نظر گرفته شد.

نتایج: از 52 دانشجوی مورد مطالعه، 30 نفر (60٪) پسر بودند. میانگین سنی دانشجویان 20/45 (SD=1/4) سال بود. در گروه مداخله (اپلیکیشن)، میانگین مهارت‌های شناختی دانشجویان پس از مداخله به طور قابل توجهی 5/33 واحد افزایش یافت ($P<0.001$). تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین نمره مهارت‌های عملکردی دانشجویان در گروه‌های مداخله و کنترل وجود نداشت ($P<0.1$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد که بهره‌گیری از اپلیکیشن‌های چندرسانه‌ای در آموزش بالینی می‌تواند موجب ارتقای کیفیت یادگیری، افزایش رضایت‌مندی و بهبود مهارت‌های شناختی و عملی دانشجویان پرستاری شود. طراحی محتوای آموزشی توسط اساتید و مشارکت دانشجویان در تولید فیلم‌های آموزشی، به جذابیت و اثربخشی این روش افزوده است. این نوآوری می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق در توسعه آموزش الکترونیکی در محیط‌های بالینی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، اپلیکیشن آموزشی، پرستاری، اورژانس مسمومیت



ارزیابی اثربخشی روش آموزشی "IMAGE" بر مهارت مدیریت راه هوایی دانشجویان کارشناسی ارشد مراقبت ویژه پرستاری در سال 1404

ارائه دهنده: معصومه جوان پرست شیخانی¹

سایر نویسندگان:

سارا آراین مهر²، مهشید جاوند³

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران
² عضو هیات علمی گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
³ دانشجوی کارشناسی هوشبری، گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: مدیریت ناکارآمد راه هوایی در بخش مراقبت های ویژه می تواند منجر به پیامدهای جدی و حتی مرگ بیماران شود. کسب تجربه بالینی به تنهایی برای رسیدن به تسلط در مدیریت راه هوایی کافی نیست، به ویژه در شرایط بحرانی که تصمیم گیری های سریع و دقیق ضروری اند. بنابراین، لازم است ارائه دهندگان مراقبت سلامت از جمله دانشجویان، آموزش هایی فراتر از تجربه روزمره بالینی دریافت کنند. از جمله روش های نوین آموزش جهت ارتقای مشارکت دانشجویان و توسعه مهارت های کلیدی آن ها، برنامه آموزشی مبتنی بر مدل چندوجهی "IMAGE" است که هدف آن فراهم سازی محیط یادگیری متنوع، تعاملی و شخصی سازی شده برای دانشجویان است که شامل یادگیری تعاملی، یادگیری ترکیبی، یادگیری پیشرفته، یادگیری گروهی و یادگیری الکترونیکی ایجاد می کند.

مواد و روش ها: در این مطالعه ی نیمه تجربی تعداد 64 دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه مشغول به تحصیل دانشگاه علوم پزشکی کاشان، به صورت تصادفی ساده به دو گروه 32 نفره ی مداخله و کنترل تقسیم شدند. اجرای آموزش در هر دو گروه به مدت 4 هفته و توسط دو مربی یکسان انجام شد. در گروه کنترل، تدریس به صورت سخنرانی مریبان بود. در گروه مداخله طراحی تدریس به طور جامع تری انجام شد که در آن، از ترکیب روش های مختلف تدریس مانند یادگیری تیمی، یادگیری موردی، حل مسئله و یادگیری چالش محور استفاده شد. همچنین محتوای درسی به پنج بخش تقسیم شد که به طور متوالی از ساده به پیچیده می رفت و هر بخش اهداف خاص خود را داشت. در این برنامه، از منابع آنلاین و دوره های خصوصی برای حمایت از تدریس در کلاس استفاده شد که شامل ویدیوها، پیش خوانی ها، تست ها و منابع تکمیلی بود. ارزیابی دانشجویان در هر دو گروه شامل ارزشیابی توسط مربی، ارزیابی همتایان و خودارزیابی بود و با ابزارهای سنجش شایستگی حرفه ای، رضایتمندی و سنجش مدیریت راه هوایی انجام شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویانی که تحت آموزش به شیوه IMAGE قرار گرفتند، در ارزیابی های تکوینی و تراکمی نمرات بالاتری کسب کردند ($p<001$) و در ابعاد مختلفی از شایستگی های حرفه ای از جمله نگرش، دانش، تفکر تحلیلی، کنجکاوی، نظم فکری و تمایل به همکاری، عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل داشتند ($p<0001$). همچنین، رضایتمندی بالاتر این گروه از دوره آموزشی، نشان دهنده تأثیر مثبت این شیوه نوین در بهبود تجربه یادگیری دانشجویان است.

نتیجه گیری: روش آموزشی IMAGE در مقایسه با روش سنتی، تأثیر قابل توجهی بر بهبود عملکرد تحصیلی، شایستگی مراقبت مبتنی بر شواهد، تفکر انتقادی، توانایی همکاری و رضایت دانشجویان داشته است لذا پیشنهاد می گردد که این شیوه ی نوین آموزشی جهت ارتقای مهارت های بالینی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: روش آموزشی "IMAGE"، مهارت مدیریت راه هوایی، دانشجوی، کارشناسی ارشد مراقبت ویژه پرستاری



بررسی درک از کارایی ChatGPT و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان

محمد حسین صبحی¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

مرضیه اربابی¹، سید محمدحسین حسینی¹، سجاد حسینی¹، پوریا ابراهیمی¹، طوبی حسین زاده²، نسترن میرفرهادی²

1. دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

2. استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: امروزه هوش مصنوعی به عنوان یک عنصر نوآوری آموزشی منتج به تسهیل در توسعه دانش شده است که دانشجویان را در طول فرآیند تحصیلی، پشتیبانی و راهنمایی می‌کند. یکی از مطرح ترین مباحث در محور موضوع هوش مصنوعی، کاربرد وسیع ChatGPT در علوم پزشکی می‌باشد. که این امر اهمیت بالای درک آن توسط دانشجویان پرستاری و هم چنین نیاز به تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر استفاده از ChatGPT بر فرآیند یادگیری و نتایج آموزشی را ضروری می‌سازد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین درک از کارایی ChatGPT و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه تحلیلی از نوع مقطعی 292 نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری، به شیوه نمونه گیری سرشماری در سال 1404 انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. معیارهای ورود حداقل گذراندن یک ترم تحصیلی و تمایل به شرکت در مطالعه بود. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه فردی تحصیلی (سن، جنس، ترم تحصیلی، وضعیت اشتغال، میانگین معدل، ساعات اختصاص یافته به مطالعه در هفته، دفعات استفاده از Chat GPT، هدف استفاده از Chat GPT) و پرسشنامه محقق ساخت درک از کارایی ChatGPT به عنوان یک ابزار آموزشی بود. این پرسشنامه به بررسی سودمندی ChatGPT برای درک مفاهیم پرستاری، بهبود عملکرد تحصیلی و کاربرد بالقوه آن در حرفه پرستاری می‌پرداخت. همچنین رضایت کلی از ChatGPT به عنوان یک ابزار آموزشی را ارزیابی کرد. روایی محتوا با شاخص های $CVI = 0/91$ و $S-CVI = 0/95$ و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفا کرونباخ برابر $0/89$ تایید شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS 25 گردید و جهت تحلیل داده ها از آزمون t مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه 252 دانشجو با میانگین سنی $21/84 \pm 1/83$ شرکت نمودند. میانگین معدل $16/26 \pm 1/8$ بود. ($59/8\%$) کمتر از 1 ساعت در روز به استفاده از Chat GPT اختصاص می‌دادند. $38/2$ درصد برای عملکرد بالینی، $31/3$ درصد برای استدلال بالینی و حل مساله، $32/8$ درصد برای آموزش به بیمار، $29/8$ درصد برای تولید محتوای آموزشی از Chat GPT استفاده می‌نمودند. همبستگی مثبتی بین استفاده از Chat GPT برای استدلال بالینی و حل مساله ($p = 0.001$)، مستند سازی بالینی ($p = 0.001$) و آموزش به بیمار ($p = 0.002$) با معدل یافت شد. 87 درصد از شرکت کنندگان کارایی قابل توجه ChatGPT را گزارش کردند. همچنین نتایج نشان داد با افزایش ترم تحصیلی ($P < 0.001$) و معدل ($P < 0.001$)، درک کارایی ChatGPT در بین دانشجویان پرستاری نیز افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که ChatGPT به عنوان یک ابزار آموزشی پتانسیل قابل توجهی به ویژه برای اهداف تخصصی و مرتبط با حرفه دارد. درک مثبت دانشجویان از کارایی این ابزار و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی، بر اهمیت ادغام هدفمند فناوری های هوش مصنوعی در برنامه های آموزشی پرستاری تأکید می‌نماید. با این حال، تفاوت های فردی در درک و استفاده از این ابزار نیاز به توجه ویژه در طراحی برنامه های آموزشی دارد. تحلیل کیفی تجربه دانشجویان می‌تواند به فهم عمیق تری از اثرات این ابزار در آموزش پرستاری منجر شود.

کلمات کلیدی: پرستاری، ChatGPT، هوش مصنوعی، درک دانشجویان، آموزش پرستاری



ارزیابی جامع خطرات ایمنی و بهداشت در سیستم مدیریت HSE بخش اورژانس بیمارستان سلمان فارسی بوشهر با استفاده از روش‌های FMEA، HAZOP و تحلیل شاخص‌های حوادث

ارائه دهنده: محمدحسین قاسمیان²

سایر نویسندگان: دکتر جواد وطنی¹

1. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان
2. دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان

چکیده

مقدمه و هدف :

بخش اورژانس بیمارستان‌ها به دلیل شرایط بحرانی بیماران، استفاده از تجهیزات تخصصی و فشار کاری بالا، یکی از حساس‌ترین واحدهای درمانی است که نیازمند مدیریت دقیق خطرات ایمنی، بهداشتی و زیست‌محیطی (HSE) می‌باشد. این محیط پویا با چالش‌هایی نظیر خطاهای انسانی، نقص تجهیزات و استرس شغلی مواجه است که می‌تواند ایمنی بیماران و پرسنل را به خطر اندازد. هدف این پژوهش، ارزیابی جامع خطرات ایمنی و بهداشتی در سیستم مدیریت HSE بخش اورژانس بیمارستان سلمان فارسی بوشهر است تا با شناسایی اولویت‌بندی خطرات، راهکارهایی برای بهبود ایمنی و کیفیت خدمات درمانی ارائه شود.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه در بخش اورژانس بیمارستان سلمان فارسی بوشهر انجام شد. برای شناسایی و ارزیابی خطرات، از روش‌های تحلیل حالات و اثرات خرابی (FMEA) و مطالعه خطر و قابلیت عملیات (HAZOP) استفاده گردید. در روش FMEA، حالات بالقوه خرابی در فرآیندهای درمانی شناسایی و بر اساس شماره اولویت ریسک (RPN) اولویت‌بندی شدند. در روش HAZOP، انحرافات احتمالی در فرآیندها بررسی شد. همچنین، شاخص‌های حوادث از داده‌های ثبت‌شده بیمارستان طی یک سال جمع‌آوری و تحلیل شد. داده‌ها با استفاده از جداول و نمودارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

نتایج نشان داد که بیشترین حوادث در بخش اورژانس به گروه شغلی پرستاران با $RPN = 250$ در فرآیند تشخیص و تجویز دارو مربوط است، که احتمالاً به دلیل استرس شغلی، شیفت‌های طولانی و کاهش تمرکز رخ می‌دهد. پزشکان نیز با $RPN = 180$ در فرآیند تصمیم‌گیری بالینی، به‌ویژه در شرایط اضطراری، خطاهایی نظیر تشخیص نادرست گزارش کردند که به فشار زمانی و کمبود اطلاعات بالینی مرتبط است. کارکنان پشتیبانی، با $RPN = 120$ ، به دلیل خطاها در مدیریت تجهیزات و انتقال بیماران، در رتبه بعدی قرار گرفتند. تحلیل HAZOP انحرافاتمانند نقص در ارتباطات تیمی و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی را نشان داد. شاخص‌های حوادث حاکی از تکرار خطاهای دارویی، نقص تجهیزات و تأخیر در انتقال بیماران بود که نیاز به اصلاحات فوری را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری:

یافته‌ها بر ضرورت استفاده از روش‌های سیستماتیک برای مدیریت خطرات در بخش اورژانس تأکید دارند. خطاهای دارویی، تصمیم‌گیری بالینی و مدیریت تجهیزات از چالش‌های اصلی هستند. پیشنهاد می‌شود بیمارستان‌ها برنامه‌های آموزشی هدفمند برای پرستاران و پزشکان، سیستم‌های پشتیبانی فناوری محور مانند چک‌لیست‌های دیجیتال و نظارت مستمر بر فرآیندها را اجرا کنند. این اقدامات می‌توانند خطرات را کاهش داده و ایمنی بیماران و کیفیت خدمات درمانی را ارتقا دهند.

کلمات کلیدی: ارزیابی ریسک، بخش اورژانس بیمارستان، روش HAZOP، FMEA، شاخص‌های حوادث



The prevalence and clinical therapy of vulvovaginal candidiasis in Iranian women

ارائه دهنده: Seyedeh Raheleh Moosavi¹

سایر نویسندگان: Zahra Rafat²

¹ Student Research Committee, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

² Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Introduction Vulvovaginal candidiasis is a global issue of concern due to its association with economic costs, sexually transmitted infections, and ascending genital tract diseases. This infection affects 75% of women on at least one occasion over a lifetime. This infection in women can lead to pelvic inflammatory disease (PID), which can cause scarring and blockage of the fallopian tubes, resulting in infertility and impacting childbearing. The present systematic review and meta-analysis is the first to determine the prevalence and clinical therapy of vulvovaginal candidiasis in Iranian women.

Search Methods: We searched national (SID, IranDoc, Iranmedex, and Magiran) and international (PubMed, Scopus, Google Scholar, and web of science) databases for studies published between May 2000 until May 2020 reporting the epidemiologic features and clinical therapy of vulvovaginal candidiasis in Iranian women. Inclusion and exclusion criteria were defined to select eligible studies. Data were extracted and presented according to PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) guidelines.

Results: The results of the meta-analysis were visualized as a forest plot representing the prevalence estimates of each study. Heterogeneity was also analyzed using the I^2 and Chi^2 statistics. The literature search revealed 1929 studies, of which 39 studies met the eligibility criteria, consisting of 10536 women with vulvovaginal symptoms from 24 different cities covering all parts of Iran. The city with the highest number of studies was Tehran (5/39). The overall prevalence of vulvovaginal candidiasis among Iranian women was 47% (95% CI, 0/38-0/55%) and *Candida albicans* was the most prevalent etiologic agent. The use of oral contraceptive pills (OCPs) was the predominant risk factor for developing vulvovaginal candidiasis and vaginal cheese-like discharges were the predominant clinical manifestation in Iranian women suffering from vulvovaginal candidiasis. Fluconazole was the main medication used in the treatment of VVC in studies included in the present investigation. The 25-34-year-old age group has the highest prevalence. A high level of I^2 ($I^2 = 98.7\%$, $P = 0.000$) and Chi^2 ($Chi^2 = 2993.57$, $P < 0.001$) was obtained among studies, which provides evidence of notable heterogeneity between studies.

Conclusion: The present meta-analysis revealed a high prevalence of vulvovaginal candidiasis in Iranian women. Given that this infection is associated with the enhanced susceptibility to sexually transmitted diseases (HIV, chlamydia, genital herpes, genital warts, gonorrhea, hepatitis, syphilis, and trichomoniasis) and also is related to the increased probability of preterm birth, congenital cutaneous candidiasis, preterm labor, and infertility, taking preventive measures such as awareness of patients as well as monitoring and controlling of the syndrome are essential.

Keywords: Vulvovaginal candidiasis, Iran.



نقش مولفه‌های پنهان در چرخه خواب و استراحت کودکان

ارائه دهنده: مونا حسین‌زاده صیقلانی¹

سایر نویسندگان: یاسمن یعقوبی²، مهشید میرزایی تکلیمی³، سامان معروفی‌زاده³

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
² دانشیار گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
³ استادیار گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
³ استادیار گروه آمار زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

مقدمه و هدف: خواب نقش مهمی در رشد، عملکرد شناختی، رفتاری، تحصیلی و جسمی کودکان دارد. رفتارهای سالم مانند عادات خواب اهمیت فراوانی در سلامت کودکان بخصوص در سن مدرسه دارند. 34٪ کودکان جهان و بیش از 6 میلیون نفر در ایران دچار مشکلات خواب هستند که می‌تواند مسبب پیامدهایی مانند بیماری‌های جسمی، چاقی، دیابت، افت تحصیلی و مشکلات روان‌شناختی شود؛ لذا بررسی نقش مولفه‌های پنهان در چرخه خواب و استراحت و میزان شیوع آن‌ها در کودکان امری ضروری است.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش 91 دانش‌آموز 6-12 ساله دختر و پسر به روش طبقه‌ای و خوشه‌ای، بصورت تصادفی از 4 مدرسه در شهر رشت انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه عادات خواب کودکان (نمره‌بندی 99-33) استفاده و این پژوهش به عنوان یک مطالعه مقدماتی در راستای انجام پژوهشی مداخله‌ای انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 26 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره عادات خواب 51/97 بود. 37/4٪ نمونه‌ها دختر و 62/6٪ پسر بودند. وضعیت اقتصادی 75/8٪ خانواده‌ها -متناسب با نیاز- بود. 60/4٪ پدران شغل آزاد، 35/2٪ دیپلم داشتند (میانگین سنی 41/76 سال)؛ 64/8٪ مادران خانه‌دار و 48/4٪ دیپلم داشتند (میانگین سنی 38/76 سال). 53/8٪ خانواده‌ها دو، و 11٪ بیش از دو فرزند داشتند. 64/8٪ دانش‌آموزان در اتاق شخصی و 36/3٪ همراه خانواده می‌خوابیدند. 53/8٪ دانش‌آموزان تلفن همراه شخصی داشته و 63/7٪ از بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌کردند. 95/6٪ در منطقه شهری و 4/4٪ در منطقه روستایی سکونت داشتند. بین سن و نمره عادات خواب رابطه معکوس وجود داشت ($p=0/041$). از میان مولفه‌های تاثیرگذار بر خواب، نداشتن محل شخصی خواب بیشترین ($p=0/004$) و تعداد فرزندان کمترین ($p=0/943$) ارتباط را با نمره عادات خواب داشت. میانگین نمرات عادات خواب در دختران کمی بالاتر از پسران بود اما از لحاظ آماری معنادار نبود ($p=0/287$).

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد میانگین نمره عادات خواب از 41 بیشتر بوده که بر اختلال در عادات خواب کودکان دلالت دارد. سن، جنسیت، محل خواب اختصاصی و تعداد فرزندان به ترتیب دارای ارتباط معنادار، بدون معنا، بیشترین و کمترین هستند. با توجه به اهمیت موضوع خواب و تاثیر آن بر جنبه‌های مختلف سلامت کودکان، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی با رویکردهای متنوع در این خصوص اجرا شود.

کلمات کلیدی: Sleep, student, school-aged, sleep habits



بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته بر سواد تغذیه‌ای و رفتار غذایی نوجوانان

مریم افزا

ارائه دهنده:

فاطمه شمسی پور، مهتا نعمت پور، شقایق قربانی، الناز اشرفی

سایر نویسندگان:

چکیده

تغذیه سالم نقش اساسی در بهبود سلامت افراد و جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر دارد. در این میان، داشتن سواد تغذیه‌ای کافی به عنوان یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار شناخته می‌شود که می‌تواند به ارتقاء سطح سلامت جامعه کمک کند. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته بر سواد تغذیه‌ای نوجوانان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش، از یک طرح نیمه تجربی با دو گروه مداخله و کنترل بهره گرفته شد. ۲۰۰ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه اول از مدارس دولتی شهرستان بندر انزلی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و سپس به طور تصادفی در دو گروه مساوی (هر کدام ۱۰۰ نفر) قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌هایی به منظور سنجش ابعاد تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده مرتبط با رفتار غذایی، عادات تغذیه‌ای و میزان سواد تغذیه‌ای بود. گروه مداخله در شش جلسه آموزشی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای شرکت کردند که این جلسات بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته و با هدف ارتقاء سواد تغذیه‌ای برگزار شد. ارزیابی‌ها در دو نوبت، پیش از مداخله و سه ماه پس از آن، انجام گرفت. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار نسخه ۲۴ و با استفاده از آزمون‌های من-ویتنی، ویلکاکسون و کای-دو صورت پذیرفت و سطح معنی‌داری کمتر از SPSS ۰.۰۵ لحاظ شد.

نتایج: نتایج اولیه نشان داد که پیش از شروع مداخله، بین گروه مداخله و گروه کنترل در متغیرهای نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری، عادات غذایی، رفتار غذایی و سواد تغذیه‌ای تفاوت قابل توجهی وجود نداشت. اما پس از انجام مداخله، گروه مداخله در تمامی این متغیرها بهبود قابل ملاحظه و معناداری را نشان داد ($p < 0.0001$).

نتیجه‌گیری: ادغام مداخلات آموزشی بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته و سواد تغذیه در نوجوانان نقش مهمی در تقویت عادات غذایی سالم و ایجاد تغییرات مثبت در رفتارهای تغذیه‌ای ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه‌یافته، سواد تغذیه، رفتار غذایی، نوجوانان



The quality of emergency services from the perspective of patients: A cross-sectional study

Tara Alizadeh¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Marzieh Jahani Sayad Noveiri², Ehsan Kazemnezhad Leyli³, Kobra Salami Kohan^{4*}

^{1, 2} Department of Medical-Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

³ Department of Biostatistics, School of Health, Road Trauma Research Center, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

⁴ Department of Critical Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim : With the rising number of emergency patients, the healthcare system faces increasing pressure to deliver quality care. Evaluating patient satisfaction is a key method to assess service quality. This study aimed to evaluate the quality of emergency services from the perspective of patients using the SERVQUAL model.

Methods: This cross-sectional study was conducted from July to December 2023 across six specialized educational hospitals in northern Iran. A total of 437 patients were selected through quota sampling based on hospital visitation rates. Inclusion criteria were age ≥ 18 , fluency in Persian, hospitalization in the emergency department for at least 6 hours, and completion of discharge. Data were collected via a demographic questionnaire and a validated Persian version of the SERVQUAL instrument, which assesses five dimensions of service quality: tangibility, reliability, responsiveness, assurance, and empathy. Statistical analysis was performed using SPSS v26. Spearman's correlation test assessed the relationship between expectations and perceptions. Mann-Whitney and Kruskal-Wallis tests evaluated differences based on demographic variables. Logistic regression identified predictors of service quality gaps. The study was approved by the Ethics Committee of Guilan University of Medical Sciences (IR.GUMS.REC.1402.144).

Results: The majority of participants were male (56.5%), married (67.3%), and aged 30–39 years (19.9%). Overall, all five SERVQUAL dimensions exhibited negative quality gaps, indicating that patient expectations exceeded perceived service quality. The largest gap was found in responsiveness (mean gap -4.62 ± 3.67), followed by assurance (-4.34 ± 3.26), reliability (-4.25 ± 2.80), tangibility (-4.24 ± 3.11), and the smallest in empathy (-2.64 ± 2.37). Significant associations were observed between the quality gap and hospital type ($p < 0.001$), educational level ($p < 0.001$), age ($p = 0.012$), and marital status ($p = 0.002$). Specialized trauma hospitals showed the largest dissatisfaction. Patients with higher education levels, particularly those with doctoral degrees, reported greater gaps. Logistic regression analysis confirmed that marital status, level of education, and hospital type were significant predictors of variation in service quality. Specifically, patients attending gynecology and cardiology hospitals and those with higher education had increased odds of reporting lower service quality.

Conclusion: The study reveals substantial discrepancies between patient expectations and perceived emergency service quality, particularly in responsiveness. Efforts to reduce response time, improve staff availability, and enhance communication could significantly improve patient satisfaction. Findings highlight the need for targeted interventions tailored to specific hospital types and patient demographics.

Keywords: Quality of healthcare, emergency service, SERVQUAL, patient satisfaction, hospital service quality



تأثیرات آموزش مدیریت مقابله با حوادث پرتویی به دانشجویان رشته های علوم پزشکی

ارائه دهنده: روشنگر آل اسماعیل^{۴*}

سایر نویسندگان: پویا نعمت زاد خمسی^۱، پرند پورقانع^۲، علی گنجی^۳

^۱مربی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

^۲دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی پرستاری - کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

^۴گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: بروز حوادث پرتویی جز اتفاقات نادر و اغلب پیچیده هستند که معمولاً از چند ثانیه تا چند روز متغیر می باشند و می توان آنها را جز حوادث کوتاه مدت در نظر گرفت. این حوادث می توانند منجر به پرتوگیری موضعی یا تابشگیری یکنواخت کل بدن شوند. از جمله مثال های بارز از این نوع حوادث، فاجعه چرنوبیل و حادثه ی نیروگاه هسته ای فوکوشیما هستند که تأثیرات مخرب چشمگیری بر زندگی عموم مردم داشته اند. به طور کلی، این حوادث باعث تأثیرات قابل توجه ای بر نظام سلامت و کادر درمان می شوند. یکی از چالش های موجود هنگام بروز این حوادث، عدم یا کمبود آگاهی نیروهای کادر درمان از دستورالعمل ها، روش های درمانی و حتی نحوه ی مدیریت صحیح آن می باشد. عوامل کادر درمان و بهداشت جز اولین گروه هایی هستند که باید در مواجهه با حوادث پرتویی و قربانیان ناشی از آن دانش و استراتژی بهتری داشته باشند. لذا آموزش دانشجویان علوم پزشکی در طی دوره تحصیلشان از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به وقوع چندین حوادث پرتویی در طی سال های اخیر از جمله حادثه پرتویی فوکوشیما که در کشور ژاپن رخ داده است، آموزش هایی در زمینه ی چگونگی برخورد با قربانیان حوادث پرتویی و همچنین درمان آنها برای پزشکان و پرسنل کادر درمان در نظر گرفته شده است. مطالعه کنونی به بررسی تأثیرات آموزش مدیریت صحیح در بروز سوانح هسته ای به دانشجویان علوم پزشکی و کادر درمان صورت گرفته است تا نتایج حاصل از آن در جهت ارتقای آمادگی و مدیریت کادر درمان و بهداشت کشور در مواجهه با حوادث پرتویی به کار گرفته شود.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به صورت مرور سیستماتیک و با استفاده از کلید واژه های حوادث پرتویی، محافظت، آموزش، کوریکولوم، دانشجو و علوم پزشکی به صورت فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر ایرانی و خارجی موجود در پایگاه های Elsevier، Scopus، PubMed، Google Scholar و SID در فاصله زمانی سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵ میلادی انجام شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل قابل دسترسی بودن متن مقالات، ارتباط عنوان و متن مقاله با هدف پژوهش و معیارهای خروج نیز، می توان به عدم دسترسی به متن مقالات و نقض هر یک از موارد ورود اشاره کرد که سرانجام با استفاده از چک لیست PRISMA^۶ مقاله به صورت نهایی انتخاب شدند.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

نتایج: با بررسی مقالاتی که به صورت نهایی در این مطالعه استفاده شدند نشان داده شد که در کشورهایی مثل ژاپن و کره با استفاده از دوره های آموزشی به دانشجویان علوم پزشکی و پرسنل کادر درمان در مراکز پزشکی که مسئول درمان اولیه آسیب دیدگان ناشی از حوادث پرتویی هستند، می توان مدیریت و عملکرد بهتر در مواجهه با این حوادث را انتظار داشت.

نتیجه گیری: با افزودن واحد های حفاظت پرتویی به کوریکولوم دانشجویان پزشکی و زیر شاخه های آن و همچنین برگزاری کارگاه ها و دوره های مختلف آموزشی در این زمینه برای پرسنل نظام سلامت، می توان به ارتقای نگرش کادر درمان و نحوه ی مقابله ی آنها با حوادث پرتویی کمک چشمگیری نمود.

کلمات کلیدی: حوادث پرتویی، آموزش، کوریکولوم، دانشجوی، علوم پزشکی



بررسی شیوع کرونوفوبیا در دانشجویان پرستاری رشت سال 1404

ارائه دهنده: مهسا پوراصغر¹

سایر نویسندگان: شادی قطران²، مرضیه جهانی صیاد نویری³

¹ کارشناسی پیوسته ترم دوم پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

² کارشناسی ارشد داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

³ دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی رشت، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف :

شیوع کووید-19 منجر به بروز پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی در سراسر دنیا شده است. کرونوفوبیا مفهوم جدیدی است که در این همه گیری پدیدار شده و می تواند بر تمام اشخاص و گروه های سنی بخصوص پرستاران که در خط مقدم همه گیری ها، مشغول فعالیت می باشند، اثرگذار باشد. چالش های کرونوفوبیا در سیستم بهداشتی شامل مواردی مانند مشکلات در زمینه های آموزشی، خستگی و فرسودگی شغلی، اثرات مدیریتی و اقتصادی می باشد. دانشجویان نیز بعنوان گروهی که در بالین حضور فعال دارند، از این چالش ها مستثنی نیستند. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین میزان شیوع کرونوفوبیا در دانشجویان پرستاری در سال 1404 انجام گرفت

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی از نوع تحلیلی می باشد. جامعه پژوهش آن شامل دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت بودند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه آنلاین استاندارد کرونوفوبیا با 18 آیتم انجام گرفت. نمره دهی پرسشنامه با استفاده از لیکرت 4 تایی با نمره حداکثر و حداقل 72-18 بود. لینک پرسشنامه با ذکر عنوان و اهداف پژوهش و معیار های ورود از طریق اپلیکیشن ایتا در اختیار دانشجویان قرار گرفت، نهایتا در مجموع 170 دانشجو به روش نمونه گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 20 و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

نتایج:

نتایج حاکی از آن بود که 68.2 درصد شرکت کننده ها زن با میانگین سنی 21.48 ± 1.89 بودند. اکثریت مشارکت کنندگان دانشجویان مقطع کارشناسی (79.6 درصد) و همچنین 95.5 درصد شرکت کنندگان سابقه تزریق واکسن کووید را داشتند و البته تنها 39.9 درصد آنها سابقه شرکت در کارگاه های کنترل عفونت را ذکر نمودند. میانگین نمره ترس از کرونا 3.47 ± 21.64 گزارش گردید که با توجه به میزان تزریق بالای واکسن و همچنین میزان کم شرکت در کارگاه کنترل عفونت و عدم آشنایی این گروه با این بیماری را می توان در ترس کمتر دانشجویان از کووید تاثیرگذار ذکر نمود.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری:

بنظر می‌رسد با توجه به نرخ بالای واکسیناسیون در نمونه‌ها ترس نسبت به درگیر شدن با بیماری کووید کاهش چشمگیری یافته است، اما عدم وجود کارگاه‌های مناسب کنترل عفونت و یا عدم شرکت دانشجویان در این کارگاه‌ها می‌تواند زنگ خطری در زمینه همه‌گیری‌های بیماری‌های نوپدید باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که دانشجویان در تمامی مراحل تحصیل از شرکت در این کارگاه‌ها بهره‌مند گردند تا در زمان بروز همه‌گیری، بهترین عملکرد را داشته باشند.

کلمات کلیدی: کرونوفوبیا، پرستاری، کووید-19



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

نگرش به سوی فرزندآوری در زنان متاهل 18-54 ساله استان گیلان

ارائه دهنده: نوشین روحانی تنکابنی¹

سایر نویسندگان: آسیه عشوری²، اسماعیل فتاحی³، محدثه احمدی⁴، پریسا کسمایی⁵، فردین مهربان⁶، ابراهیم مسعودنیا⁷، سعید امیدی⁸

¹ دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

² دانشیار آمار زیستی، مرکز تحقیقات بیماریهای قلب و عروق، گروه قلب و عروق، بیمارستان حشمت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

³ استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

⁴ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

⁵ دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

⁶ استاد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. ۱

⁷ دانشیار جامعه شناسی پزشکی، دپارتمان جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

⁸ مربی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: یکی از مسائل اساسی جهان، مسئله جمعیت است. فرزندآوری نقش مهمی در تحول کمی و کیفی جمعیت ها ایفا می کند. در بررسی عوامل موثر بر فرزندآوری، ارزیابی نگرش مهم می باشد. این پژوهش، با هدف تعیین نگرش به سوی فرزندآوری در زنان متاهل سنین باروری استان گیلان انجام شد.

مواد و روش ها: 629 زن متاهل سنین باروری 18 تا 54 سال استان گیلان در سال 1402 تحت مطالعه مقطعی قرار گرفتند. نمونه گیری تصادفی به روش چند مرحله ای انجام شد. 4 مرکز خدمات جامع سلامت (2 مرکز شهری و 2 مرکز روستایی) در شهرستانهای مناطق شرق (املش و رودسر)، غرب (تالش و شفت) و مرکز (رشت) به صورت تصادفی ساده تحت نمونه گیری قرار گرفتند. ابزار مطالعه پرسشنامه ای روا و پایا شامل متغیرهای جمعیت شناختی و سلامت باروری و پرسشنامه ی نگرش به سوی فرزندآوری بود. پرسشنامه نگرش شامل 14 سوال با پاسخ طیف لیکرت 5 تایی (کاملاً مخالفم (1)، مخالفم (2)، نه موافقم نه مخالفم (3)، موافقم (4)، کاملاً موافقم (5)) با حداقل امتیاز 14 و حداکثر امتیاز 70، بود. روایی آن با استفاده از پیل خبرگان CVR و CVI بین 0/8-1 و پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ، 0/79 بدست آمد. نمره ی بالاتر به منزله ی مطلوب تر بودن نگرش نسبت به فرزندآوری منظور شد. در ابتدای مطالعه از کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی گیلان مجوز پژوهش با شماره کد IR.GUMS.REC.1402.226 دریافت گردید. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ی 27 انجام شد.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

نتایج: سن زنان با میانگین (انحراف معیار) $(8/1)$ $38/8$ سال بود. زنان با تحصیلات دیپلم و لیسانس، بیشترین فراوانی را داشتند. حدود 64 زنان خانه دار و 72 درصد در منزل شخصی سکونت داشتند. حدود 14 درصد بدون سابقه بارداری و 39/1 درصد دارای یک فرزند بودند. 56/8 درصد از زنان وضعیت سلامتی خود را خوب اظهار کردند. میانگین و انحراف معیار متغیر نگرش نسبت به فرزندآوری $43/40 \pm 7/72$ بود. درصد میانگین از حداکثر نمره قابل اکتساب نمره نگرش نسبت به فرزندآوری 52/5 درصد بود. به عبارت دیگر 52/5 درصد از زنان متاهل مورد مطالعه، نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری داشتند. 52/7٪ از زنان به سوال "به نظر من با وجود فرزند، زندگی شادتر و زیباتر می شود." و 49/8٪ به سوال "داشتن فرزند می تواند باعث رابطه خوب بین زوجین شود." نظر موافق داشتند. 43/3٪ درصد به سوال "کودک را مانعی در رسیدن به موفقیت اجتماعی می دانم" نظر موافق داشتند. 49/8٪ به سوال "فرزندآوری، والدین را دچار مشکلات اقتصادی می کند." و 44.6٪ به سوال "اگر بچه دار شوم نگران تربیت و آینده فرزندم خواهم بود." نظر مخالف داشتند.

نتیجه گیری: یافته ها نگرش کلی جمعیت نسبت به مساله فرزندآوری را در حد متوسط نشان دادند. طراحی و اجرای مداخلات آموزشی و اجتماعی جهت ارتقای نگرش مثبت و کاهش نگرش منفی نسبت به فرزند آوری، می تواند نقش مهمی در ارتقای رفتار فرزندآوری در زنان استان گیلان ایفا نماید.

کلمات کلیدی: نگرش، فرزندآوری، زنان



پوستر



The Effect of Simulation-Based Training on the Performance of Emergency Medical Services ‘A Narrative Review study

Motahare Rafiezade¹

ارائه دهنده:

Erfan Yousefzadeh¹

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: Simulation-based training (SBT) is a structured educational approach that recreates real-world emergency scenarios using manikins, virtual reality, and simulated environments to allow Emergency Medical Service (EMS) personnel to practice technical and nontechnical skills in safe, controlled settings. EMS performance refers to providers' clinical proficiency, decision-making, teamwork, and operational efficiency in prehospital emergencies, which directly affect patient outcomes. Evidence shows SBT improves technical skills (airway management, trauma care), reduces errors and cognitive load, and strengthens communication, teamwork, and stress resilience; immersive modalities may enhance engagement and retention. However, long-term skill retention, definitive links to real-world patient outcomes, optimal fidelity and dosing, cost-effectiveness in low-resource settings, and scalable implementation strategies remain uncertain. Clarifying these gaps is crucial to justify curricular integration of SBT and to ensure that training advances timely, effective prehospital care. Therefore, this narrative review aims to explore the effect of simulation-based training on the performance of emergency medical services.

Methods: This article presents a narrative review of the literature. In this review, The MEDLINE-PubMed, google scholar and science Direct database was searched to collect and select publications from 2020 to 2025. Various types of studies were included in this article. A manual search of the reference lists of related articles was performed to ensure comprehensive retrieval of relevant studies. The inclusion criteria were English language and full-text availability. The exclusion criteria included non-English articles, inaccessible full texts, and studies that did not isolate EMS in their analysis. The following combinations of keywords were used: “Simulation Training” AND “Emergency Medical Services” AND “clinical skills OR Clinical Competence”.

Results: In this study, eight studies were included. Our finding suggest that five studies reported that simulation-based training had a positive effect on student's knowledge, clinical skills, motivation, and engagement. These studies highlighted improvements in trauma management, the immersive benefits of VR, and the practicality and motivation offered by simulation methods. Two studies showed that although students had a generally positive attitude toward VR education, there was no significant improvement in performance compared



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

to traditional teaching methods. One study focused on the development and validation of an objective rating scale for simulation-based assessment and did not evaluate the effectiveness of simulation training itself.

Conclusion: Based on the reviewed studies, simulation-based education appears to have a positive impact on the knowledge, clinical skills, and engagement of emergency medical students. Therefore, integrating simulation into medical curriculum is recommended to enhance learning outcomes and better prepare students for real-world clinical challenges.

Keyword: Simulation Training, Emergency Medical Services, Clinical Competence



کاربرد مدل 5A در مراقبت از بیماری‌های مزمن: مرور نظام‌مند

ارائه دهنده: فائزه سبحانی فر^{۳و۲}

سایر نویسندگان: ابوالفضل ره‌گوی^۱، رضا احمدی جیرنده^۴، سجاد جوان‌بخت^۵

۱ مربی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

۳ کارشناس ارشد روان‌پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.

۴ کارشناس ارشد روان‌پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۵ کارشناس ارشد روان‌پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: بیماری‌های مزمن یکی از چالش‌های عمده سلامت عمومی در جهان امروز به شمار می‌روند که منجر به کاهش کیفیت زندگی، افزایش هزینه‌های درمان و ناتوانی‌های گسترده در بیماران می‌شوند. با توجه به ماهیت طولانی‌مدت این بیماری‌ها، مشارکت فعال بیماران در مدیریت وضعیت سلامت خود، امری ضروری و حیاتی است. مدل 5A به عنوان یکی از رویکردهای مبتنی بر شواهد برای ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی بیماران مزمن معرفی شده است. این مدل شامل پنج مرحله ارزیابی (Assess)، توصیه (Advise)، توافق (Agree)، کمک (Assist) و پیگیری (Arrange) بوده که به بهبود پایبندی به درمان، کیفیت زندگی و کاهش عوارض بیماری کمک می‌کند. هدف این مطالعه، بررسی سیستماتیک تأثیر اجرای مداخلات مبتنی بر مدل 5A بر پیامدهای بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن در ایران بود.

روش جستجو: این مرور نظام‌مند با جستجوی دقیق در پایگاه‌های علمی PubMed، Scopus، SID، Magiran، Irandoc و Google Scholar با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط نظیر "مدل 5A"، "خودمدیریتی"، "بیماری مزمن" و معادل انگلیسی آن‌ها در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ژانویه ۲۰۲۴ انجام شد. از بین ۲۵۹۶ مقاله شناسایی شده، پس از حذف مطالعات تکراری، غربالگری عنوان و چکیده، و بررسی کامل متن، در نهایت ۲۳ مطالعه شامل ۱۷ کارآزمایی بالینی و ۶ مطالعه نیمه‌تجربی وارد تحلیل شدند.

یافته‌ها: مطالعات منتخب بر روی بیماران مبتلا به دیابت، فشار خون بالا، نارسایی قلبی، سرطان، سکتة مغزی و اختلالات روانی متمرکز بودند. مدت مداخله‌ها بین ۱ تا ۱۲ هفته متغیر بود و برخی دارای پیگیری بلندمدت بودند. نتایج نشان دادند که اجرای مدل 5A به بهبود معنادار در شاخص‌هایی نظیر خودکارآمدی، پایبندی به درمان، کیفیت زندگی، کاهش اضطراب و افسردگی، و ارتقاء دانش سلامت منجر شده است. همچنین کاهش هزینه‌های درمانی، بار مراقبتی و افزایش رضایت بیماران از دیگر پیامدهای مثبت گزارش شده بودند. تطبیق مؤلفه‌های مدل با بافت فرهنگی و فردی هر بیمار نیز در ارتقاء اثربخشی مداخلات نقش مهمی ایفا کرد.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری: بر اساس مرور مطالعات موجود، مداخلات مبتنی بر مدل ۵A در ارتقا رفتارهای خودمراقبتی و بهبود پیامدهای بالینی بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن در ایران مؤثر بوده‌اند. با توجه به ماهیت ساختارمند، قابل تطبیق و هزینه-اثربخش این مدل، استفاده گسترده از آن در برنامه‌های مراقبتی پرستاری، آموزش بیماران، و سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت پیشنهاد می‌شود. ادغام مدل ۵A با فناوری‌های سلامت دیجیتال (مانند تله‌مدیسین) و آموزش مهارت‌های آن به پرستاران و ارائه‌دهندگان خدمات سلامت می‌تواند گامی مؤثر در بهبود مراقبت از بیماران مزمن در سطح ملی باشد.

کلیدواژه: مدل ۵A، خودمدیریتی، بیماری‌های مزمن، مراقبت پرستاری، کیفیت زندگی



چشم‌اندازهای هوش مصنوعی در تحول نظام آموزشی و ارزشیابی در علوم پزشکی

Seyed Amirali Ghasemi¹

ارائه دهنده:

Mehran Falahchai², Mahsa Koochaki³

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Dentistry, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Department of Prosthodontics, Dental Sciences Research Center, School of Dentistry, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
3. Department of Oral and Maxillofacial Medicine, School of Dentistry, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

مقدمه: در دنیای پویای آموزش علوم پزشکی، هوش مصنوعی ابزاری نوآورانه در بهبود کیفیت یادگیری و سنجش عملکرد علمی است. پیشرفت‌های فناوری موجب تقویت آموزش تخصصی و کاهش خطاهای تشخیصی شده است. این فناوری علاوه بر تسریع روند یادگیری، به عنوان معیاری دقیق برای ارزشیابی عملکرد دانشجویان نیز کاربرد دارد. با گسترش استفاده از آن در آموزش، شناخت توانمندی‌ها و محدودیت‌های آن ضروری است. در این مقاله با نگاهی جامع، کاربردهای متنوع هوش مصنوعی در آموزش و ارزشیابی علوم پزشکی را بررسی می‌کنیم تا راهکارهایی برای بهبود روند آموزشی ارائه دهیم.

روش جستجو: در این مطالعه مروری از پایگاه‌های pubmed, web of science, embase, scopus, google scholar استفاده شد. ابتدا با تعیین MESH term و کلمات کلیدی مربوطه، مانند "هوش مصنوعی"، "آموزش پزشکی" و "ارزشیابی" جستجو آغاز گردید. برای افزایش دقت، کلمات کلیدی در عنوان و چکیده نیز جستجو شدند. محدوده زمانی از سال 2015 تا می 2025 بود.

با اعمال فیلترهای زمانی، 437 مقاله یافت شد. غربالگری اولیه با مطالعه عنوان و چکیده، مقالات نامرتب و تکراری را حذف و تعداد را به حدود 100 مقاله کاهش داد. پس از بررسی دقیق متن کامل و با تکیه بر استانداردهای بین‌المللی مانند PRISMA، تعداد نهایی به 18 رسید. مقالات با داده‌های ناکامل، آمار نامشخص و غیرمرتبط با آموزش در علوم پزشکی حذف شدند. نتایج با بررسی دو نویسنده مستقل، تحلیل شدند.

یافته‌ها: مطالعات نشان دادند هوش مصنوعی با الگوریتم‌های پیشرفته یادگیری ماشین، تحلیل داده‌های آموزشی و پیش‌بینی موفقیت دانشجویان را به دقت انجام می‌دهد که امکان آموزش شخصی‌سازی شده متناسب با نیاز هر دانشجو را فراهم می‌کند. سیستم‌های مبتنی بر پردازش زبان طبیعی (NLP) مهارت‌های بالینی را مشابه متخصصان آموزش دیده ارزیابی کرده و با بررسی



دانشگاه علوم پزشکی تهران

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

تصاویر درمانی، کیفیت فرایندهای بالینی را سنجیده و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه می‌دهند. همچنین، با شناسایی خطاهای مکرر دانشجویان در فعالیتهای بالینی، به کاهش اشتباهات و ارتقای استانداردهای درمان کمک می‌کند.

در حوزه ارزشیابی، شبیه‌سازی‌های هوشمند با ایجاد سناریوهای بالینی واقعی و متنوع، امکان سنجش مهارت‌های عملی را در محیطی امن و بدون ریسک فراهم می‌آورند و با بازخوردهای سریع و دقیق، فرآیند ارزیابی را تسهیل می‌کنند. همچنین، روند پیشرفت دانشجویان را به طور جامع بررسی و شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI)^۱ را استخراج می‌کنند که به اساتید در بهبود فرایندهای آموزشی کمک می‌کند. علاوه بر این، توانایی طبقه‌بندی اطلاعات بیماران و ایجاد پرونده‌های الکترونیک سلامت، نقش مهمی در بهبود آموزش و ارزشیابی علوم پزشکی دارد.

نتیجه‌گیری: هوش مصنوعی به عنوان ابزاری نوین، کم‌هزینه و موثر، نقش کلیدی در تحول نظام آموزشی علوم پزشکی دارد و پتانسیل بالایی برای بهبود کیفیت یادگیری و عملکرد دانشجویان ارائه می‌دهد.

با وجود پیشرفت‌ها، چالش‌هایی مانند مسائل اخلاقی و نیاز به آموزش کاربران برای استفاده بهینه از فناوری‌ها همچنان باقی است.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش علوم پزشکی، آموزش پزشکی، ارزشیابی، فناوری آموزشی

^۱ معیارهای کمی که برای سنجش میزان تحقق اهداف سازمان به کار می‌روند و سبب بهبود عملکرد می‌شوند. باید قابل اندازه‌گیری، مرتبط با اهداف و زمان‌بندی شده باشند.



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر سلامت باروری و جنسی بر آگاهی و نگرش زوج‌های شرکت‌کننده در کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج

سمانه مهمان نواز

ارائه دهنده:

مریم افزا، شقایق قربانی، الناز اشرفی *

سایر نویسندگان:

چکیده

مقدمه: آموزش به زوجین در زمینه سلامت باروری و جنسی اهمیت فراوانی در بهبود رضایت زناشویی، حمایت از روابط جنسی سالم و تقویت پیوندهای خانوادگی دارد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر سلامت باروری و جنسی بر آگاهی و نگرش زوج‌های شرکت‌کننده در کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج می باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه نیمه تجربی، نمونه‌ای شامل ۴۰ زوج از میان مراجعه‌کنندگان به مرکز خدمات سلامت عمومی شماره ۸ در شهر رشت به صورت تصادفی انتخاب شدند و به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید که شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی و سولاتی پیرامون دانش و نگرش زوج‌ها نسبت به سلامت باروری و جنسی بود. گروه مداخله در یک برنامه آموزشی اختصاصی درباره سلامت باروری و جنسی شرکت کردند که در پنج جلسه ۶۰ دقیقه‌ای ارائه شد. پرسشنامه‌ها قبل از مداخله و سه ماه پس از آن تکمیل شدند. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و با استفاده از آمار توصیفی، آزمون کای‌دو، من-ویتنی یو و ویلکاکسون انجام شد و سطح معنی‌داری $P < 0.05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: دو گروه از نظر ویژگی‌های دموگرافیک مشابه بودند و تفاوت معناداری نداشتند. پیش از مداخله، تفاوت معناداری در نمرات متغیرهای آگاهی و نگرش بین دو گروه مشاهده نشد. پس از اجرای برنامه آموزشی، گروه مداخله بهبود قابل توجهی در متغیرهای آگاهی و نگرش نشان داد. ($P < 0.0001$)

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی است که آموزش‌های پیش از ازدواج می‌توانند به طور مؤثر آگاهی و نگرش زوج‌ها را در زمینه سلامت باروری و جنسی بهبود بخشیده و در نتیجه به ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی کمک کنند.

کلیدواژه: سلامت باروری، سلامت جنسی، آگاهی، نگرش



Impact of Anti-Inflammatory Dietary Patterns on Fertility Disorders (PCOS and Endometriosis) and Implications for Youth Population Policies: A Systematic Review

Mahdis Parsaparvar²

ارائه دهنده:

Mohammad Kazem Imani Khoshkhoo¹, Behrouz Talaei³

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
2. Students' Research Committee, Faculty of Medical Science, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran
3. Department of Nutrition, Faculty of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

چکیده

Background and Aim: PCOS manifests as hyperandrogenism, irregular ovulation, and polycystic ovary morphology, frequently alongside insulin resistance and metabolic dysregulation. Endometriosis features ectopic proliferation of endometrial-like tissue, resulting in pelvic pain, dysmenorrhea, and infertility. Both conditions involve inflammatory cascades dominated by cytokines such as IL-6 and TNF- α , which drive oxidative stress, impair gamete integrity, and reduce fertility.

Anti-inflammatory diets, abundant in omega-3 fatty acids, flavonoids, whole grains, and vegetables, and low in red and processed meats, present a modifiable strategy for reducing systemic inflammation. Observational studies and randomized controlled trials (RCTs) indicate these diets decrease C-reactive protein (CRP), enhance insulin sensitivity, and regulate sex steroids, thereby improving reproductive outcomes. In settings like Iran, where infertility rates are elevated and pronatalist initiatives promote population growth, lifestyle-centered interventions are underused despite considerable promise.

Methods: This review adhered to PRISMA standards. Searches spanned PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar (2010–2025) using keywords such as "anti-inflammatory diet," "Dietary Inflammatory Index," "Mediterranean diet," "PCOS," and "endometriosis." Included studies were RCTs, cohort investigations, and meta-analyses involving women aged 18–45 years. Outcomes assessed encompassed fertility measures, inflammatory markers,



symptom severity, and ART success. Study quality was evaluated with the Newcastle-Ottawa Scale and Cochrane Risk of Bias tool.

Results: Twenty studies (8 RCTs, 7 cohorts, 3 meta-analyses, 2 reviews; $n \approx 15,400$ participants) were included.

- **PCOS:** Higher dietary inflammatory index scores correlated with a 60–70% increased infertility risk. Anti-inflammatory diets improved insulin resistance, reduced CRP, and restored ovulation in up to 80% of participants. Low-glycemic index diets have been shown to enhance menstrual regularity and improve ART outcomes.
- **Endometriosis:** Diets high in fiber and omega-3s reduced estrogen levels and pain severity, while high red meat intake increased endometriosis risk by $>50\%$. Antioxidants (vitamins C and E) improved oxidative balance, and vitamin D supplementation lowered CRP. Several studies reported improved fertility outcomes and quality of life.
- **Population Implications:** While direct studies on policy are limited, dietary interventions targeting PCOS and endometriosis address key infertility factors, potentially supporting pronatalist goals. Integrating anti-inflammatory diet promotion into public health programs may reduce infertility rates and strengthen policy approaches to population sustainability, especially in countries like Iran, where declining fertility presents challenges.

Conclusion: Anti-inflammatory dietary patterns provide a safe and cost-effective adjunct to standard care for PCOS and endometriosis. Evidence substantiates improvements in ovulation, pain mitigation, ART outcomes, and reproductive potential. By targeting inflammatory infertility, these diets may indirectly bolster youth population strategies in regions with declining birth rates. Incorporating nutritional counseling into preconception and fertility protocols could lessen reliance on invasive procedures while advancing reproductive health at the population scale. Large-scale, long-term RCTs are required to validate enduring effects and policy implications of dietary interventions.

Keywords: Anti-inflammatory diet, PCOS, Endometriosis, Fertility disorders



Rewiring Brain Health Through the Gut: An Interdisciplinary Narrative Review on Probiotics in Neurological Disorders

ارائه دهنده: Mahla Jafari¹

سایر نویسندگان:

Parsin Pourabbas¹, Meysam Hasannejad-Bibalan⁴, Morteza Alipour², Sara Zamani³,
Aryan Mohtasham Amiri¹

1. School of medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Biomedical physics group, physics school, university of Hamburg, Hamburg, Germany
3. Student Research Committee, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
4. Department of Microbiology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Neurological and neuropsychiatric disorders such as depression, anxiety, Alzheimer's disease, Parkinson's disease, autism spectrum disorder (ASD), and multiple sclerosis (MS) have become a growing global health challenge due to their increasing prevalence, chronic course, and limited responsiveness to conventional treatments. Existing pharmacological treatments are mainly palliative, have incomplete efficacy, and suffer from inadequate blood-brain barrier permeability in addition to systemic side effects. These limitations have led to increasing interest in alternative therapeutic pathways by interdisciplinary researchers; one of these emerging pathways is the Gut-Brain Axis, which acts as a bidirectional network between the central nervous system and the gastrointestinal tract through immune, endocrine, neural, and metabolic pathways.

The gut microbiota, which contains trillions of microorganisms, plays a key role in regulating the signaling of this axis. Dysbiosis is known to be involved in the development of neurological pathologies, including neuroinflammation, altered neurotransmitter production, and immune dysregulation.

Accordingly, targeted interventions on the microbiota, including probiotics, have been considered as potential modulators of brain function. Probiotics are living microorganisms that, when consumed in appropriate amounts, can produce beneficial physiological effects. In the field of neuroscience, the concept of "psychobiotics" has been proposed as probiotics with the ability to affect brain and mental function.

The present study is an interdisciplinary narrative review designed to answer the following research question:

****Can probiotics act as effective complementary interventions in the management of**



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

neurological disorders through their effects on the gut-brain axis?*

This review examines and analyzes the possible biological mechanisms of probiotics in their interaction with the host body, drawing on up-to-date literature in the fields of microbiology, neuroscience, immunology, and clinical medicine.

Within this framework, key theoretical models including vagal signaling, modulation of inflammatory cytokines, enhancement of biological barriers, and production of neuroactive metabolites are examined. The present review also analyzes the application of these mechanisms in specific neurological disorders, without claiming definitive therapeutic results. Given the diversity of probiotic strains, individual differences in microbiota composition, and heterogeneity in study design, the current evidence remains fragmented. However, this review emphasizes the need for future research focusing on strain-specific effects, standardization of trials, and design of personalized treatments. It also points to the growing role of probiotics in the future landscape of complementary neurotherapeutics.

Keywords: Probiotics, Gut-Brain Axis, Neurological Disorders, Microbiota-Gut-Brain Interaction, Complementary and Integrative Medicine



چالش‌های اخلاقی در پژوهش‌های کیفی: یک مرور روایتی

ارائه دهنده: فائزه سبحانی^۱

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه: اخلاق، جز جدایی‌ناپذیر حرفه‌های مراقبتی و پژوهش‌های بالینی است. ماهیت تعاملی، پیچیده و عمیق پژوهش‌های کیفی ممکن است منجر به چالش‌ها و پیچیدگی‌های اخلاقی شود که توجه به آنها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اگرچه چهارچوب‌های اخلاقی رسمی مانند کد نورنبرگ و گزارش بلمونت، همچنین فرآیندهای تأیید اخلاقی نهادی، بسترهای مهمی را برای هدایت پژوهش‌های انسانی فراهم کرده‌اند، اما در عمل، پژوهش‌های کیفی اغلب با موقعیت‌های اخلاقی پیش‌بینی نشده، مبهم و وابسته به زمینه مواجه می‌شوند که فراتر از آن دستورالعمل‌ها هستند. از این رو، درک دقیق و واقع‌گرایانه از چالش‌های اخلاقی خاص پژوهش‌های کیفی و نحوه مدیریت آنها، اهمیت فزاینده‌ای یافته است و این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های اخلاقی در پژوهش‌های کیفی انجام شد.

روش جستجو: این مرور روایتی در تیرماه ۱۴۰۴ با جستجوی مقالات مرتبط در بانک‌های اطلاعاتی Scopus و Medline و موتور جست و جوی Google Scholar با استفاده از کلیدواژه‌های "Research ethics" و "qualitative research" و "ethical challenges" در محدوده زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ انجام شد. از ۲۱۷ مقاله، ۶ مقاله که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به چالش‌های اخلاقی در پژوهش کیفی در زمینه علوم پزشکی پرداخته بودند و منطبق بر هدف پژوهش بودند وارد تحلیل به روش روایتی شدند.

یافته‌ها: پژوهش‌های کیفی ممکن است با چالش‌های اخلاقی متعددی روبرو شوند که اغلب در چهارچوب‌های رسمی و ایستای کمیته‌های اخلاق پژوهش قابل شناسایی یا پیش‌بینی نیستند. این پژوهش‌ها به دلیل ویژگی‌هایی مانند نمونه‌گیری نظری، تغییر تدریجی سوالات تحقیق و تعامل نزدیک با مشارکت‌کنندگان، با ساختارهای حال حاضر بررسی اخلاقی همخوانی ندارند. رضایت آگاهانه در این نوع مطالعات فرایندی مستمر است و حفظ محرمانگی باید با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و زمینه‌ای مدیریت شود. نقش دوگانه پژوهشگر-متخصص، آسیب‌پذیری مشارکت‌کنندگان، انجام پژوهش در محیط زندگی آنها و درخواست‌های فراتر از چهارچوب تحقیق، می‌توانند چالش‌های اخلاقی مضاعفی ایجاد کنند. همچنین، پژوهشگران اغلب از نتایج تحقیق بهره‌مند می‌شوند اما سودمندی برای مشارکت‌کنندگان محل تردید است. سیاست‌های نهادی ناکارآمد، به‌ویژه در کشورهای با درآمد پایین، ممکن است منبع نقض اصول اخلاقی باشند. در مجموع، چالش‌های اخلاقی پژوهش‌های کیفی را می‌توان در چهار دسته ساختاری، زمینه‌ای، مربوط به نقش پژوهشگر و مرتبط با انعطاف‌پذیری روش‌شناختی طبقه‌بندی کرد. این چالش‌ها نیازمند رویکردی پویا، زمینه‌مند و در کنار چهارچوب‌های رسمی و فراتر از آنها هستند.

نتیجه‌گیری: برای مواجهه با چالش‌های پژوهش‌های کیفی، باید میان «اخلاق رویه‌ای» یا تأییدیه اولیه کمیته اخلاق و «اخلاق در عمل» یا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی حین تحقیق تمایز قائل شد و این دو را مکمل یکدیگر دانست. رضایت آگاهانه باید فرایندی



دانشگاه علوم پزشکی تهران

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

پویا و مستمر باشد و احترام به استقلال مشارکت‌کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات با توجه به خواسته و نیاز مشارکت‌کنندگان رعایت گردد. پژوهشگران باید نسبت به شرایط فردی و زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، حساس باشند و تدابیر حمایتی مناسب طراحی کنند. همچنین، مشارکت فعال جامعه در طراحی و اجرای تحقیق، به ارتقای عدالت و اخلاق کمک می‌کند. توسعه سواد اخلاقی و بازتاب‌پذیری نیز ابزارهایی حیاتی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی‌اند. مستندسازی و به‌اشتراک‌گذاری تجربیات اخلاقی نیز موجب ارتقای آگاهی جمعی و بهبود کیفیت اخلاق پژوهش می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق پژوهش، پژوهش کیفی، چالش‌های اخلاقی.



دانشگاه علم و فناوری گیلان

از نگاه لیزر تا درک عمق آسیب: ارزیابی دقیق سوختگی با تصویربرداری داپلر در برابر روش بالینی

ارائه دهنده:

نسبیه اخوان پلنگ سرانی¹

سایر نویسندگان:

رسول مهدوی فر¹

1. دانشگاه شاهد

چکیده

تشخیص صحیح عمق سوختگی نقش کلیدی در انتخاب نوع درمان و پیش‌آگهی بالینی بیماران دارد. روش‌های سنتی بالینی، اگرچه رایج‌اند، اما در بسیاری موارد دقت کافی برای تمایز بین سطوح مختلف سوختگی را ندارند. در این پژوهش، کارایی روش تصویربرداری داپلر لیزری (LDI) در تشخیص عمق واقعی سوختگی با ارزیابی بالینی مقایسه شده است. مطالعه بر روی ۱۲۰ بیمار در بیمارستان تخصصی سوختگی انجام شد و نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از تحلیل آماری (نرم‌افزار SPSS) بررسی شدند.

یافته‌ها نشان داد که دقت ارزیابی عمق با استفاده از LDI به میزان 96.66٪ بوده، در حالی که این مقدار برای ارزیابی بالینی تنها 80.83٪ بوده است. همچنین میزان تطابق تشخیص بین این دو روش، در برخی درجات سوختگی کمتر از 30٪ بود که نشان‌دهنده ضعف جدی ارزیابی صرفاً بالینی در بسیاری از موارد است. روش LDI، به عنوان یک ابزار غیرتهاجمی، سریع، و قابل اطمینان، می‌تواند در کاهش زمان تشخیص، کاهش خطا و بهبود نتایج درمانی بیماران مؤثر باشد. این پژوهش بر اهمیت به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین تصویربرداری در پزشکی بالینی تأکید می‌کند و نمونه‌ای از یک همکاری بین‌رشته‌ای موفق میان پزشکان و مهندسان تصویربرداری است.

کلیدواژه: سوختگی، داپلر لیزری، عمق ضایعه، ارزیابی بالینی، تکنولوژی نوین، همکاری پزشکی-مهندسی



Analyzing the Integration of Artificial Intelligence in Elderly Care Applications: A Systematic Review with Quantitative Evaluation

Leila Dehghankar¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Haniyeh khamse², Mohammad amin jandaghian-Bidgoli³, Mohammad javad Veisimiankali⁴

1. PhD Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Bsc in Public Health, Health Deputy, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

3. PhD Student in Nursing Department, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

4. PhD Student in Healthcare Service Management, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

چکیده

Background and Aim: Giving safe, personalized, and effective care to older adults increasingly poses difficulties for healthcare systems due to the swiftly aging global population. In this systematic review, the latest empirical and review AI-based applications in elderly care were captured through both descriptive and meta-analytical approaches.

Methods: This systematic review followed PRISMA guidelines to evaluate AI-based applications in elderly care. We searched PubMed, Scopus, Web of Science, CINAHL, Google Scholar for studies published between 2020 and 2025, using keywords such as "Artificial Intelligence," "Geriatric Nursing," and "Socially Assistive Robots," combined with Boolean operators and Mesh terms. Inclusion criteria were studies focusing on AI applications for elderly populations, including RCTs, pre-post studies, systematic reviews. Two independent reviewers screened studies using Covidence, with inter-rater agreement assessed via Cohen's Kappa. Study quality was evaluated using the Cochrane Risk of Bias Tool for RCTs and the JBI checklist for systematic reviews. Data were extracted using a standardized template, capturing study design, AI intervention type, outcomes (e.g., accuracy, loneliness reduction), and ethical considerations. Descriptive statistics summarized study characteristics, while a random-effects meta-analysis was conducted for comparable outcomes (e.g., loneliness



reduction effect sizes) using R software. Subgroup analyses explored heterogeneity by AI application type and study design. Ethical considerations were systematically assessed using an AI ethics framework, and qualitative findings were synthesized to complement quantitative results.

Results: The identified recent and systematic reviews and research include the following: A review of and a systematic review addressing AI interventions for loneliness in older adults, 6 RCTs and 3 pre-post empirical studies systems. The first one, a deep learning-based facial expression recognition reviewed 31 studies focused on elderly populations. The latter one, a systematic literature review of conversational agents for older adult's health composed of 72 papers. Conducting a qualitative systematic review along with an ethical overview of social robots required the review of 1,518 publications, ultimately narrowing down to 248 analyses. Another review published in BMC Geriatrics in 2025 analyzed the long-term effects of AI on elderly care—to what extent AI could be integrated remains unknown. AI applications on the rise include—the use of cognitive monitoring of the elderly via chatbots with an accuracy rate of over 80%. Expression recognition using light CNNs are effective but lack datasets specifically for the elderly. Social robots and voice-assistants are effective in reducing loneliness with robust outcomes evidenced in numerous RCTs. Social robotics ethics violations include privacy and lack of transparency regarding the underlying rationale for social robots' actions. Quantitative synthesis differentiated between areas of data overlap; cognitive chatbots demonstrated accuracy over 80% and significant reductions in loneliness within RCTs, while overall effectiveness was evident, varied design and outcome coherence stunted formal meta-analysis.

Conclusion: The span AI covers in elderly care is impressive—cognitive assessment, emotional well-being, autonomy assistance and robotics that operate within pre-set ethical frameworks. Major gaps persist, including a lack of elderly and interpretability datasets, low data interpretability, limited exposure to longitudinal studies, and under-examined ethical factors. Stringing together AI and robust empirical evaluations via larger RCTs proves the need for a shifted focus on a well-defined ethical governance framework to ensure the safety, equity, and autonomy in the care of the elderly.

Keywords: Artificial Intelligence, Geriatric Nursing, Socially Assistive Robots



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

بررسی دینامیک نمادین و قفل‌شدگی فاز در سیگنال‌های ECG بیماران مبتلا به فیبریلاسیون دهلیزی با تحلیل ویژگی‌های آماری غیرگوسی

ارائه دهنده:

نسبیه اخوان پلنگ سرانی¹

سایر نویسندگان:

محمد پویان¹

1. دانشگاه شاهد

چکیده

فیبریلاسیون دهلیزی (AF) یکی از شایع‌ترین اختلالات ریتم قلبی است که با دینامیک پیچیده و آشوبی همراه است. هدف این پژوهش، تحلیل هم‌زمان قفل‌شدگی فاز و ویژگی‌های آماری غیرگوسی در سیگنال‌های ECG بیماران مبتلا به AF با استفاده از دینامیک نمادین است. بدین منظور، ابتدا سیگنال‌های ECG از دو لید مستقل استخراج شده و با استفاده از تبدیل هیلبرت، فاز آنی سیگنال‌ها محاسبه شد. سپس معیارهایی مانند PLV (Phase Locking Value) و SE (Synchronization Entropy) برای بررسی وابستگی فازی بین لیدها به کار گرفته شدند. در گام بعد، ویژگی‌های آماری مرتبه بالا شامل چولگی (Skewness)، کشیدگی (Kurtosis) و ممان‌های بالاتر برای توصیف غیرگوسی بودن توزیع سیگنال‌ها در بازه‌های مختلف زمانی محاسبه شد. نتایج حاصل نشان داد که در دوره‌های AF، مقدار PLV کاهش و مقدار SE افزایش یافته و شاخص‌های آماری نیز انحراف محسوسی نسبت به توزیع گوسی نشان می‌دهند. این یافته‌ها بیانگر افزایش پیچیدگی و کاهش هم‌زمانی فاز در شرایط پاتولوژیک AF هستند. استفاده ترکیبی از دینامیک نمادین، تحلیل فازی و ویژگی‌های غیرگوسی می‌تواند راهکار مناسبی برای تحلیل دقیق‌تر سیگنال‌های قلبی در شرایط بحرانی ارائه دهد.

کلیدواژه: ECG، فیبریلاسیون دهلیزی، هم‌قفل‌شدگی فاز، PLV، دینامیک نمادین، آنتروپی فازی، سیگنال‌های غیرگوسی، تحلیل آماری مرتبه بالا



Machine Learning and Artificial Intelligence Applications for Promoting Breast Feeding Education and Maternal Support: A Review of Recent Studies

Noura Lotfi Rezvandeh¹

ارائه دهنده:

Parvaneh Rezasoltani²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: Breastfeeding is a critical factor in the growth and overall health of infants and mothers. Although this period holds great significance, it is frequently associated with challenges faced by many mothers. This study aims to investigate the potential of machine learning (ML) models to enhance breastfeeding education, support, and success.

Methods: In this study, various international databases and scholarly publications were utilized to gather relevant literature from the past five years (2021–2025). These sources include Google Scholar, Medline/PubMed, ACM Digital Library, ResearchGate, Elsevier, BMC, APTIKOM, ACS, Frontiers, Mathematical Modeling and Computing, JMIR AI, JMIR Pediatrics and Parenting, MDPI, Ciência & Saúde Coletiva, PLOS ONE, EJHC, International Breastfeeding Journal, and the Journal of Medical Internet Research. A total of twenty-one articles, written in English and comprising original research or review studies, were selected for analysis.

Results: Based on existing research, ML models can assist healthcare professionals by providing robust analysis of chemical compounds and drug transfer in human milk. Additionally, ML can predict exclusive breastfeeding during hospital postpartum stays by incorporating variables such as pacifier use, breastfeeding self-efficacy levels, prior breastfeeding experience, birth weight, and other relevant factors. These models have the potential to identify high-risk populations, offer targeted support, positively influence breastfeeding rates, and evaluate infant stool consistency. Artificial Intelligence (AI)-driven applications and breastfeeding chatbots, such as ALMA, GISSA, and Lhia, serve as effective tools for lactation consultation, delivering personalized education to enhance breastfeeding self-efficacy and success. Moreover, advanced chatbots like ChatGPT, Copilot, and Gemini



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

have demonstrated their capacity to provide reliable responses to breastfeeding-related inquiries. AI technologies can also play a crucial role in detecting post-partum breast health issues such as mastitis, engorgement, and nipple damage caused by improper breastfeeding techniques, along with posture monitoring during feeding. These applications aim to reduce the workload of healthcare staff and improve overall maternal and infant health outcomes.

Conclusion: AI-based applications and models have shown promise in enhancing breastfeeding self-efficacy and delivering personalized support. Future studies can focus on improving ML models for exclusive breastfeeding outcomes.

Keywords: Generative Artificial Intelligence; Breastfeeding; Machine Learning; Postpartum Period



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

تحلیل ویژگی‌های بایسپکتری و بی‌کوهرنس در سیگنال‌های ECG جهت شناسایی بیماری‌های قلبی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین

ارائه دهنده:

نسبیه اخوان پلنگ سرانی¹

سایر نویسندگان:

محمد پویان¹

1. دانشگاه شاهد

چکیده

یکی از چالش‌های مهم در حوزه پزشکی، شناسایی دقیق و سریع بیماری‌های قلبی از طریق تحلیل سیگنال‌های الکتروکاردیوگرام (ECG) است. در این پژوهش، رویکردی نوین مبتنی بر تحلیل طیفی مرتبه بالا ارائه می‌شود که در آن از ویژگی‌های بایسپکتری و بی‌کوهرنس برای استخراج جنبه‌های غیرخطی و پیچیده سیگنال ECG استفاده شده است. این ویژگی‌ها به عنوان بردارهای ورودی به مدل‌های یادگیری ماشین مانند جنگل تصادفی (Random Forest)، K نزدیک‌ترین همسایه (K-NN)، شبکه عصبی کانولوشنی (CNN) و شبکه عصبی بازگشتی (RNN) داده شدند تا عملکرد آن‌ها در شناسایی بیماری‌های قلبی مقایسه شود. نتایج نشان داد که مدل CNN با دقت، بازیابی و سطح زیر منحنی (AUC) بالاتر نسبت به سایر مدل‌ها، بهترین عملکرد را ارائه داده است. یافته‌ها بیانگر اثربخشی ویژگی‌های بایسپکتری و بی‌کوهرنس در بهبود تشخیص خودکار بیماری‌های قلبی با استفاده از مدل‌های هوشمند هستند.

کلیدواژه: سیگنال ECG، بایسپکتری، بی‌کوهرنس، یادگیری ماشین، شبکه عصبی کانولوشنی (CNN)، تشخیص بیماری‌های قلبی، تحلیل طیفی مرتبه بالا



Modern Technologies from Robotics to Artificial Intelligence in Managing Knee Osteoarthritis in the Elderly

Sanaz Saffar Hamidi¹

ارائه دهنده:

Zahra Karami², Arghavan Mogharrabi³, Dr Kamran Ezzati⁴

سایر نویسندگان:

1. PT, BSc student, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. PT, BSc student, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
3. PT, BSc student, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
4. PT, PhD, Associate Professor in Physical Therapy, Trauma Institute, Neuroscience Research Center, Poorsina Hospital, Faculty of medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: Knee osteoarthritis (OA) is common in the elderly and leads to pain and mobility issues. Modern technologies such as AI, robotics, and wearables are improving diagnosis, treatment, and monitoring. This article briefly highlights how these tools enhance care for elderly OA patients.

Methods: We had a search using databases such as PubMed and Google Scholar for articles published between 2020 and 2025. Articles that included subjects like Knee osteoarthritis, modern technologies, artificial intelligence, etc.

Results: AI helps detect early joint changes in imaging. Wearables monitor movement and alert for fall risks. VR supports at-home physiotherapy, increasing engagement. Intelligent robots assist in guided exercises. 3D printing creates personalized orthotics to reduce joint stress. Digital therapeutic games make rehab fun and motivating. Biological therapies like stem cells aim to regenerate cartilage. AI also predicts fall risk and suggests preventive steps. Data-driven systems personalize treatment based on patient history.

Conclusion: Modern technologies are transforming OA care by improving diagnosis, reducing pain, enhancing mobility, and preventing complications. These innovations promise better outcomes and quality of life for elderly patients.

Keywords: Knee osteoarthritis, modern technologies, artificial intelligence, robotics, rehabilitation



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

کاربرد عملی مدل‌های یادگیری عمیق در تشخیص سرطان ریه: از توسعه تا پیاده‌سازی در بستر پزشکی از راه دور

ارائه دهنده:

نسبیه اخوان پلنگ سرانی¹

سایر نویسندگان:

غلامرضا باقرسلیمی²

1. دانشگاه شاهد

2. دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

پیشرفت‌های اخیر در یادگیری عمیق و فناوری‌های پزشکی از راه دور، فرصت‌های جدیدی را برای تشخیص دقیق و سریع بیماری‌ها، به‌ویژه سرطان ریه، فراهم کرده است. در این پژوهش، یک سیستم هوشمند تشخیص سرطان ریه طراحی و پیاده‌سازی شده است که با استفاده از تصاویر سی‌تی‌اسکن و مدل‌های عمیق یادگیری، قادر به شناسایی دقیق ندول‌های ریوی بدخیم و خوش‌خیم می‌باشد. این سیستم با بهره‌گیری از معماری‌هایی مانند UNet، YOLOv7، و RetinaNet و مدل توسعه یافته‌ای بر روی داده‌های واقعی مجموعه LIDC-IDRI ارزیابی شده است.

نتایج تجربی نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی با ساختار اصلاح‌شده، در مقایسه با سایر مدل‌ها، از دقت بالاتر و قابلیت تعمیم بهتری برخوردار است. همچنین، مدل YOLOv7 به دلیل سرعت بالای پردازش، گزینه‌ای مناسب برای محیط‌های پزشکی از راه دور محسوب می‌شود. پیاده‌سازی و ارزیابی این مدل‌ها در اپلیکیشن‌های تحت وب و اندروید نیز انجام شده و امکان استفاده عملی آن‌ها در مناطق فاقد پزشک متخصص بررسی شده است. این تحقیق نه تنها بر بهبود عملکرد مدل‌ها متمرکز است، بلکه کاربردپذیری آن‌ها را در شرایط واقعی پزشکی نیز تحلیل کرده است.

کلیدواژه: سرطان ریه، یادگیری عمیق، پزشکی از راه دور، طبقه‌بندی تصویر پزشکی، YOLOv7، شبکه عصبی کانولوشنی، تشخیص ندول ریوی، UNet، سی‌تی‌اسکن

The Role of Artificial Intelligence in Enhancing Clinical Decision Making in Undergraduate Nursing Education

Ali Ganji¹

ارائه دهنده:

Bitra Ghfarpour², Shiva Alizadeh³

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, Zeynab (P.B.U.H) School of Nursing And Midwifery , Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Student Research Committee, Department of Medical Science, Hazrat Ali Ibn Abitalib (AS) Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Midwifery, Zeynab (P.B.U.H) School of Nursing And Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim : One of the essential skills in nursing is clinical decision making, which is typically developed through face-to-face education and clinical internship. However, these methods face limitations such as low diversity in clinical experiences and limited feedback. With recent advances in the field of artificial intelligence, nursing education has found the opportunity to make student education more effective by utilizing technology. This review aims to examine the role of artificial intelligence in enhancing clinical reasoning and decision making of undergraduate nursing students.

Methods: The present study is a review study. A search was conducted using the valid keywords; artificial intelligence, nursing education and clinical decision making in published articles of reputable journals available in PubMed, Scopus, Elsevier, Google Scholar, Magiran, SID databases between 2020 and 2024, and the results of the obtained articles were examined.

Results: When AI technologies such as virtual patient simulations, intelligent instructional systems, and machine learning algorithms are integrated into nursing curricula, these tools can provide interactive environments that allow students to practice and refine clinical judgment skills in a safe environment. Research shows that AI improves knowledge retention and consolidation, enhances critical thinking, and enables real-time feedback. In addition, AI supports personalized learning by adapting educational content to individual learning patterns. While its benefits are significant, there are concerns about faculty preparation, data privacy, and the potential for reduced human interaction in education.

Conclusion: AI has the potential to transform undergraduate nursing education by enhancing clinical decision-making and providing flexible, learner-centered, and personalized instructional models. Proper integration, supported by ethical oversight and faculty development, can bridge the gap between theory and practice and enhance the competence of future nurses. Like all new technologies, AI also brings with it problems, as highlighted in the findings. The best way to address these problems is to educate faculty, students and others about the proper use of AI, as well as to establish global regulations.

Keywords: Artificial Intelligence , Nursing Education , Clinical Decision-Making



Autogenous Dentin Grafts in Immediate Dental Implant Placement: A Review of Clinical Efficacy and Outcomes

Sobhan Agheshteh Sabzevar¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Donya Maleki², Nafise Agheshteh Sabzevar³, Mohammadali Montazeri¹, Ali Rezaei Zadeh²

1. Student Research Committee, School of Dentistry, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Faculty of Dentistry, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

3. Faculty of Dentistry, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) Branch, Iran

چکیده

Background: Immediate implant placement is popular for reducing treatment time and preserving bone, but achieving optimal esthetics remains challenging. Autogenous dentin grafting, which utilizes extracted teeth as graft material, shows promise for ridge preservation. This review evaluates the clinical efficacy of autogenous dentin grafts in immediate implant placements.

Objective: To assess the effectiveness of autogenous dentin grafts in improving esthetic and functional outcomes for immediate implants, focusing on ridge preservation, implant stability, and patient satisfaction.

Methods: A review of three clinical studies gathered in a search period from 2020 to early 2025 evaluated autogenous dentin grafts in immediate implant placements. Outcomes measured included Pink Esthetic Score (PES), implant stability quotient (ISQ), buccal marginal bone (BMB) height, and radiographic bone density. Data were analyzed to compare autogenous dentin grafts to traditional materials like Bio-Oss and allogeneic demineralized dentin matrix (Allo-DDM).

Results: The reviewed studies demonstrated that autogenous dentin grafts effectively preserved alveolar ridge dimensions and improved esthetic outcomes, with mean PES scores ranging from 7.75 to 10. Autogenous dentin grafts showed comparable or superior performance to traditional grafting materials in terms of implant stability and bone regeneration. For instance, one study reported higher buccal



marginal bone heights with autogenous dentin grafts (Auto-DDM) compared to Allo-DDM (11.76 ± 1.84 mm vs. 10.78 ± 1.45 mm, $p = 0.004$). Additionally, no significant differences were observed in ISQ values or marginal bone resorption between autogenous dentin grafts and Bio-Oss. Complications were minimal, with only two cases of microbial infection reported across the studies.

Conclusion: Autogenous dentin grafting is a viable technique for immediate implant placement, offering ridge preservation, improved esthetics, and reduced reliance on external grafting materials. It's a cost-effective, biocompatible alternative to traditional grafts, especially in the esthetic zone. Further long-term studies are recommended.

Keywords: Immediate Implant, dental implant, dentin grafting, autogenous dentin graft



Parkinson's Peace Button: Pressing the Vagus Nerve for Relief; An Umbrella Review

ارائه دهنده: Ilya Saberi¹

سایر نویسندگان:

Parmida Saremishahab¹, Ilya Zakariapour¹

1. Student Research Committee, School of Medicine, Anzali International Campus, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Introduction:

As the world's fastest-growing neurodegenerative disease, Parkinson's disease (PD) is forecasted to impact over 12 million people by 2040, posing serious health and social issues. While drugs remain the cornerstone of PD treatment, alternative techniques like Vagus nerve stimulation (VNS) are emerging as potential approaches for symptom control. Despite investigations into its therapeutic impact, the available data continue to show uncertainty across multiple facets. This umbrella review aims to synthesize recent systematic reviews and meta-analyses (SRMAs) that have evaluated the efficacy and safety of VNS in improving various aspects of PD complications.

Search

Method:

This study was reported according to the PRISMA 2020 Abstracts checklists. Inclusion criteria: (1) Population: age ≥ 18 years, without gender or racial restrictions; (2) intervention: Any non-invasive VNS (NiVNS) alone/adjunctive, without limitations on stimulation parameters; (3) comparison: sham stimulation; (4) outcomes: some of the reported health outcomes; (5) study design: SRMAs of randomized controlled trials and quasi-experimental published from 2020 onwards.

Exclusion criteria: Studies on the invasive modalities or diseases rather than PD were excluded. In addition, all SRMAs that were pertaining to animal studies or published before 2020 were also excluded.

Reviewers independently searched for SRMAs on the efficacy and safety of NiVNS used in the



treatment of PD. The PubMed, Epistemonikos, Cochrane Library and Google Scholar were searched using MeSH terms and [Title/Abstract] search tag, including “vagus stimulation”, “vagal stimulation”, “systematic review”, and “meta-analysis”, from 2020 to August 7, 2025. All retrieved articles were imported into EndNote 21 to organize citations and remove duplicates. Additionally, we manually screened the reference lists of selected studies to assess relevant studies that met the criteria. Based on significant overlap in primary studies, a narrative synthesis was conducted.

Results:

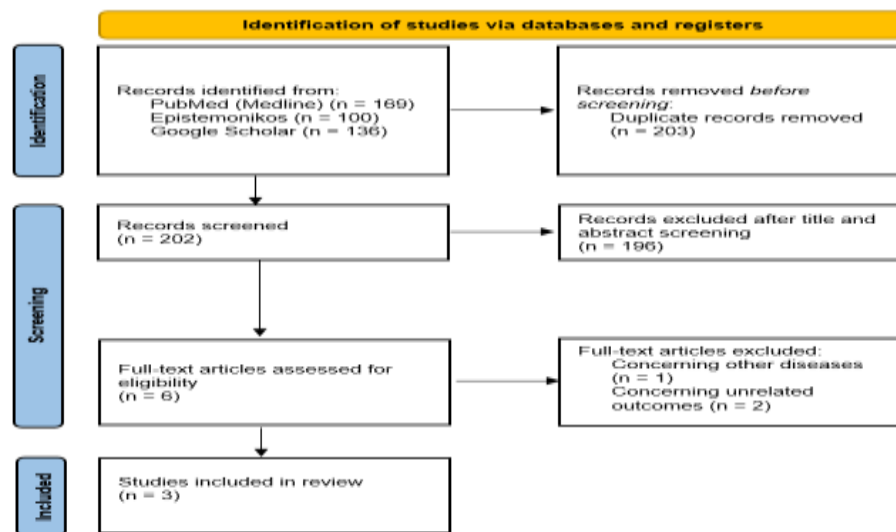


Figure 1. PRISMA flow diagram of articles

For convenience, the following table summarizes the included studies key findings:

Table 1. Characteristics of included studies:

Study	Sample size	Modality		Outcomes		Adverse events
		Intervention	Control	Motor	Non motor	
Shan et al. 2025	176 (6 studies)	taVNS + Med	Sham	Significantly improved <u>gait</u> parameters [SMD= -0.48; 95% CI= -0.85, -0.10]. Significantly improved severity (UPDRS) [SMD= -0.48; 95% CI= -0.93, -0.04].	Significantly improved [SMD= -0.4; 95% CI= -0.78, -0.03]. Negatively impacted <u>verbal fluency</u> , sleep-related impairment, and fatigue.	No



Eissazade et al. 2025	287 (12 studies)	taVNS + tcVNS	Sham	Significantly improved gait characteristics. Not significant difference in UPRDS [MD= 0.096; 95% CI= 2.93, 1.01]	Significantly declined Category fluency. Non significant changes in gastroenteric symptoms, fatigue, sympathetic and parasympathetic cardiac activity.	NO
Abouelmagd et al. 2025	217 (16 studies)	taVNS + tcVNS + Med	Sham	Not significant effectiveness in improving gait and motor.	Significant improvement in <u>anxiety</u> . Transient verbal fluency reduction, improved gastrointestinal symptoms, decreased tremor amplitude and blood pressure.	NO
	Total 680 patients					

Conclusion: While NiVNS holds potential as a safe adjunctive therapy for alleviating PD, additional homogeneous and large sampled studies are necessary to establish its effectiveness and pave the way for FDA endorsement.

Keywords: Vagus nerve Stimulation, Parkinson's disease



Is Endocan a Reliable Biomarker for NAFLD? A Systematic review and Meta-Analysis Study

Maryam Jafari¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Negin Letafatkar³, Seyyed Mohammad Hashemmi², Ehsan Amini-Salehi³, Shahriar Ghodous³, Farahnaz Jokar³, Soheil Hassanipour³, Fariborz Mansour-Ghanaei³

1. Student Research Committee, School of Medicine, Anzali International Campus, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Cardiovascular Research Center, [Hormozgan University of Medical Sciences, Bandar Abbas](#), Iran

3. Gastrointestinal and Liver Diseases Research Center, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background:

Non-alcoholic fatty liver disease (NAFLD) is a highly prevalent chronic liver condition with systemic implications, including increased risk for metabolic syndrome and cardiovascular disease (CVD). Endocan, a soluble proteoglycan secreted by endothelial cells, has been proposed as a biomarker due to its links with inflammation and vascular dysfunction. However, evidence regarding its association with NAFLD remains inconsistent. This meta-analysis aimed to determine whether circulating endocan levels significantly differ between individuals with NAFLD and healthy controls, thereby evaluating its diagnostic potential.

Methods:

A systematic literature search was conducted across PubMed, Scopus, Web of Science, and Embase up to March 13, 2025. Eligible studies compared endocan levels in NAFLD patients and controls. Pooled odds ratio (OR) with 95% confidence intervals (CIs) were calculated using a random-effects model. Subgroup and meta-regression analyses were performed to explore heterogeneity.

Results:



The pooled analysis revealed no significant difference in endocan levels between NAFLD patients and controls (OR = 0.82; 95% CI: 0.40–1.66; $p = 0.58$), with substantial heterogeneity observed ($I^2 = 90.08\%$). Subgroup analyses demonstrated no significant association in either case-control studies (OR = 0.88; 95% CI: 0.32–2.43; $p = 0.81$; $I^2 = 92.68\%$) or cross-sectional studies (OR = 0.75; 95% CI: 0.21–2.71; $p = 0.67$; $I^2 = 86.91\%$). When stratified by country, significantly higher endocan levels in NAFLD were found in studies from Italy and Montenegro, whereas Turkish studies reported lower levels in NAFLD patients. Meta-regression showed no significant effects of clinical variables, including glucose ($\beta = -0.03$; $p = 0.12$), triglycerides ($\beta = -0.01$; $p = 0.10$), total cholesterol ($\beta = -0.01$; $p = 0.36$), AST ($\beta = 0.03$; $p = 0.53$), ALT ($\beta = 0.01$; $p = 0.69$), or BMI ($\beta = 0.04$; $p = 0.87$). No publication bias was detected.

Conclusion:

These findings suggest that endocan is not a reliable biomarker for distinguishing individuals with NAFLD from healthy controls. However, given the substantial heterogeneity across studies, further large-scale, well-designed investigations are warranted to better understand the potential role of endocan in the context of NAFLD.

Keywords: Biomarkers, Endocan, Endothelial dysfunction, Meta-analysis, NAFLD, Non-alcoholic steatohepatitis



Navigating Adversity: The Role of Resilience in Nursing Students' Clinical Competence and Academic Success

Erfan YousefZadeh¹

ارائه دهنده:

Yasaman Fallah²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical sciences, Rasht, Iran.

2. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

چکیده

Background and Aim: Resilience defined as the capacity to adaptively navigate adversity and recover from stressors serves as a critical determinant of nursing students' professional performance. This dynamic construct operates through interconnected psychological and behavioral pathways by enhancing emotional regulation, it mitigates anxiety during high-acuity clinical encounters, preserving cognitive bandwidth for clinical decision-making; through fortified self-efficacy, it cultivates persistence in mastering complex procedural skills; and via adaptive coping strategies, it transforms challenging experiences into opportunities for competency development. Empirical evidence consistently links resilience to improved clinical performance, as it prevents task performance degradation under stress, reduces errors in patient safety protocols, and sustains therapeutic communication effectiveness. Furthermore, resilience fosters metacognitive skills essential for reflective practice, enabling students to critically evaluate clinical experiences and integrate feedback. Consequently, resilience functions not merely as a buffer against academic attrition but as an active enabler of clinical excellence, translating experiential learning into professional competence across diverse healthcare settings. Therefore, this narrative review aims to explore the role of Resilience in Nursing Students' Clinical Competence and Academic Success.

Method: A literature review was conducted using MEDLINE/PubMed and Scopus databases (2020–2025). English-language studies investigating resilience in nursing students with measurable performance outcomes were included. Keywords: "resilience", "nursing students", "clinical competency", "academic adaptation.". We also conducted a manual search of the reference lists of the selected studies. Exclusion criteria removed non-English publications, inaccessible full texts, practicing nurses and studies not isolating nursing student.

Results: Twelve studies (n=13) confirmed resilience enhances clinical judgment by maintaining emotional stability during emergencies (e.g., trauma simulations). Ten studies linked peer support networks to improved academic retention, though three studies noted reduced efficacy in financially



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

insecure students. Eleven studies validated simulation training for reducing procedural errors, yet two reported no benefit in under-staffed clinical settings. Nine studies established that self-efficacy mediates therapeutic communication skills. Thirteen studies demonstrated mindfulness interventions lower burnout rates. Critically, five studies identified that gendered barriers (e.g., caregiving duties) increase female students' vulnerability to resilience depletion by 40–60%.

Conclusion: Resilience is a dynamic, developable asset that enhances nursing students' clinical and academic performance. By moderating stress responses and bolstering emotional regulation, it optimizes decision making under pressure and sustains academic engagement. Educational programs should integrate resilience-building strategies such as peer mentoring, simulation-based stress exposure, and mindfulness training into core curricula to systematically cultivate this vital competency.

Keyword: Resilience, Nursing Students, Clinical Competency, Adaptation



Investigation of the proteinase enzyme activity in *Candida* species isolated from patients with denture stomatitis referred to dental clinics of Guilan University of medical science (2023): A case-control study

Amirhossein Jafari¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Monireh Aghajany Nasab², Zahra Rafat³, Mehrnoosh Sarvar-Ahmadi³

1. Student research committee, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Cellular & Molecular Research Center, Department of Biochemistry, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.
3. Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

چکیده

Background and Aim: Denture stomatitis is a common disorder in denture users, which is characterized by inflammation and erythema of the mucosal surfaces of the mouth covered by the prosthesis. Considering the important role of proteinase enzymes in the pathogenesis of denture stomatitis, in this study, we measured the activity of proteinase enzyme in *Candida* species isolated from patients with denture stomatitis.

Methods: The present case-control study was conducted on 40 *Candida* species isolated from the oral swab samples of patients with denture stomatitis (case group) and 40 *Candida* species isolated from the oral swab samples of healthy individuals (control group). The participants were matched based on age and gender. The index of proteinase enzyme activity was measured using relevant protocols. s. P-value <0.05 with a confidence interval of 95% was considered statistically significant.

Results: The results of the present study showed that among 80 *Candida* isolates included in this study, *Candida albicans* was the most isolated species (n=60, 75%) followed by *Candida glabrata*, and *Candida krusei* (each n=10, 12.5%). Among the *Candida* species, the highest proteinase enzyme activity was related to *Candida krusei* (80%), followed by *C. glabrata* (70%), and *C. albicans* (13.3%). The results did not show a statistically significant difference in terms of the proteinase activity level between these case and control groups ($p>0.05$).

Conclusion: In the present study, *Candida albicans* was the most common species isolated from both case and control groups. Proteinase enzyme activity in *Candida* species was not significantly different in patients with and without denture stomatitis, and the highest proteinase enzyme activity was related to *Candida krusei* species.

Keywords: Denture stomatitis, *Candida* species, proteinase.



Molecular Biomarkers in Glioblastoma: The Emerging Roles of mRNA and Long Non-Coding RNAs in Diagnosis and Precision Medicine

Seyedeh Elham Norollahi^{1,2}

ارائه دهنده:

Ali Akbar Samadani²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran
2. Cancer Research Center and Department of Immunology, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

چکیده

Glioblastoma (GBM) is the most common and aggressive primary brain tumor in adults, characterized by rapid progression, profound heterogeneity, and dismal survival despite advances in surgery, radiotherapy, and chemotherapy. Current molecular biomarkers such as *IDH1/2* mutations, *MGMT* promoter methylation, and *EGFR* amplification have improved diagnosis and prognostication, yet they fail to fully capture the dynamic biology of GBM or reliably predict therapeutic response. In recent years, attention has shifted toward transcriptomic biomarkers, particularly messenger RNAs (mRNAs) and long non-coding RNAs (lncRNAs), which provide insight into the functional state of tumors and their adaptive mechanisms. Dysregulated RNA signatures are promising tools for molecular subtyping, patient classification, and early diagnosis. They also indicate oncogenic pathways that underlie invasion, proliferation, and resistance to therapy. Furthermore, their translational potential in precision medicine is highlighted by the fact that they were discovered using minimally invasive liquid biopsies. In order to bridge the gap between discovery and clinical application, this review summarizes new data on the functions of mRNAs and lncRNAs as molecular biomarkers in GBM, talks about how to incorporate them into individualized treatment plans, and highlights the difficulties and potential paths forward.

Keywords: Glioblastoma; molecular biomarkers; mRNA; long non-coding RNAs; diagnosis; precision medicine



The global prevalence of depression and anxiety among fibromyalgia patients: A systematic review and meta-analysis

Maryam Jafari¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان:

Ervin Zadgari¹, Mohammad Amouzadeh-Lichahi¹, Bitā Amirian¹, Nazanin Kazemian¹, Casra Saedi¹, Seyedeh Mohaddeseh Mosavi Mirkalaei¹, Aylin Vesali-Moghaddam¹, Helya Reyhani¹, Soheil Hassanipour²

1. Student Research Committee, School of Medicine, Anzali International Campus, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Gastrointestinal and Liver Diseases Research Center, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background: Fibromyalgia (FM) is a prevalent syndrome characterized by persistent widespread pain, fatigue, and psychiatric symptoms, affecting about 2% of the global population, predominantly women. The potential link between FM and psychiatric disorders has long been speculated due to their possible association with disturbances in the nervous system.

Methods: In this systematic review and meta-analysis, the objective was to evaluate the prevalence of anxiety and depression among FM patients while also examining the influence of factors such as age, sex, and country on these rates. We conducted searches in five databases from their inception to January 26, 2024, for studies reporting the prevalence of depression and anxiety among fibromyalgia patients. The quality of the studies was assessed using JBI checklists.

Findings: We included 62 and 88 studies on anxiety and depression, with 21,591 and 31,104 FM patients, respectively, in the analysis. The results revealed that approximately 46.58% (95% CI: 39.30% – 53.87%) of FM patients experience anxiety, while 50.79% (95% CI: 45.52% – 56.06%) suffer from depression. The results underscored significant variability among the studies. The heterogeneity of studies reporting anxiety and depression was $I^2 = 76.39\%$, $p < 0.0001$, and $I^2 = 64.43\%$, $p < 0.0001$, respectively.

Conclusion : This study represents the first systematic review and meta-analysis to investigate the prevalence of both overall anxiety and depression in fibromyalgia patients. We estimated that approximately half of fibromyalgia patients experience depression and anxiety. The prevalence of anxiety decreased with increasing age, while depression exhibited an upward trend.



Modern and Technology-Assisted Physiotherapy Techniques in Stroke Rehabilitation: "A Narrative Review"

Arghavan Mogharrabi¹

ارائه دهنده:

Kamran Ezzati², Mona Farmanbar¹

سایر نویسندگان:

1. PT, BSc student, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. PT, PhD, Associate Professor in Physical Therapy, Trauma Institute, Neuroscience Research Center, Poursina Hospital, Faculty of medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: Stroke is a prevalent neurological condition that often leads to persistent physical impairments, severely impacting daily functioning and quality of life. Physical therapy remains a central component in the multidisciplinary approach to post-stroke care, aiming to foster recovery and restore independence. This review aims to highlight contemporary physiotherapy strategies and examine how innovative technologies are reshaping stroke rehabilitation.

Methods: A comprehensive search was conducted using databases such as PubMed, ScienceDirect, and Google Scholar for articles published between 2015 and 2025. Keywords included “stroke rehabilitation,” “advanced physiotherapy,” “robotics in therapy,” “virtual reality,” and “AI in rehabilitation.”

Results: Modern rehabilitation practices—such as mirror therapy, task-oriented exercises, and constraint-based techniques—continue to show efficacy in motor recovery. Additionally, tech-driven solutions like virtual reality, robotic exoskeletons, wearable devices, and AI-guided platforms are enhancing therapy precision, accessibility, and engagement.

Conclusion: Integrating innovative technologies into physiotherapy has the potential to revolutionize stroke recovery by making treatments more personalized, engaging, and effective. Further research should explore their scalability, long-term outcomes, and adaptation in different healthcare settings.

Keywords: stroke recovery, physiotherapy innovation, virtual reality, robotic therapy, wearable sensors



کاربرد هوش مصنوعی در روان‌پرستاری: چالش‌ها و آینده‌ی روان‌پرستاری

ارائه دهنده: سیده زهرا رضائی¹

سایر نویسندگان: لعلیا فکری²، دلنیا نادری³، مهشید بارکازران⁴

¹ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

² مربی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

³ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

⁴ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف :

هوش مصنوعی به عنوان یکی از نوآوری‌های مهم عصر دیجیتال، در حال تحول اساسی در عرصه‌های مختلف علوم پزشکی است. به کارگیری هوش مصنوعی در زمینه‌ی پرستاری سلامت روان نیز با به وجود آوردن فرصت‌های قابل توجه منجر به بهینه‌سازی تصمیم‌گیری بالینی و ارتقای ارتباط درمانی شده است. با این حال چالش‌هایی چون نگرانی‌های اخلاقی کمبود آموزش حرفه‌ای و آینده‌ی روان‌پرستاری را تحت شعاع قرار داده است.

مواد و روش‌ها: مقالات در دسترس در پایگاه‌های اطلاعاتی GOOGLE SCHOLAR, PUBMED, EMBASE, SCOPUS, SID و با استفاده از کلمات کلیدی، از سال 2020 تا 2025 مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت 11 مقاله براساس اهداف مطالعه، مورد بررسی و شکافانه قرار گرفت.

نتایج: مطالعات نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در حوزه‌هایی نظیر ارزیابی خلق‌وخو، پایش علائم روان‌پزشکی، پشتیبانی از تصمیمات پرستاری، آموزش مبتنی بر شبیه‌سازی، و ایجاد سیستم‌های هشدار هوشمند می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. با این حال، موانعی نظیر نبود چارچوب‌های قانونی مشخص، عدم آمادگی سازمانی و مهارتی پرستاران، و ترس از جایگزینی نیروی انسانی، از چالش‌های مهم در مسیر پیاده‌سازی این فناوری هستند.

نتیجه‌گیری: استفاده از هوش مصنوعی در پرستاری سلامت روان می‌تواند گامی مهم در جهت بهبود خدمات سلامت روان، افزایش دقت تشخیص و ارتقاء مراقبت‌محور بودن خدمات باشد. با این حال، تحقق کامل این پتانسیل نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی، آموزش مداوم پرستاران، و تنظیم سیاست‌های اخلاقی و قانونی متناسب است. پرستاران باید به‌عنوان اعضای کلیدی تیم درمان، توانمندی‌های لازم را در حوزه فناوری‌های نوین کسب کرده و نقش فعالی در توسعه کاربردهای بالینی هوش مصنوعی ایفا کنند.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، روان‌پرستاری، پرستاری سلامت روان



Efficiency and Effectiveness of Artificial Intelligence Compared to Traditional Drug Management Methods in Elderly Patients: A Scoping Review

Zahra Qasemi¹

ارائه دهنده:

Maryam Haji²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, Zeynab (P.B.U.H) School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

2. Student Research Committee, Zeynab (P.B.U.H) School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim : Drug management in elderly patients is one of the key challenges in healthcare systems, requiring innovative and effective methods to improve therapeutic effectiveness and reduce side effects. In recent years, the use of Artificial Intelligence (AI) in drug management for elderly patients has emerged as an advanced approach.

Methods: A comprehensive search using English keywords related to "elderly", "artificial intelligence", "drug management", "traditional methods", "machine learning", and "medication errors" was conducted with appropriate Boolean operators. Relevant articles from 2018 to 2025 were searched in scientific databases, including PubMed, Google Scholar, and Web of Science. Inclusion criteria focused on studies examining the efficiency, effectiveness, and comparison of artificial intelligence with traditional methods in drug management, while exclusion criteria included irrelevant, duplicate, and lacking primary data articles. Data were extracted and analyzed using scoping review methods and qualitative analysis.

Results: A total of 180 studies were collected, with irrelevant or duplicate cases removed based on the exclusion criteria. In total, 6 relevant articles were identified and reviewed. Findings indicate that integrating artificial intelligence in drug management has led to significant advancements in drug dosage accuracy and safety, especially with the use of advanced algorithms like artificial neural networks, improving therapeutic outcomes and reducing side effects. Additionally, the use of artificial intelligence has reduced human errors and improved adherence of elderly patients to complex drug therapies. Economically, AI-based interventions have reduced costs associated with drug-related problems and streamlined the drug management process, reducing hospital stays and unnecessary admissions. Furthermore, artificial intelligence enables personalized and tailored displays based on individual patient responses, a stark difference from traditional methods based on general protocols.



Conclusion: Artificial intelligence plays a prominent role in enhancing drug management in elderly patients by improving accuracy, safety, effectiveness, cost, and personalized treatment. However, challenges such as data privacy protection, compliance with regulations, and integration of this technology into existing healthcare systems remain significant obstacles that need to be addressed to realize the potential of artificial intelligence in this field fully.

Keywords: Elderly, Artificial Intelligence, Drug Management, Traditional Methods, Machine Learning, Medication Errors

References:

1. Beemkumar N, Singh DP, Ahmed Z. Optimizing Drug Dosage and Medication Management for Geriatric Patients with Artificial Neural Networks. In 2023 IEEE International Conference on ICT in Business Industry & Government (ICTBIG) 2023 Dec 8 (pp. 1-6). IEEE.
2. Masagali BP. Optimizing Workforce Management in Long-Term Care Through AI and Machine Learning: Enhancing Efficiency and Improving Care Quality. Global Research Development (GRD) ISSN: 2455-5703. 2025 Jan 5;10(1):1-5.
3. Barakat HE, Halim IT. Implications of Artificial Intelligence for Medication Therapy Management and Its Efficacy in Clinical Pharmacy. In Interdisciplinary Studies on Digital Transformation and Innovation: Business, Education, and Medical Approaches 2025 (pp. 191-214). IGI Global Scientific Publishing.
4. Tiwari MS. The role of artificial intelligence in medication therapy management. Futuristic Trends in Pharmacy & Nursing. 2024;3(10):149-62.

Row	Article title and authors	Year of publication	Summary of results without statistical findings
1	Optimizing Drug Dosage and Medication Management for Geriatric Patients with Artificial Neural Networks. Beemkumar N, Daljeet Pal Singh, Zahid Ahmed	8 Dec 2023	This study demonstrates that the proposed artificial neural network approach significantly improves accuracy, sensitivity, specificity, precision, and F1 score compared to traditional methods, turning it into a more personalized, flexible, safe, effective, and efficient solution for drug management in elderly patients.
2	Implications of Artificial Intelligence for Medication Therapy Management and Its Efficacy in Clinical Pharmacy Hadeer Ehab Barakat, Islam Tharwat Abdel Halim	13 Dec 2024	Artificial intelligence enhances the efficiency and effectiveness of medication management by improving drug safety, predicting health risks, and monitoring adherence, which may be lacking in traditional methods. This leads to better patient outcomes and reduced treatment costs, especially beneficial for elderly patients.



3	<p>The Revolution of Long-Term Care: Enhancing Efficiency and Accuracy in Medication Management Through Artificial Intelligence</p> <p>Bhanu Prakash Manjappasetty Masagali</p>	5 Sep 2024	Artificial intelligence significantly increases the efficiency and effectiveness of medication management for elderly patients by reducing human error, improving speed and accuracy, and personalizing care. It addresses important challenges related to non-adherence and optimizes overall healthcare outcomes.
4	<p>The role of artificial intelligence in medication therapy management</p> <p>Mr. Satyam Tiwari</p>	6 Mar 2024	Artificial intelligence enhances the efficiency and effectiveness of medication management for elderly patients by personalizing treatment plans based on individual data, improving drug adherence, and identifying high-risk populations, ultimately optimizing therapeutic outcomes and reducing side effects compared to traditional methods.
5	<p>A Digital Health Perspective on Medication Use and Polypharmacy Management for Improving Healthcare Outcomes in Geriatric Patients</p> <p>Tungki Pratama Umar, Andrei Tanasov, Bella Stevanny, Dessy Agustini, Tirth Dave, Ayman Essa Nabhan, Maysa Madany, Muiz Ibrahim, Dang Khoa Nguyen, Shivani Jain, Nityanand Jain</p>	18 Dec 2023	This article discusses how AI-based digital tools improve the efficiency and effectiveness of medication management for elderly patients by simplifying decision-making, enhancing patient experience, enabling remote monitoring, and addressing challenges associated with polypharmacy and drug adherence.
6	<p>Transformative Applications of AI in Healthcare Management and Pharmacy Practice: Enhancing Medication Management, Healthcare Service Improvement, Accessibility, and Patient Outcomes</p> <p>Ebisindor Victoria Awala</p>	1 Dec 2024	Artificial intelligence improves the efficiency and effectiveness of medication management for elderly patients by predicting adherence, identifying drug interactions, and recommending optimal regimens, thereby reducing errors, simplifying processes compared to traditional methods, and ultimately enhancing patient outcomes and care delivery.



The Role and Application of Artificial Intelligence in Pediatric Pain Management: A Review article

Zahra Qasemi¹

ارائه دهنده:

1. Student Research Committee, Zeynab (P.B.U.H) School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim : Pain management in pediatrics is a significant challenge in healthcare. Recent advancements in artificial intelligence (AI) technology provide opportunities to enhance care and the effectiveness of pain relief strategies. This article explores the role of artificial intelligence in pediatric pain management and its impact on treatment outcomes.

Methods: This scoping review utilized English keywords related to "artificial intelligence," "pain management," and "children" with appropriate Boolean operators. Relevant articles were searched from scientific databases such as PubMed, Google Scholar, and Web of Science between 2018 and 2025. Inclusion criteria involved articles focusing on artificial intelligence in pediatric pain management. Exclusion criteria included duplicate publications, reviews, and articles lacking clear background information or method descriptions.

Results: A total of 720 studies were retrieved, and irrelevant, duplicate, or low-quality items were removed. Ultimately, 7 relevant articles were identified and reviewed. The findings show that AI tools can personalize educational programs for specific conditions and optimize opioid doses to improve patient outcomes. AI-driven distraction techniques can reduce pain and discomfort during invasive procedures. AI can also create engaging educational materials to enhance understanding of pain management for children and caregivers. Additionally, AI-controlled pain pumps, robots, or toys derived from AI research are among the findings.

Conclusion: This study demonstrates the potential of AI to enhance pediatric pain management and support the optimization of pain relief methods and physician education. However, challenges must be addressed to fully realize this potential. While AI shows promise for improving pediatric pain management, ethical implications and the need for further research into long-term outcomes must be considered. Balancing innovation with safety and efficacy is essential in utilizing AI in this sensitive area.

Keywords: Artificial Intelligence, Pain Management, Pediatrics

References:

1. Kyoko Tanaka¹, Maoko Hayakawa^{1,2}. Effects of artificial intelligence aibo intervention on alleviating distress and fear in children. 2022.
2. Robinson¹ CL. Reviewing the Potential Role of Artificial Intelligence in Delivering Personalized and Interactive Pain Medicine Education for Chronic Pain Patients. 2024.
3. F. Zhang SW. Retracted: Application of a Remotely Controlled Artificial Intelligence Analgesic Pump Device in Painless Treatment of Children. 2022.



4. Salekin MS. Future roles of artificial intelligence in early pain management of newborns. 2021

Summary of non-statistically significant results	Study location / Publication year	Article title and authors	Row
The article proposes a medical hypothesis and plans a study employing AI for accurate postoperative pain assessment in children, aiming to improve pain management and reduce distress through more objective, timely, and reliable evaluation techniques.	2024	Postoperative accurate pain assessment of children and artificial intelligence: A medical hypothesis and planned study. Jian-Ming Yue, Qi Wang, Bin Liu, Leng Zhou	1
Discusses the implementation of artificial intelligence in pediatric anesthesia, highlighting AI's role in optimizing anesthesia delivery, improving safety, customizing sedation and pain management, thus enhancing care quality during pediatric surgeries and procedures.	2024	Artificial intelligence in paediatric anaesthesia Anisha De, Gayatri Sasikumar	2
Presents an AI-based interactive design object called EGG aimed at managing postoperative pain in children, showing how AI and human-computer interaction can provide engaging, effective pain relief and improve patient comfort.	2024	EGG: AI-Based Interactive Design Object for Managing Post-operative Pain in Children. Jing Li, Kuankuan Chen, Liuyiyi Yang, Milou Mutsaers, Emilia Barakova	3
Investigates IoT-enabled pediatric pain care by leveraging majority vote-based transfer learning models to improve remote pain monitoring and management, demonstrating AI's potential in enhancing personalized, real-time pain interventions in children.	2024	IoT-Enabled Pediatric Pain Care Leveraging Majority Vote-Based Transfer Learning Models. Nupur Gaikwad, Darshana Upadhyay, Jaume Manero, Srinivas Sampalli	4



دانشگاه علوم پزشکی تهران

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

This study explores the effects of artificial intelligence aibo intervention on alleviating distress and fear in children, demonstrating potential benefits as a non-invasive tool to reduce pediatric emotional distress and improve wellbeing during medical experiences	2022	Effects of artificial intelligence aibo intervention on alleviating distress and fear in children. Kyoko Tanaka, Maoko Hayakawa	5
he retracted study originally examined the use of a remotely controlled artificial intelligence analgesic pump device to provide painless treatment for children, emphasizing emerging AI applications in pediatric pain management despite subsequent concerns leading to retraction of the paper.	2022	Retracted: Application of a Remotely Controlled Artificial Intelligence Analgesic Pump Device in Painless Treatment of Children. F. Zhang SW	6
discusses future roles of artificial intelligence in early pain management of newborns, focusing on AI's ability to enhance early diagnosis, pain assessment, and personalized interventions to improve neonatal care outcomes in critical early life stages.	2021	future roles of artificial intelligence in early pain management of newborns. Salekin MS	7



The Role of Artificial Intelligence in Detecting Cognitive Impairment in the Elderly Population: A Narrative Review

Majid Sammak¹

ارائه دهنده:

Sogol Gholaminiya Ye Dafrazi¹, Erfan YousefZadeh¹

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: With increasing life expectancy and the global trend of population aging, cognitive impairment in older people is currently a major concern for health care systems. Early detection of diseases such as dementia, mild cognitive impairment (MCI), and Alzheimer's disease is crucial for the improvement of quality of life, the reduction of medical costs, and the enhancement of the effectiveness of therapeutic interventions. In this context, new technologies, particularly artificial intelligence (AI) and machine learning (ML), have revealed new horizons in the detection, prediction, and diagnosis of cognitive and behavioral symptoms in the elderly. Therefore, this narrative review aims to explore the role of artificial intelligence in the Detecting Cognitive Impairment in the Elderly Population elderly.

Methods: In the present study, a literature review was conducted on PubMed, ScienceDirect and google scholar databases focusing on English-language papers using the keywords Cognitive Dysfunction, Artificial Intelligence, Aged, Machine Learning, and Early Diagnosis between the years 2020 to 2025. After screening, eight interventional studies were included. The studies were further analyzed to infer the primary trends, methods, and findings on the role of artificial intelligence for the identification of cognitive impairments in the elderly population.

Results: We include eight articles, our findings suggest that ML algorithms such as Random Forest and XGBoost effectively identified psychological and cognitive symptoms such as depression, anxiety, apathy, and MCI from speech, facial expressions, text, and Electronic Health Records (EHRs). The XGBoost algorithm reduced the need for in-person cognitive screening by 61% while still detecting 73% of cognitively impaired patients. Combining Magnetic Resonance Imaging (MRI), Positron emission tomography (PET), Electroencephalography (EEG), and genomic data enhanced diagnostic accuracy to over 90%,



while the use of explainable AI enhanced model transparency and clinical trust. In speech and language analysis, deep learning models like BERT, Convolutional Neural Network (CNN), Long Short-Term Memory (LSTM), and attention-based models recorded high accuracy (up to 91.67% on the ADReSS dataset), with pre-trained models outperforming models trained from scratch. Alzheimer's disease (AD) was more precisely identified than MCI. A ten-feature model of key regions on MRI predicted MCI up to seven years before symptoms occurred. Finally, the integration of EEG and event-related potentials (ERP) with deep learning algorithms provided a novel, non-invasive early detection approach. The greatest obstacles were the lack of large, multilingual datasets and the limited interpretability of deep learning models.

Conclusion: Artificial intelligence, driven by multimodal data and advanced models like BERT and XGBoost, is crucial for early diagnosis of cognitive deficits in older persons. With constraints such as a limited number of data points and model explainability. With constraints like few data points and reduced model explainability, AI offers promising directions for accurate, fast, and non-invasive screening of cognitive.

Keywords: Cognitive Dysfunction, Artificial Intelligence, [Aged](#), Machine Learning, Early Diagnosis



Predicting Type 2 Diabetes Using Machine Learning Models Based on Dietary Regimens and Continuous Glycemic Data: A Systematic Review

Mahdis Parsaparvar²

ارائه دهنده:

Mohammad Kazem Imani Khoshkhoo¹, Behrouz Talaei³

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
2. Student Research Committee, Faculty of Medical Science, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran
3. Department of Nutrition, Faculty of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

چکیده

Background and Aim: Type 2 diabetes (T2D) is a major public health challenge characterized by insulin resistance and hyperglycemia. Early prediction is crucial in preventing complications. Machine learning (ML) models offer novel opportunities by analyzing complex datasets, particularly when integrating dietary regimens, such as the glycemic index (GI) and glycemic load (GL), with continuous glucose monitoring (CGM), which captures dynamic glycemic variability.

Methods: This systematic review followed PRISMA guidelines. Literature was searched in PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar from 2000 to August 2025 using terms related to T2D prediction, machine learning, diet, and CGM. Inclusion criteria comprised studies applying ML models with dietary and/or CGM data for T2D prediction, while non-ML, animal, or non-peer-reviewed studies were excluded. Data extraction covered study design, ML algorithms, datasets, features, and performance metrics. Quality was assessed via the Newcastle-Ottawa Scale and QUADAS-2.

Results: Thirty-two studies met eligibility. Supervised ML models, especially Random Forest, XGBoost, and deep neural networks, were most common. Integration of GI/GL with CGM metrics enhanced predictive accuracy. Reported accuracies ranged from 78% to 97%, with tree-based models outperforming others. Key predictors included glycemic variability, time in range, BMI, and dietary quality. Several studies have demonstrated an accuracy rate of over 90% when combining diet and CGM features.

Conclusion: ML models integrating dietary and CGM data have high potential for early T2D prediction and personalized interventions. However, dataset heterogeneity and limited external validation remain challenges. Prospective, multimodal studies are needed for stronger clinical application.

Keywords: Type 2 Diabetes, Machine Learning, Artificial Intelligence, Dietary Regimen, Glycemic Index



Artificial Intelligence Use in the Management of Vascular Surgery: A Scoping Review of Clinical Studies

Mohammad Mostaghar²

ارائه دهنده:

Javad Shaabanzadeh¹, Fatemeh Farahpor², Saba Karimi²

سایر نویسندگان:

1. Student Research committee, Department of nursing, Behbahan faculty of medical sciences, Behbahan, Iran
2. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht

چکیده

Introduction: Vascular surgery is a complex field often associated with significant complications that can affect patient outcomes. Recent advances in artificial intelligence offer promising tools for early detection, prediction, and management of these complications. This scoping review aims to comprehensively evaluate clinical studies on the application of AI in managing vascular surgery-related complications, highlighting current progress and challenges.

Search Method: The search for relevant studies involved utilizing keywords related to “Artificial Intelligence”, “machine learning” and “Vascular Surgery” in international databases, including PubMed, and Web of Science, and national resources like SID and Magiran. from 2015 to 2025. The initial search yielded 211 studies, Inclusion criteria consisted of clinical articles relevant to the study title, excluding animal studies, reviews, conference presentations, and editor letters. After eliminating duplicates and maintaining ethical standards to avoid biases, the final analysis comprised 27 selected studies.

Results: The analysis of studies reveals that AI plays a significant role in vascular surgery, effectively aiding in disease diagnosis (40% of studies), postoperative complication management (40%), and clinical outcome prediction (14%). Additionally, AI has demonstrated cost and time efficiency benefits in 11% of cases while serving as an educational tool for both trainees and patients. However, 18% of studies highlight the need for further research to expand AI applications in this field. These findings underscore AI's considerable potential to enhance vascular surgical outcomes, though more research is required to optimize and broaden its clinical implementation.

Conclusion: This review highlights AI's significant potential in enhancing vascular surgery outcomes through improved diagnosis, complication management, and postoperative prediction, while also reducing costs and time. However, some studies emphasize the need for further research to address challenges in clinical validation, standardization, and ethical implementation. As the field evolves, collaborative efforts between surgeons and AI specialists will be crucial to optimize these technologies for routine clinical practice, ensuring both efficacy and patient safety in vascular surgical care.

Keywords: Artificial Intelligence, machine learning and Vascular Surgery



The Effects of Telemedicine Interventions on Caregivers of Dementia Patients: A Narrative Review

Sogol Gholaminiya Ye Dafrazi¹

ارائه دهنده:

Majid Sammak¹, Erfan YousefZadeh¹

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: The increase in the elderly population has led to a rise in the incidence of cognitive diseases such as dementia. Patients with dementia are highly dependent on caregivers to perform their activities. The burden of care has a significant impact on the physical and mental health and ultimately the quality of life of dementia caregivers. Meanwhile, the use of telemedicine to enhance dementia care, as well as support and meet the needs of caregivers, particularly family and home caregivers, is increasing due to its availability, scalability, and lower cost. Therefore, this narrative review aims to explore the effect of telemedicine interventions on caregivers of dementia patients.

Methods: A narrative literature review was conducted using PubMed and Google Scholar databases, focusing on English-language papers published between 2020 and 2025, with keywords including telemedicine, cognitive dysfunction, dementia, and caregivers. After screening, the seventeen interventional studies were included. The studies were further analyzed to identify the main trends and findings on the effects of telemedicine interventions on caregivers of dementia patients.

Results: We include seventeen articles, and our findings suggest that some self-directed or therapist-assisted online modules, such as iSupport and Acceptance and Commitment Therapy (ACT) based therapies, demonstrated significant decreases in depression, stress, grief, and pre-loss grieving symptoms among caregivers. Some digital platforms also increased caregiving competencies, psychological flexibility, and self-efficacy, but showed mixed effects on global quality of life and financial cost-effectiveness. Interventions tailored to cultural and contextual needs, such as those designed for ethnic minorities or low-resource settings, were more acceptable and relevant. Nonetheless, the findings were influenced by participant variables, implementation strategies, and intervention intensity, emphasizing the need for more extensive research to examine sustainability and scalability.

Conclusion: Telehealth interventions can reduce the psychological burden and improve caregiving competencies for caregivers of individuals with dementia. However, their efficacy is context and mode-dependent, highlighting the need for more focused and scalable solutions.

Keywords: Telemedicine, Cognitive Dysfunction, Dementia, Caregivers



The Impact of Mobile Applications on Self-Care in Patients with Diabetes: A Narrative Review

Alireza Raghimi Nashrudkoli¹

ارائه دهنده:

Majid Sammak^{1*}, Maryam khoshbakht Pishkhani¹

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim : Often called the 'silent killer', diabetic people constitute one of the prevalent chronic cases over the world of the modern society with a great imbalance regarding the burden of disease, mortality, disability, and unhealthy life years sustained. Effective management of diabetes requires patients to actively participate in daily self-care routines which include closely monitoring blood glucose levels, adhering to dietary recommendations, taking medication on schedule, and exercising regularly. Over recent years, mobile health applications have come up as strong digital aids to promote self-care routines among diabetic patients. This review seeks to assess and integrate available studies that evaluated the usefulness of mobile applications in enhancing self-care activities in diabetics.

Methods: For this narrative review, on June 2, 2025, a systematic literature search was conducted using the search engines PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar. The searched articles included the years 2020 to 2025, combined keywords and MeSH terms being: Mobile Health Applications, Diabetes Mellitus, Self-Management, Digital Therapeutics, Glycemic Control. Studies published in English only were used, and articles in languages other than English were not included in the review. 11 studies that met the inclusion criteria were identified and their results synthesized and analyzed.

Results: mobile applications positively influence diabetes self-management. Patients showed improved self-care activities such as increased physical activity, steps towards goal achievement, dietary regulation, and blood glucose monitoring. Patients' knowledge, adherence to medications, satisfaction regarding treatment, and self-efficacy towards goals set like step counts and overcoming self-imposed barriers improved as well. Users perceived features like glucose monitoring, dieting, and exercise planning as helpful in more than half of the studies reviewed. Although, 40% of the users reported some form of challenge like excessive data entry, software and hardware compatibility issues, and device inability to function with the needed software. These tools also resulted in reduced medication requirements, lowered clinic visits, and decreased overall treatment costs. Improvements in



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

clinical parameters such as HbA1c, fasting blood glucose, and BMI were noted for the short-term 18 months timeframe. Even with the promising outcomes, there is evidence suggesting a slower decline in effectiveness over time.

Conclusion: The addition of mobile applications into diabetes management practices can promote self-care among patients. Nonetheless, considerations like health professional support, digital health literacy, ease of use, and personalization all impact the effectiveness of these tools. This review emphasizes the need for designing diabetes management applications based on empirical research tailored to the user's needs.

Keywords: Mobile Health Applications, Diabetes Mellitus, Self-Management, Digital Therapeutics, Glycemic Control



Awareness and Knowledge as Determinants of Quality of Life in Menopausal Women: Insights from a Literature Review

Noura Lotfi Rezvandeh¹

ارائه دهنده:

Parvaneh Rezasoltani²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
2. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

چکیده

Background and Aim: Menopause is a natural transition experienced by women in middle age, frequently associated with significant physical and psychological challenges. Many women encounter adverse effects during this period, which can substantially impact their overall well-being. This study aims to review the correlation between knowledge and quality of life (QOL) among menopausal women.

Search Strategy: In this study, we utilized various international databases and publications, including Google Scholar, MEDLINE/PubMed, Elsevier, BMC, PMC, MDPI, JEHP, Saku, Climacteric, IJCBNM, JHSSS Frontiers, IJCMPh, ORCID, JCN, Wiley, and Sage Journals, with a time limitation of the last five years (2021 to 2025). From a total of sixty relevant articles, thirty articles in English, comprising original research and reviews, were selected for inclusion.

Findings: Studies indicate a direct relationship between women's level of knowledge and the severity of climacteric symptoms. Interventions such as self-care training, physical activity education, and multidisciplinary health education initiatives based on lifestyle medicine (MHELM) have been shown to enhance the quality of life (QOL) for women. MHELM can improve physical activity levels and dietary habits, leading to a reduction in somatic, psychological, and, in some cases, urogenital symptoms. Furthermore, a lack of knowledge is associated with insufficient medical care and a higher number of experienced symptoms. To enhance self-efficacy, educational programs can be implemented in schools, universities, and workplaces. Various tools, including online support groups, informational leaflets, films, digital health technologies, social media, and menopause workshops, can be effectively utilized to support women's education and awareness.



دانشگاه علوم پزشکی گیلان

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

Conclusion: Many women experience discomfort during menopause and often have limited education regarding this life transition. Therefore, the implementation of educational programs is essential to enhance their knowledge and awareness, ultimately improving their quality of life (QOL).

Keywords: Awareness; Knowledge; Menopause; Quality of Life; Signs and Symptoms; Women's Health

تأثیر مداخله آموزشی بر سبک زندگی سالمندان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر قم

ارائه دهنده: رضوانه جوادنژاد¹

سایر نویسندگان: محدثه جوانمرد¹، فاطمه کریم¹، الناز اشرفی²

1. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

2. استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

چکیده

مقدمه: حفظ و ارتقاء سلامت سالمندان یکی از چالش‌های مهم بهداشت عمومی است که با اتخاذ رفتارهای سالم در سبک زندگی قابل بهبود می‌باشد. هدف این پژوهش، تأثیر مداخله آموزشی بر سبک زندگی سالمندان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر قم می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه نیمه تجربی شامل ۱۱۸ سالمند واجد شرایط بود که از مراکز خدمات بهداشتی شهر قم انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای دو بخشی شامل مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء سلامت (HPLP-II) جمع‌آوری شد. گروه مداخله در هشت جلسه ۳۰ دقیقه‌ای و دو بار در هفته شرکت کردند. موضوعات آموزشی شامل تغذیه، فعالیت بدنی، مدیریت استرس و سلامت روان بود. گروه کنترل در طول مطالعه هیچ آموزشی دریافت نکرد. دو ماه پس از پایان مداخله، هر دو گروه مجدداً پرسشنامه را تکمیل کردند. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و آزمون ANCOVA تحلیل شد و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: پیش از مداخله، بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری در ابعاد مختلف سبک زندگی شامل مسئولیت‌پذیری سلامت، فعالیت بدنی، تغذیه، مدیریت استرس، روابط بین فردی، رشد معنوی و خود شکوفایی مشاهده نشد. با این حال، پس از اجرای مداخله آموزشی، گروه مداخله در تمامی این حوزه‌ها بهبود قابل توجه و معناداری را نشان داد ($P < 0.0001$).

نتیجه‌گیری: مداخلات آموزشی به طور مؤثر توانست جنبه‌های متنوع سبک زندگی سالم را در سالمندان تقویت کند و اهمیت اجرای چنین مداخلاتی را در ارتقای سلامت این گروه سنی به خوبی نمایان ساخت.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سالمندان، مداخله آموزشی



مداخلات برای ارتقای سلامت روان والدین کودکان مبتلا به سرطان: یک مرور

روایتی

ارائه دهنده: مونا حسین زاده صیقلانی¹

سایر نویسندگان: مرضیه احمدی²، ملیکا قلی زاد کلویری³، مریم خوشبخت پیشخانی⁴

1. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
2. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
3. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری اورژانس، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
4. دکتری، استادیار، گروه پرستاری مراقبت‌های ویژه، دانشکده پرستاری و مامایی، رشت، گیلان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: تشخیص سرطان در کودک برای مراقبان و اعضای خانواده استرس‌زا است و بر سلامت روان والدین تأثیر منفی می‌گذارد. حمایت از سلامت و عاطفه ارائه شده توسط والدین برای تجربه و نتایج درمان مطلوب فرزندشان ضروری است. کیفیت مراقبت والدین و توانایی آنها برای مراقبت از کودک با چگونگی مقابله با تشخیص سرطان مرتبط است؛ بنابراین، مداخلات برای والدین ضروری است. هدف این مطالعه یافتن مداخلاتی برای ارتقای سلامت روانی والدین کودکان مبتلا به سرطان است.

مواد و روش‌ها: در این بررسی، پایگاه‌های داده الکترونیکی از جمله PubMed، Web Of Science، Science Direct، SID و Google Scholar جستجو شدند. مقالات به زبان انگلیسی و فارسی، با متن کامل که بین سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۴ منتشر شده بود، انتخاب شدند.

نتایج: ۱۸ مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که مداخلات برای والدین استراتژی‌های مختلفی برای افزایش سلامت روان نشان می‌دهد. مداخلات کلیدی شامل مراقبت‌های معنوی بود که سلامت روانی را بهبود بخشید؛ درحالی‌که تأثیر قابل توجهی بر افسردگی نداشت و بحث گروهی که سلامت عاطفی را افزایش داد؛ اما تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی نشان نداد. درمان کوتاه‌مدت متمرکز بر راه حل، اضطراب روانی را کاهش داد، درحالی‌که درمان گروهی مبتنی بر انعطاف‌پذیری به طور مثبت بر درک سلامت و مهارت‌های سازگاری تأثیر گذاشت. مداخلات مدیریت استرس در کاهش استرس و اضطراب مؤثر بودند، اگرچه تأثیر کمی بر افسردگی داشتند. مداخلات مبتنی بر اینترنت و تلفن همراه به طور قابل توجهی افسردگی و خستگی را کاهش می‌دهد، سلامت روانی و مهارت‌های سازگاری به‌ویژه کاهش اضطراب را با برخی از برنامه‌ها بهبود می‌بخشد. به‌طور کلی مداخلات روان‌شناختی عمدتاً به نفع افسردگی بود، درحالی‌که سایر زمینه‌ها مانند استرس و کیفیت زندگی بهبود کمتری را نشان دادند. برنامه‌های آموزشی خود کمکی با گروه همسالان نیز به کاهش سطح اضطراب کمک کرد.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج، مداخلات روان‌شناختی و روان‌آموزی برای خانواده‌ها بسیار مفید است و به بهبود وضعیت روحی و سازگاری والدین کودکان مبتلا به سرطان کمک می‌کند؛ بنابراین استفاده از این برنامه‌ها در سیستم پشتیبانی با کمک و صبر پرستاران و مسئولین بیمارستان توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: مراقبین، سرطان کودکان، سلامت روان

نگاهی به تلاش های جهانی در جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی در پیشگیری و مقابله با حوادث پرتویی

روشنک آل اسماعیل^۱

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان: پویا نعمت زاد خمسی^۲، پرند پورقانع^۳، فرزانه نظری مهرابی^۴

۱. گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
۲. مری گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.
۳. دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی پرستاری - کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: حوادث پرتویی از جمله حوادث انسان ساخت با مشکلات فراوان می باشند که این حوادث می توانند زمان معالجه بیماران یا حتی به صورت فاجعه بار مانند قرارگیری در معرض مواد رادیو اکتیو باشند، لذا کادر درمانی حاضر در مراکز بهداشتی درمانی باید آمادگی کامل جهت مقابله و مدیریت چنین حوادثی را داشته باشند. در این میان، دانشجویان علوم پزشکی که به عنوان نیروهای آینده مراکز بهداشتی درمانی محسوب می شوند، باید در این زمینه آموزش های لازم را اخذ کرده باشند که متأسفانه مطالعات گوناگون نشان دهنده عدم آگاهی دانشجویان در این زمینه می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی و شناسایی تلاش های کشور های پیشرو در این زمینه صورت گرفته تا نتایج آن در جهت آموزش و آمادگی نظام بهداشت و درمان کشور در مقابله با حوادث پرتویی مورد بهره برداری قرار گیرد. مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری سیستماتیک می باشد که در آن جستجو با استفاده از کلید واژه های دانشجو، علوم پزشکی، پیشگیری و حوادث پرتویی به صورت فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر ایرانی و خارجی موجود در پایگاه های Scopus، PubMed، Elsevier، SID، Magiran، Google Scholar در فاصله زمانی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ میلادی صورت گرفت. معیارهای ورود به مطالعه شامل قابلیت دسترسی به متن یا چکیده مقالات، ارتباط عنوان و متن مقاله با هدف پژوهش و معیارهای خروج از پژوهش نیز، عدم دسترسی به چکیده مقالات و نقض هر یک از موارد ورود بوده است که در نهایت ۶ مقاله با استفاده از چک لیست PRISMA به صورت نهایی انتخاب شدند.

نتایج: بررسی مقالاتی که به صورت نهایی وارد مطالعه شده بودند نشان داد که کشورهای آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی خود در این زمینه دو راهبرد را به کار گرفته اند. نخستین راهبرد بهره گیری از متخصصان گوناگون جهت تدوین کوریکولوم ها و دوره های آموزشی در جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی در زمینه مقابله با حوادث پرتویی و دومین راهبرد انجام مطالعات متعدد در دانشگاه های علوم پزشکی جهت سنجش تاثیر روش های گوناگون آموزشی بر میزان آمادگی دانشجویان در مقابله و مدیریت حوادث پرتویی می باشد.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کشورهای جهان در تلاش هستند تا بتوانند دانشجویان حوزه علوم پزشکی خود را هر چه بیشتر در جهت مقابله با حوادث پرتویی آماده کنند، لذا پیشنهاد می شود در کشورمان نیز برنامه های آموزش حفاظت پرتویی تنها به دانشجویان رادیولوژی محدود نگردد و تمام دانشجویان علوم پزشکی کشور در جهت مقابله با این حوادث متناسب با رشته خود آموزش های لازم را اخذ نمایند.

کلمات کلیدی: دانشجو، علوم پزشکی، حوادث پرتویی، پیشگیری



Caregiver Burden in Patients with Alzheimer's Disease: A Scoping Review of Clinical Studies

Mohammad Mostaghar¹

ارائه دهنده:

Mahsa Moslemi¹, Javad Shaabanzadeh²

سایر نویسندگان:

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht

2. Student Research committee, Department of nursing, Behbahan faculty of medical sciences, Behbahan, Iran

چکیده

Introduction: The increasing prevalence of Alzheimer's disease poses significant challenges not only for patients but also for their caregivers. Understanding the caregiving burden is essential for developing targeted interventions to improve quality of life for both parties. This scoping review aims to systematically explore clinical studies assessing the caregiving load associated with Alzheimer's disease. By synthesizing current evidence, the review provides insights into key factors influencing caregiver stress and potential areas for support.

Search Method: The search for relevant studies involved utilizing keywords related to " Caregiver Burden " and " Alzheimer's Disease in international databases, including PubMed, and Web of Science, and national resources like SID and Magiran. from 2015 to 2025. The initial search yielded 635 studies, Inclusion criteria consisted of clinical articles relevant to the study title, excluding animal studies, reviews, conference presentations, and editor letters. After eliminating duplicates and maintaining ethical standards to avoid biases, the final analysis comprised 55 selected studies.

Results: This review found 29% of studies (16 papers) reported depression, anxiety, and sleep disturbances in Alzheimer's caregivers. Patient symptom remission improved burden in caregivers (9% of studies/5 papers). Training reduced burden in 7 of 18 studies (32%), with internet interventions in particular (9 papers). One study disagreed. Psychotherapy benefited 18% of studies (10 papers). These findings suggest that better patient care, caregiver training, and psychological intervention can be capable of reducing caregiver stress.

Conclusion: This review highlights the significant psychological burden on Alzheimer's caregivers and identifies key intervention strategies, including patient symptom management, caregiver education (particularly online programs), and psychotherapy as effective, approaches to alleviate caregiver stress. Implementing these supportive measures could substantially improve caregivers' quality of life while enhancing patient care.

Keywords: Caregiver Burden, Alzheimer's Disease, Psychological Stress, Caregiver Education, Psychotherapy



بررسی شیوع نوموفوبیا در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پرستاری رشت

سال 1404

فاطمه حسن پور¹

ارائه دهنده:

سایر نویسندگان: شادی قطران²، مرضیه جهانی صیاد نویری³

1. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی رشت، رشت، ایران
2. کارشناسی ارشد داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت
3. دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی رشت، رشت، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: پیشرفت سریع تکنولوژی در قرن حاضر سبب توجه ویژه به ابزارهای ارتباطی مانند تلفن های هوشمند و افزایش علاقه مندی به استفاده از آن شده است. پیامد استفاده غیرمعمول یا افراطی از این وسایل باعث به وجود آمدن انواع وابستگی های روان شناختی و جسمی به تلفن همراه یا نوموفوبیا می شود. از آنجائیکه بدنه درمان و مراقبان آینده در دانشکده های پرستاری و مامایی مورد آموزش قرار می گیرند، درک پدیده نوموفوبیا در بین دانشجویان، بسیار ضروری بنظر می رسد. زیرا می تواند بر عملکرد تحصیلی آنها و همچنین کیفیت آموزش تاثیرگذار باشد لذا این مطالعه با هدف تعیین شیوع نوموفوبیا در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال 1404 انجام گردید.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی از نوع تحلیلی می باشد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت تشکیل می دادند. نمونه گیری به روش در دسترس و جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه آنلاین استاندارد 20 آیتمی نوموفوبیا با لیکرت 7 آیتمی که از کاملاً مخالف با نمره 1 و کاملاً موافق با نمره 7 با حداقل نمره 20 تا حداکثر 140، انجام شد. لینک پرسشنامه با ذکر عنوان و اهداف پژوهش و معیار های ورود از طریق اپلیکیشن ایتا در اختیار دانشجویان قرار گرفت، نهایتاً پرسشنامه ها جمع آوری شد. در مجموع 25 دانشجو تحصیلات تکمیلی وارد مطالعه شدند.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد، 72 درصد شرکت کنندگان زن با میانگین سنی 27 ± 4.74 بوده اند 84 درصد شرکت کنندگان در مقطع ارشد و 16 درصد آنها در حال تحصیل در مقطع دکتری و 28 درصد شرکت کنندگان متاهل و 72 درصد آنها مجرد بودند. 48 درصد شرکت کنندگان در حال تحصیل در ترم 2 و 60 درصد آنها شاغل بودند. میانگین استفاده از تلفن همراه 4.2 ± 0.28 ساعت بود. میانگین نمره نوموفوبیا در دانشجویان تحصیلات تکمیلی 77.5 ± 5.53 بود. نتایج حاکی از آن است نمره ترس از نداشتن تلفن همراه در دانشجویان تحصیلات تکمیلی از حد متوسط بیشتر بوده است و همچنین این دانشجویان زمان زیادی جهت استفاده از تلفن همراه، صرف می نمایند.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

اولین همایش تحقیقات و فناوری دانشجویی بین رشته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۸-۹ مهر ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری: با توجه به آنکه استفاده بیش از حد از تلفن هوشمند یک تهدید نوظهور برای سلامت اجتماعی، روانی و جسمی است و این موضوع در حال تبدیل شدن به یک اپیدمی می باشد، بنظر می رسد آموزش و همچنین دادن آگاهی در این زمینه بتواند در مهار آن نقش مهمی داشته باشد چرا که خیلی از این افراد در واقع متوجه بروز این اختلال نمی باشند. بنابراین پیشنهاد می گردد که کارگاههایی در سطح دانشگاه در مورد این پدیده جدید برگزار گردد.

کلمات کلیدی: نوموفوبیا، پرستاری، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

بررسی پیامدهای روانی و اجتماعی بیماری نوپدید کووید-۱۹ بر کادر درمان

ارائه دهنده: سپیده غائبی سدهی^{۱,۲}

سایر نویسندگان: شیوا علیزاده^۳

۱. دانشجوی مامایی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی زینب (س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

۲. دانشجوی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

۳. استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی زینب (س)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه : بیماری نوپدید کووید-۱۹ علاوه بر تهدید سلامت جسمانی، پیامدهای روانی و اجتماعی گسترده‌ای بر جوامع داشته است. بررسی این پیامدها برای بهبود مدیریت بحران و ارتقاء سلامت روان ضروری است.

هدف : در این مطالعه به بررسی و تحلیل تجربه‌های کادر درمان در مواجهه با چالش‌های روانی و اجتماعی بیماری کووید-۱۹ پرداخته شده است.

روش‌ها : این مطالعه با رویکرد مرور روایی انجام گرفته است. منابع علمی با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر بیماری نوپدید، کووید-۱۹، سلامت روان، فرسودگی شغلی جست و جو شده‌اند. داده‌ها از پایگاه‌های علمی معتبر مانند 'Magiran SID' و از میان مقالات منتشر شده پژوهشی بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ به زبان فارسی استخراج شدند. مقالاتی برگزیده شدند که به بررسی پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی در زمینه همه‌گیری کووید-۱۹ پرداخته بودند. در مجموع ۱۰ مقاله پژوهشی مرتبط با موضوع انتخاب و تحلیل گردید.

یافته‌ها : کادر درمان در دوران پاندمی کووید-۱۹ با اضطراب، ترس از مرگ و نگرانی مداوم در مواجهه با بیماران رو به رو بودند. این شرایط منجر به بروز تجربه‌های روانی سنگینی همچون بی‌خوابی، تحریک پذیری و احساس بی‌پناهی در میان آنان شد. علاوه بر این بسیاری از آن‌ها به دلیل فشارهای شدید کاری، کمبود منابع و فقدان حمایت‌های سازمانی دچار فرسودگی شغلی شدند، احساسی که با خستگی جسمی، روانی و افت انگیزه همراه بود. انزوای اجتماعی و قطع ارتباط با خانواده نیز به دلیل قرنطینه‌های مداوم یا ترس از انتقال بیماری، احساس تنهایی و طرد را در آن‌ها تقویت کرد. در نهایت نیاز به حمایت‌های روانی، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و تعامل همدلانه از سوی سیستم سلامت از مهم‌ترین درخواست‌های آن‌ها بود.

نتیجه‌گیری: کووید-۱۹ با ایجاد اضطراب، فرسودگی شغلی و نیاز شدید به حمایت روانی، فشار روانی زیادی بر کادر درمان وارد کرده است. این نتایج ضرورت طراحی مداخلات روانی و بازنگری در سیاست‌های ارتباطی و آموزشی در نظام سلامت را برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: بیماری نوپدید، کووید-۱۹، سلامت روان، فرسودگی شغلی



رویکردهای غیر دارویی برای اختلالات خواب در سالمندان: یک مرور روایتی

ارائه دهنده: مرضیه احمدی¹

سایر نویسندگان: ملیکا قلی‌زاد کلویی²، مونا حسین‌زاده صیقلانی³، زهرا توکل‌نیا⁴، مرضیه جهانی صیاد نویری⁵*

¹دانشجوی کارشناسی‌ارشد پرستاری سلامت جامعه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
²دانشجوی کارشناسی‌ارشد پرستاری اورژانس، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
³دانشجوی کارشناسی‌ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
⁴دانشجوی کارشناسی‌ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
⁵دکتری پرستاری، استادیار، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، رشت، گیلان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: خواب نقش مهمی در سلامت جسمی، عاطفی، عملکرد شناختی و حافظه ایفا می‌کند. کاهش کیفیت خواب، پس از سردرد و اختلالات گوارشی سومین شکایت رایج در سالمندان است که می‌تواند منجر به مشکلات مختلف سلامتی و شناختی، کاهش کیفیت زندگی و افزایش خطر بروز بیماری‌های مختلف شود. درمان اختلالات خواب در سالمندان شامل رویکردهای مختلف دارویی و غیردارویی است. مداخلات غیردارویی به علت کم عارضه بودن مورد استقبال قرار گرفته‌اند. با این حال، تعدد مداخلات غیردارویی و دستورالعمل‌های نامشخص جهت مدیریت مؤثر اختلالات خواب، لزوم بررسی جامع ویژگی‌ها و اثرات این مداخلات را نشان می‌دهد؛ لذا هدف این مطالعه مروری بر مداخلات غیردارویی جهت بهبود اختلالات خواب در سالمندان است.

مواد و روش‌ها: در این بررسی، پایگاه‌های داده الکترونیکی SID، Scopus، PubMed و Google Scholar جستجو شدند. 57 مقاله منتشر شده در پنج سال گذشته - 2020 الی 2025 - به زبان انگلیسی و فارسی، مورد بررسی قرار گرفتند و نهایتاً براساس معیارهای ورود شامل مطالعات توصیفی و مداخله‌ای، بررسی حداقل یک مداخله در مطالعه و در دسترس بودن متن کامل مقاله، 30 مقاله وارد مطالعه شدند. تمام مطالعات توسط تیم تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و مطالعات پروتکل نیز از مطالعه حذف گردیدند.

نتایج: نتایج بیانگر آن است که مداخلات غیردارویی مختلف تأثیر مثبتی بر بهبود کیفیت خواب سالمندان دارد. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فعالیت بدنی (تمرینات هوازی، تای‌چی، یوگا، پیلاتس)، درمان شناختی-رفتاری (CBT-I)، تکنیک‌های آرام‌سازی (آرام‌سازی تدریجی عضلات، تنفس جعبه‌ای)، رایحه‌درمانی، موسیقی‌درمانی، طب فشاری، طب سوزنی، ماساژدرمانی، آموزش و تمرینات ذهن‌آگاهی. در این میان، CBT-I و فعالیت بدنی، به‌ویژه تلفیق آن با توانبخشی شناختی-عصبی و تمرینات هوازی، اثربخشی بیشتری بر بهبود کیفیت خواب، کاهش تأخیر در شروع خواب، افزایش مدت و کارایی خواب، کاهش بیداری‌های شبانه و تقویت حافظه داشتند. طب فشاری به‌ویژه اگر توسط متخصصین انجام شود اثربخشی قابل‌توجهی در بهبود کیفیت خواب دارد. تمرینات ذهن-بدن (یوگا، تای‌چی و پیلاتس)، افزون بر کیفیت خواب، بر افسردگی و عملکرد شناختی سالمندان نیز آثار مثبتی داشتند. موسیقی‌درمانی، به‌ویژه در صورت اجرا بیش از ۴ هفته، کیفیت خواب و خلق‌وخو را بهبود داده و در ترکیب با آموزش، اثربخشی بیشتری خواهد داشت. گرچه اثربخشی رایحه‌درمانی به نوع رایحه، مدت‌زمان و نحوه اجرا بستگی دارد، اما کاربرد آن در اکثر مقالات بهبود کیفیت خواب را نشان داد. هرچند میزان اثربخشی سایر مداخلات از جمله کاربرد اپلیکیشن‌های ورزشی، ماساژ، سنگ گواشا، حمام پا و تکنیک‌های ذهن‌آگاهی متغیر و نیازمند بررسی بیشتر است؛ اما اثربخشی آن‌ها در بهبود پیامدهای خواب مشهود بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این مرور نشان می‌دهد که رویکردهای غیردارویی در زمینه خواب، علاوه بر بهبود کیفیت خواب، می‌توانند آثار مثبتی بر سلامت روان و عملکرد شناختی سالمندان گذاشته و به دلیل اثربخشی، ایمنی و هزینه پایین، مکمل یا جایگزین درمان‌های دارویی باشند، گرچه شناسایی مؤثرترین ترکیب برای انجام مداخلات، وابسته به شرایط بالینی سالمندان و نیازمند پژوهش‌های بیشتر می‌باشد.

کلمات کلیدی: اختلالات خواب، مداخلات غیردارویی، سالمندان، کیفیت خواب



Population aging and health challenges :A systematic review

Zahra Hemmati

ارائه دهنده:

1. Anesthesiology Department of Gums, Prof. Pirouz hospital, Lahijan, Iran

چکیده

Introduction: Population aging refers to the shift in the age distribution of a population towards older age groups. This trend is driven by declining fertility rates and is one of the most significant demographic trends of the 21st century. The phenomenon has profound implications for social systems, healthcare, labor markets, and economic growth. This review aims to systematically examine the literature on population aging and explore its multifaceted consequences and the strategies.

Methods: A systematic literature search was conducted using PubMed, Scopus, and Web of Science databases. Keywords included population aging, older adults, healthcare burden, and aging in low-income countries. Inclusion criteria were peer-reviewed articles published between 2005 and 2024, written in English, and focused on the impacts of aging populations and the healthcare challenges that are involved. A total of 142 studies were identified; after screening titles, abstracts, and full texts, 48 studies were included in the final review.

Results: The review found that population aging have many effects such as economic impacts, healthcare strain, social vulnerability and policy gaps. Healthcare demand increases significantly with age. Older adults are more likely to have chronic conditions such as cardiovascular disease, diabetes, and dementia. This places pressure on healthcare systems, particularly in countries with limited geriatric infrastructure. Social isolation, elder abuse, and ageism are growing concerns. Aging populations often face reduced mobility and limited community engagement. Mental health disorders, especially depression and anxiety, are prevalent among the elderly but frequently underdiagnosed.

Conclusion: Population aging poses complex challenges that require urgent, integrated responses, particularly in low and middle-income countries. Health systems must shift toward age-friendly, preventive, and community-based care. Economic policies should promote labor participation among older adults and ensure pension sustainability. While population aging can strain public resources, it also offers opportunities to harness the experience and contributions of older adults. Proactive planning, tailored to local contexts, is essential to ensure that aging societies remain equitable and resilient. This issue demands coordinated, long-term strategies. It is not solely a problem to be managed but also an opportunity to restructure societies to be more inclusive, healthy, and productive for people of all ages. Proactive investment in health systems, social protection, and lifelong learning will be essential to navigate the aging transition effectively.

Keywords: population aging, older adults, healthcare burden, aging policy

با آرزوی موفقیت و سربلندی برای همه همراهان عزیز

دانشگاه علوم پزشکی گیلان



دانشگاه علوم پزشکی گیلان



دانشگاه علوم پزشکی گیلان